

جامعه‌اندیشکده‌ها

مروری بر برترین پژوهش‌ها و اقدامات اندیشکده‌ها و مؤسسات سیاست‌پژوهی کشور

در این شماره می‌خوانید:

- | | |
|----|--|
| ۶ | پروژه‌های اجتماعی و فرهنگی جایزه ملی سیاست‌گذاری |
| ۱۰ | مصاحبه با دکتر بادامچی مدیر اندیشکده مهاجر |
| ۱۲ | کرونا؛ بازگشت به خانه و ظهور زنان خانه‌دار مجازی |
| ۱۶ | نقش اینترنت در رفتارهای جنسی نوجوانان |
| ۲۴ | سیاست‌گذاری امر جنسی در جامعه ایران |
| ۲۸ | ساماندهی حاشیه‌نشینی با تمرکز بر مسئله اعتیاد |
| ۴۸ | شناسایی الگوی مشارکت جمعی در اربعین |



جامعه اندیشکده‌ها با هدف توسعه فعالیت اندیشکده‌ها در کشور و ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها و اقدامات ترویجی آنها از سال ۱۳۹۵ آغاز به کار کرده است. در همین راستا پلتفرم‌ها و سرویس‌هایی را جهت انتشار نتایج و دستاوردهای برتر اندیشکده‌ها توسعه داده است. سایت جامعه اندیشکده‌ها به آدرس www.iranthinktanks.com، فصلنامه جامعه اندیشکده‌ها، مدرسه اندیشه‌ورزی و سیاست‌سازی، رویداد با اندیشه‌ورزان، جایزه ملی سیاست‌گذاری و

سالنامه جامعه اندیشکده‌ها، مهم‌ترین سرویس‌ها و پلتفرم‌هایی هستند که توسط جامعه اندیشکده‌ها ایجاد شده اند. سند حاضر اولین فصلنامه تخصصی جامعه اندیشکده‌ها است که برترین آثار اندیشکده‌های کشور را در حوزه اجتماعی و فرهنگی منتشر می‌کند. در این فصلنامه ۲۰ پژوهش از ۱۳ اندیشکده گردآوری شده است. ذکر این نکته لازم است که مطالب این فصلنامه صرفاً دیدگاه‌ها و نظرات اندیشکده‌ها و پژوهشگران پژوهش‌ها را بیان می‌کند و مسئولیت و

مالکیت معنوی مطالب نیز متعلق به ایشان است. از تمامی اندیشکده‌ها و افرادی که در گردآوری محتوای این فصلنامه همکاری کرده‌اند، سپاسگزاریم. صاحب امتیاز: جامعه اندیشکده‌ها
تدوین محتوا: سجاد زوده‌مهر، مهدی عسگرزاده، فاطمه مرتضوی، نسترن امیدوار، زهرا زارع
صفحه‌آرایی و طراحی جلد: سید کمال موسوی
ویراستاری: مهناز سخاوت‌زاده
قیمت: ۸۰ هزار تومان

جامعه اندیشکده‌ها تجربه چندین ساله‌ای در ارتباط با اندیشکده‌ها و موسسات سیاست‌پژوهی کشور دارد. تعریف و اجرای فعالیت‌ها و خدمات متنوع در راستای معرفی و برجسته‌سازی پژوهش‌ها و اقدامات برتر اندیشکده‌ها از یک سو و مشارکت موثر و روبه رشد آنها در این فعالیت‌ها و خدمات از سوی دیگر، بستری را فراهم کرده است که بتوان به تدریج فعالیت‌ها و خدمات را به سمت تخصصی شدن -از منظر موضوعات فعالیت و مأموریت‌های کاری اندیشکده‌ها- پیش برد. موضوعی شدن فعالیت‌ها و خدمات این امکان را می‌دهد که ظرفیت‌ها و توانمندی‌های افراد و مجموعه‌های اندیشه‌ورز بصورت موثرتری شناسایی، تجمیع و اعتبارسنجی نمود و ارتباطات و شبکه‌سازی میان اندیشکده‌ها با یکدیگر و با دستگاه‌های سیاست‌گذار را با هدفمندی بیشتری سامان داد. تشکیل شورای علمی جامعه اندیشکده‌ها در کمیته‌های علمی مختلف و برگزاری مرحله دوم اولین جایزه ملی سیاست‌گذاری در قالب پنل‌های موضوعی نخستین گام‌هایی بود که در مسیر موضوعی شدن فعالیت‌ها و خدمات جامعه اندیشکده‌ها برداشته شد و اکنون «موضوعی شدن فصلنامه جامعه اندیشکده‌ها» گام دیگری است که در این مسیر برداشته می‌شود.

تهران، خیابان انقلاب، بین چهارراه ولیعصر (عج) و خیابان برادران مظفر شمالی، پلاک ۹۰۷، طبقه ۲

وبسایت: www.iranthinktanks.com

تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۴۸۸۰۵۷

ایمیل: info@iranthinktanks.com

کدپستی: ۱۴۱۶۹۱۳۸۹۴



iranthinktanks



iranthinktanks



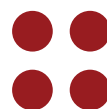
iranthinktanks



iranthinktanks



iranthinktanks__com



۲۰

● موسسه فتوح اندیشه
رصد و آسیب‌شناسی رسانه‌ها از منظر
فقهی



رسانه و فضای مجازی

۲۲

● مرکز پژوهشی آرا
کرونا و استعاره جنگ



رسانه و فضای مجازی

۲۴

● موسسه سجا
بررسی مفاهیم نظری و شناسایی
مسائل امر جنسی



چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

۲۶

● موسسه سجا
بسته‌های سیاستی جامع در زمینه امر جنسی



چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

۲۸

● اندیشکده پایا
ساماندهی حاشیه شهرها با تمرکز بر
مسئله اعتیاد



چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

۳۰

● پژوهشکده حکمت
پیامدهای اجتماعی بحران کرونا



چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

۳۲

● مرکز پژوهش‌های مجلس
بررسی برنامه سازمان ملل جهت حل
مسئله بی‌تابیتی



چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

۳۴

● موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام
مدل دینی ترک اعتیاد



چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

۳۶

● موسسه راهبردی بازنشستگی صبا
مستندنگاری شیوه‌های پرداخت
حقوق بازنشستگان



رفاه و تأمین اجتماعی

۴

معرفی ارزیاب‌کنندگان پروژه‌ها



معرفی

۵

معرفی اندیشه‌ورزان



معرفی

۶

گزارش ارائه‌های پروژه‌های اجتماعی و
فرهنگی جایزه ملی سیاستگذاری



گزارش رویداد

۹

بررسی آماری پروژه‌های حوزه اجتماعی و
فرهنگی



آمار

۱۰

مصاحبه با دکتر محمد حسین بادامچی
مدیر اندیشکده راهبردی مهاجر



مصاحبه

۱۲

● اندیشکده راهبردی مهاجر
کرونا و ظهور زنان خانه‌دار مجازی



رسانه و فضای مجازی

۱۴

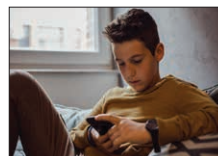
● مرکز پژوهشی آرا
انتشار شایعات در شبکه‌های اجتماعی
در بحران کرونا



رسانه و فضای مجازی

۱۶

● موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت
بررسی نقش اینترنت در رفتارهای جنسی
نوجوانان



رسانه و فضای مجازی

۱۸

● پژوهشکده حکمت
رهبران فکری توییتر



رسانه و فضای مجازی



۳۸

● موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
حمایت از حق مادری زنان شاغل



رفاه و تأمین اجتماعی

۴۰

● مرکز پژوهشی آرا
کرونا و اخلاق مراقبتی حکومت و مردم



دینداری و سبک زندگی

۴۲

● اندیشکده راهبردی مهاجر
دین مناسکی و بحران کرونا در مناسک دینی



دینداری و سبک زندگی

۴۴

● مرکز پژوهش‌های مجلس
اکران فیلم‌های سینمایی خارجی



فرهنگ و هنر

۴۶

● مرکز پژوهش‌های مجلس
مبانی سیاستی اداره وزارت فرهنگ و ارشاد



فرهنگ و هنر

۴۸

● پژوهشکده مطالعات فناوری
شناسایی الگوی مشارکت جمعی در اربعین



تعاون و مشارکت‌های مردمی

۵۰

● پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (ع)
بررسی حضور طلاب در مناطق سیل زده



تعاون و مشارکت‌های مردمی

۵۲

اخبار حوزه اجتماعی و فرهنگی در
زیست‌بوم اندیشه‌ورزی



اخبار

معرفی اعضای شورای علمی

ارزیابان این شماره از فصلنامه اجتماعی و فرهنگی جامعه اندیشکده‌ها

امیرودی

کارشناسی ارشد
مدیریت فناوری اطلاعات
mhroodi@gmail.com



محبوبه داودی

کارشناسی ارشد
علوم ارتباطات اجتماعی
mahboobe.davoodi@gmail.com



علی طاهری فرد

دکتری اقتصاد انرژی
taherifard.ali1983@gmail.com



محسن شهرابی

کارشناسی ارشد
سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی
moh3n.shahrabi@gmail.com



پیمان حقیقت طلب

کارشناسی ارشد
سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی
haghighattalab@gmail.com



جمال یزدانی

دکتری فرهنگ و ارتباطات
j.yazdane@gmail.com



مجید دانایی سیج

دکتری جامعه‌شناسی
اقتصادی و توسعه
mdanayi@yahoo.com



سجاد فتاحی

دکتری جامعه‌شناسی
fattahisajjad@gmail.com



سیدمحمدرضا باقرزاد

دکتری سیستم‌های دینامیکی
mbagherzad@gmail.com



مهدی امینی

دکتری حکمت هنر دینی
mahdi.amin63@gmail.com



سعید سیدحسین زاده یزدی

دکتری علوم اقتصادی
8saeed8@gmail.com



بهروز شاهمرادی

دکتری اقتصاد سرمایه‌گذاری بین‌الملل
bsheco@yahoo.com



علی نادری شاهی

دکتری اقتصاد پولی
a.naderishahi@gmail.com



اسماعیل نوده فراهانی

دکتری جامعه‌شناسی
اقتصادی و توسعه
farahani.es@gmail.com



فهرست اندیشه‌ورزان

فهرست مدیران پروژه‌های ارائه‌شده در این فصلنامه

اسماعیل نوده فراهانی

دکتری جامعه‌شناسی
اقتصادی و توسعه



محمد حسین بادامچی

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی

محمد حسن وکیلی

سطح ۴ حوزه



ابوطالب صفدری شریانی

دکتری فلسفه علم

مسعود کسرائی نژاد

کارشناسی ارشد اقتصاد

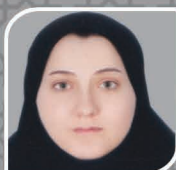


فریده خلیج‌آبادی فراهانی

دکتری تخصصی مطالعات جمعیتی

سعیده گراوند

کارشناسی ارشد
پژوهش علوم اجتماعی



محمد حسین فرج‌نژاد

دکتری حکمت هنر

سیدباقر نبوی

کارشناسی ارشد سینما



سعید قاسمی

دکتری سیاستگذاری فرهنگی

سعیده بابایی

دکتری فلسفه علم و فناوری



سجاد هجری

کارشناسی ارشد تاریخ علم ریاضی

صدیقه رضانی تمیجانی

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی



مهدی کاوه

دکتری جامعه‌شناسی
مسائل اجتماعی ایران

مهدی مولایی

دکتری سیاستگذاری فرهنگی



بازتاب مسائل اجتماعی و فرهنگی در جایزه ملی سیاستگذاری

گزارشی از پروژه‌های راه‌یافته به مرحله دوم جایزه ملی سیاستگذاری در حوزه اجتماعی و فرهنگی

جایزه ملی سیاستگذاری در سه مرحله به معرفی الگوهای موفق حل مسئله در فضای اندیشه‌ورزی کشور می‌پردازد. این جایزه با دریافت ۲۵۳ پروژه کار خود را آغاز کرد که از این میان ۵۰ پروژه مربوط به حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی بود. مرحله دوم جایزه از ۹ تا ۱۶ اسفند ماه ۱۳۹۹ برگزار شد. در این مرحله ۵۹ پروژه برتر توسط کمیته‌های علمی هر پنل ارزیابی شدند. از این میان ۷ پروژه به بررسی مسائل حوزه اجتماعی و فرهنگی اختصاص داشت و این پروژه‌ها با توجه به ماهیت مسئله مورد بررسی، در ۳ پنل تخصصی «رفاه اجتماعی»، «چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی» و «فرهنگ و آموزش» ارائه شدند. از میان این ۷ پروژه، ۳ پروژه به مرحله نهایی جایزه راه یافتند و یک پروژه نیز شایسته تقدیر شناخته شد. مرحله سوم این جایزه در تابستان ۱۴۰۰ برگزار خواهد شد. در ادامه، گزارشی مختصر از پروژه‌های اجتماعی و فرهنگی مرحله دوم جایزه ملی سیاستگذاری، ارائه می‌شود.



توصیه‌های این مطالعه برای بهبود نظام پرداخت مستقیم شامل «توسعه ارتباطات با دستگاه‌ها و اطلاع‌رسانی»، «ارتباط با سایر سیستم‌ها جهت تهیه نظام جامع احکام و بانک اطلاعاتی مشترکین»، «تقویت تعاملات اطلاعاتی در حوزه ثبت احوال و نهادهای بیمه‌ای»، «تقویت زیرساخت‌ها اعم از منابع فیزیکی سازمان و تقویت سرمایه انسانی»، «پوشش کامل پرداخت مستمری و حذف کامل دستگاه‌ها از فرآیند پرداخت مستمری»، «تهیه برنامه و تقویت ضمانت اجرایی» می‌شود. این پروژه در پنل «رفاه اجتماعی» مرحله دوم جایزه ملی سیاستگذاری، ۶۶ امتیاز کسب کرد و ارائه‌دهنده آن، مسعود کسرایی‌نژاد بود.

●● سازمان تأمین اجتماعی و حمایت از بیمه‌شدگان در زمان بیکاری

پنل «رفاه اجتماعی» همچنین میزبان پروژه «حمایت از بیمه‌شدگان بیکار شده سازمان تأمین اجتماعی در مواجهه با کرونا» از مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی بود. طبق بررسی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تا پایان فروردین ۱۳۹۹ حدود ۷۰۰,۰۰۰ نفر در کارگاه‌های تحت پوشش این وزارتخانه شغل خود را از دست داده‌اند! این مطالعه به ضرورت حق بیمه کارکنان موسسات جهت استفاده از مقرری بیکاری در زمان بیکاری می‌پردازد؛ ضرورتی که با بحران کرونا و تعطیلی بسیاری کارگاه‌ها و بیکاری نیروی کار، اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد.

●● پرداخت حقوق بازنشستگان؛ متمرکز به جای متکثر

«پرداخت مستقیم حقوق بازنشستگان کشوری» پروژه‌ای از مؤسسه راهبردی بازنشستگی صبا است که ضمن توضیح معضلات پرداخت حقوق بازنشستگان توسط دستگاه‌ها، مزیت‌های پرداخت مستقیم توسط سازمان بازنشستگی کشوری را مرور کرده است. طبق بررسی این پژوهش، نظام پرداخت‌ها در صندوق بازنشستگی کشورها قابل تقسیم به پنج دوره است. این دوره‌ها سیر پیشرفت و تقویت نظام پرداخت مستقیم را نشان می‌دهند:

- ۱) دوران نظارت (پیش از پرداخت)؛
- ۲) دوران تغییر از ناظر به مجری (آغاز نظام پرداخت مستقیم)؛
- ۳) دوران تحول پرداختی؛
- ۴) دوران خواب زمستانی؛
- ۵) دوران شکوفایی نظام پرداخت مستقیم.





این پروژه، موضوع مهم هویت رسمی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع غیرایرانی را بررسی و پیگیری کرده است و سیر تلاش‌ها جهت صدور شناسنامه برای فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی و اتباع خارجی را روایت می‌کند.

طراحی «سامانه مدیریت امور تابعیتی (سمات)» و «اصلاح قانون و اعطای حق انتقال تابعیت به فرزند برای زن ایرانی» پیشنهاد و راهکار ارائه شده برای حل مسئله است. خروجی پژوهش، صدور و اعطای نخستین شناسنامه برای فرزند مادر ایرانی در تابستان ۹۹ بود.

این پروژه توسط پیمان حقیقت‌طلب ارائه شد و با کسب ۱۰۶ امتیاز به مرحله نهایی جایزه راه پیدا کرد.

ترک اعتیاد از مسیر معنویت‌درمانی

«مدل ترک اعتیاد پایدار» از مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مدل دینی ترک اعتیاد را شرح می‌دهد. این مدل بر تقویت اراده، معنویت‌گرایی و خداآوری جهت سوق افراد به ترک هر نوع اعتیادی، مبتنی است و برای هر محور، اصولی تدارک دیده است که با جذب فرد معتاد به مراکز ترک اعتیاد می‌توان وی را در معرض آموزش و نجات قرار داد.



مدل دینی ترک اعتیاد، مبتنی بر تمرکز بر اراده، تقویت و کنترل نفس است و از طریق راهکارهای دینی در رابطه با جهاد با نفس، به فرد معتاد کمک می‌کند که بر ضعف اراده خود غلبه کند و بر این اراده استمرار ورزد.

حجت‌الاسلام محمدحسن وکیلی ارائه‌دهنده این پژوهش بود که ۶۵ امتیاز از پنل «چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی» کسب کرد.

سیاست‌گذاری امر جنسی؛ فراسوی سرکوب و انکار

مؤسسه رصد مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی سلامت جنسی اسلامی (سجا)، با پروژه «تدوین سیاست‌های امر جنسی و تعیین نقش نهادها و سازمان‌های مرتبط»، سیاست سرکوب، انکار و انفعال در حوزه امر جنسی را تشریح می‌کند و تعریف نشدن آن را به عنوان مسئله در نظام حکمرانی، چالش‌آینابی این معضل معرفی می‌کند.

این پژوهش با بررسی بیمه بیکاری در کشورهای منتخب در مواجهه با کرونا، حمایت‌های زیر را در این کشورها مرور کرده است:

- افزایش مقدار مقرری و افزایش کفایت.
- تسهیل شرایط و الزامات برخورداری از بیمه بیکاری.
- گسترش پوشش به غیر مشمولین.
- افزایش مدت برخورداری برای کسانی که استحقاقشان به پایان رسیده.
- عدم کسر مدت برخورداری از مقرری در شرایط کرونا از استحقاق مقرری فرد.
- تسهیل فرآیند اداری شامل ایجاد بستر غیرحضوری برای درخواست.
- ارائه کمک‌هزینه‌های بیکاری یا مقرری کاهش ساعت کار با منابع بیمه بیکاری.



همچنین اقدامات مفیدی که ایران می‌تواند در خصوص بیکارشدگان انجام دهد در سه گام تشریح شده است:

- ۱) راه‌اندازی سامانه ثبت درخواست بیمه بیکاری.
 - ۲) هوشمندسازی سامانه.
 - ۳) تسهیل شرایط احراز مقرری بیکاری.
- الگوها و مدل‌هایی برای افزایش پوشش حمایتی جمعیت بیکارشدگان نظیر «طراحی صندوق بیمه بیکاری فراگیر پایه» و «ارائه همزمان طرح‌های اختیاری و اجباری حمایت از بیکاران برای پوشش انواع بیکاری» در این مطالعه توصیه شده است.
- این پروژه توسط دکتر نرگس اکبریوروشن ارائه شد و با کسب ۹۰ امتیاز به مرحله نهایی جایزه ملی سیاست‌گذاری راه یافت.

برزخ بی‌هویتی در سرزمین مادری

انجمن دیاران با پروژه «برزخ بی‌هویتی در سرزمین مادری» در پنل «چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی» مرحله دوم جایزه ملی سیاست‌گذاری حضور داشت.





سینما، اکران فیلم‌های خارجی و تولیدات مشترک منطقه‌ای

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با پروژه «اکران فیلم‌های سینمایی خارجی در سینماهای کشور» در مرحله دوم جایزه ملی سیاستگذاری حاضر بود.

داستان از این قرار است که سازمان سینمایی کشور در سال ۹۶ به برخی از سینماهای کشور، اجازه اکران فیلم خارجی داده؛ اما این اقدام منجر به اتفاق ویژه‌ای در این حوزه نشده است. این پژوهش حول این طرح بررسی جامعی انجام داده است.

طبق نظر موافقان، این طرح باعث رونق سالن‌های سینما و تنوع محصولات سینمایی در کشور می‌شود. اما منتقدان معتقدند که اجرای این طرح، تأثیر منفی بر اقتصاد فیلم‌های ایرانی خواهد گذاشت.



یکی از اهداف اکران فیلم خارجی، پاسخ به نیاز مخاطبانی است که به دنبال تنوع در فیلم‌های روی پرده هستند. اما طبق این بررسی، در حال حاضر اجرای طرح اکران فیلم خارجی، نه به معنای باز گذاشتن دست سرمایه‌گذار و رونق صنعت سینما در ایران است و نه به معنای حمایت دولت از سینمای ملی.

این پژوهش با مقدمه‌ای مبنی بر دغدغه کشورها برای ایجاد سینمای جایگزین هالیوود، پیشنهاد راهبردی خود را «تولیدات سینمایی مشترک با کشورهای منطقه» مطرح می‌کند. کلیدواژه برجسته این مطالعه «دیپلماسی سینمایی» است. بنابراین بایستی معضلات و موانعی نظیر «ناکارآمدی در جذب سرمایه‌گذار داخلی» و «سرگردانی در سیاستگذاری محتوایی و اقتصادی» از سر راه آن برداشته شوند.

سیدباقر نبوی و دکتر اسماعیل نوده فراهانی در پنل «فرهنگ و آموزش» به ارائه این پروژه پرداختند و ۵۵ امتیاز از سوی کمیته علمی این پنل دریافت کردند.

این پژوهش در سه جلد به ارائه بسته‌های سیاستی پرداخته است. هر بسته شامل اصول و سیاست‌هایی است که وجوه متعدد امر جنسی را شامل می‌شود؛ از جمله اقتصاد جنسی، بهداشت و سلامت جنسی، کنترل اجتماعی، اقلیت‌های جنسی و غیره.



مرتمزی سعیدی‌زاده، با ارائه این پروژه در پنل «چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، موفق به کسب ۹۳ امتیاز از کمیته علمی پنل و شایسته تقدیر شناخته شد.

زنان خانه‌دار مجازی؛ فرصت تازه سیاستگذاری

اندیشکده راهبردی مهاجر با موضوع مهم و بحث‌برانگیز «کرونا، بازگشت به خانه و برآمدن الگوی نوظهور زنان خانه‌دار مجازی»، تلقی تهدیدمحور سیاستگذار به زن و حضور زن را تصریح می‌کند و پیشنهاد می‌دهد از تغییرات جامعه‌شناختی که به واسطه حضور زنان در اینترنت اتفاق افتاده به مثابه فرصت، بهره‌برداری شود. در این مطالعه، از اینستاگرام به عنوان رسانه زنان نوظهور مجازی یاد و مولفه‌های متعددی برای آن برشمرده می‌شود؛ از جمله انواع نوینی از بازگشت به خانه‌داری یا تربیت فرزند، تغییرات الگوی سنتی خانواده و بازنگری در رابطه زناشویی، تکثر دینی و شخصی شدن دین، احیای صنایع دستی و غیره.

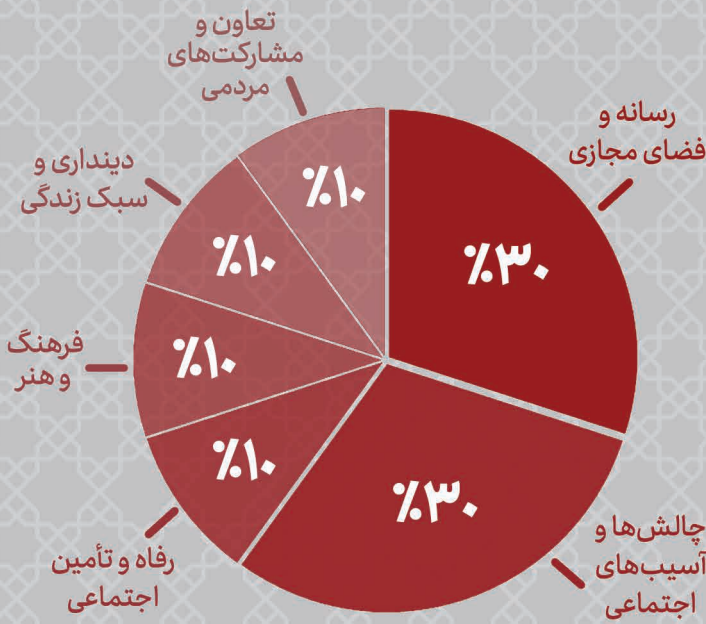


در این پروژه، زنان خانه‌دار مجازی به عنوان فعال‌ترین و مترقی‌ترین نیروهای امروز جامعه ایران معرفی شده‌اند و تغییر حکمرانی زنان در جمهوری اسلامی، منوط به تحول عمیق در الهیات رسمی و تلقی سنتی از زن دانسته شده است.

پیشنهاد راهبردی این پژوهش، بازسازی یک گفتمان فمینیستی پسا-سنتی-پسامدرن بر پایه الهیات رهایی‌بخش انقلاب اسلامی است.

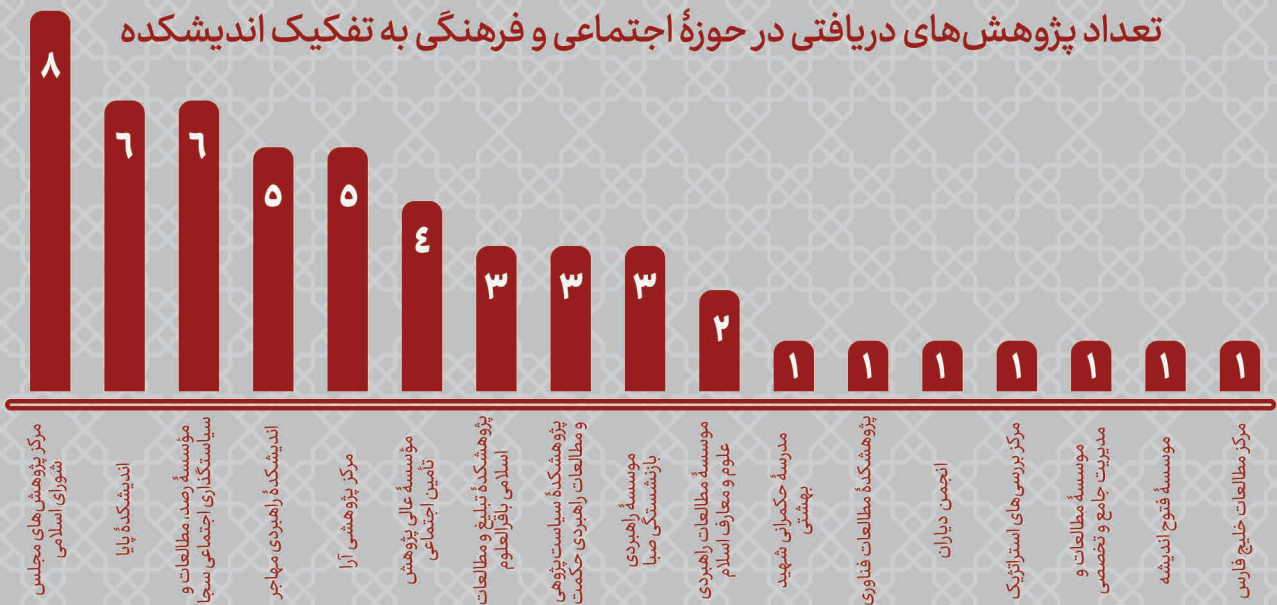
ارائه این پروژه بر عهده دکتر محمدحسین بادامچی بود که با کسب ۷۵ امتیاز، از پنل «فرهنگ و آموزش» به مرحله نهایی جایزه راه پیدا کرد.

بررسی آماری پژوهش‌های فصلنامه



تعداد کل پژوهش‌های دریافت‌شده	تعداد پژوهش‌های چاپ‌شده در مجله
۵۲	۲۰
تعداد کل اندیشکده‌ها	تعداد اندیشکده‌های این مجله
۱۷	۱۳

تعداد پژوهش‌های دریافتی در حوزه اجتماعی و فرهنگی به تفکیک اندیشکده



تعداد پژوهش‌های این مجله به تفکیک اندیشکده



سیاستگذاری در ایران، کلنگی و کوتاه‌مدت است

گفت‌وگو با دکتر محمدحسین بادامچی، مدیر اندیشکده راهبردی مهاجر، پیرامون مسئله زنان و ضرورت چرخش در حکمرانی ایران

پروژه «کرونا؛ بازگشت به خانه و الگوی نوظهور زنان خانه‌دار مجازی» از اندیشکده راهبردی مهاجر، در مرحله دوم جایزه ملی سیاستگذاری از پندل «فرهنگ و آموزش»، به مرحله نهایی راه یافت.

دکتر محمدحسین بادامچی، مدیر اندیشکده راهبردی مهاجر، از روند شکل‌گیری این پروژه و رویکرد زیربنایی اندیشکده مهاجر به مسائل کشور می‌گوید. از نظر آقای بادامچی عدم اتکای توصیه‌های راهبردی بر تحلیل و بررسی لایه‌های زیرین مسائل و پدیده‌های اجتماعی، منجر به شکل‌گیری روال معیوبی از سیاستگذاری در ایران شده است؛ روالی که به تعبیر وی کلنگی و کوتاه‌مدت است و قابلیت حل مسئله حتی در روبنایی‌ترین حالت ممکن را ندارد.



فضای مجازی بودن آن از نظر سیستم حکمرانی ما تهدید محسوب می‌شود.

زنانگی از منظر سیاست‌گذاران معمولاً تحقیر و تخفیف داده می‌شود و فضای مجازی هم که مشخصاً هرگز در دستگاه سیاست‌گذاری ما به رسمیت شناخته نشده است. با این تحقیق می‌خواستیم نشان بدهیم که از منظر زنان، اینستاگرام پدیده دیگری است و البته این دید را بدون کمک همسر فاطمه البرزی که همکار اصلی من در این تحقیق بود، نمی‌توانستم به دست آورم.

این روایت باید عرضه می‌شد تا نشان دهد موضوعی که مطلقاً تهدید محسوب می‌شود، از منظر دیگر می‌تواند فرصت‌های بزرگی درون خود داشته باشد.

●● **پیشنهادات پژوهش شما کلی و در راستای تقویت یک گفتمان فمینیستی بر پایه الهیات رهایی‌بخش انقلاب اسلامی است. گام عملی این توصیه برای سیاستگذاران یا مسئول اجرایی چه می‌تواند باشد؟**

این مقاله، چند لایه است. نخست زنانگی است که موضوعیت دارد.

●● چرا موضوع زنان خانه‌دار مجازی را انتخاب کردید؟ این دغدغه از کجا می‌آید؟

موضوع زنان پیش از این در دستور کار پژوهش‌های اندیشکده ما وجود نداشت اما از خاستگاه‌های دیگری بود که به تدریج برای من اهمیت یافت.

نخستین خاستگاه آن به تدوین گزارش‌های راهبردی اندیشکده مهاجر در دوره کرونا برمی‌گردد که طی آن تمرکز اصلی بر دو بحث تأثیرات کرونا «بر نهاد دین» و بر «ارتباطات اجتماعی و به ویژه فضای مجازی» بود. برآیند برداشتی که از آن گزارش‌ها به لحاظ شخصی داشتم به علاوه تجربه عینی که با آن مواجه بودم، این بود که ما دچار یک نوع تعلیق امر اجتماعی در زمان شیوع کرونا شده‌ایم. یعنی هر جایی که نبض جامعه به معنای فیزیکی آن وجود داشته با طوفان کرونا دچار تعلیق شده است؛ مثل تجمعات دینی، دانشگاه‌ها، رستوران‌ها و تنها حیطه‌ای که حیات جامعه در آن ادامه دارد ترکیبی از خانه و اینترنت است؛ که تقاطع آن را زن خانه‌دار مجازی دیدم.

بنابراین می‌توانم بگویم اولین عامل انتخاب این موضوع، نتیجه آن گزارشات بود که اهمیت یافتن مضاعف زنان در دوره کرونایی را نشان می‌داد.

دومین عامل، پیشنهاد همسر من بود که روی مسئله زنان هم کاری صورت دهیم. بنابراین پیشنهاد ارائه گزارش راهبردی محدودی در این باره را به یکی از نهادهای ذی‌ربط دادم و با استقبال آنها کار را به انجام رساندیم.

ذهنیت جامعه‌شناختی خود من نیز سومین دلیل انتخاب این مسئله بود؛ مبنی بر اینکه زن و خانواده در جامعه ایران مهمتر از آن است که به نظر می‌آید و به لحاظ پژوهشی قصد ورود به این مسئله را داشتیم.

●● از «زن خانه‌دار مجازی» به عنوان فرصت یاد کردید.

درباره این نوع فرصت بیشتر توضیح دهید.

اینستاگرام یک رسانه زنانه است؛ که هر دو بُعد زنانه بودن و



حوزه، با مرور تجربیات جهانی، راهکارهایی را ارائه دهند. شبیه به همین را سال گذشته دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در جمع سپاری برنامه هفتم توسعه مطرح کرده بود. این فرآیند ساده‌انگارانه است. آسیب‌های اجتماعی در ایران، تاریخ و ریشه‌هایی دارد و سال‌ها طول می‌کشد تا نظام مسائل این حوزه در یک اندیشکده انباشت فکری پیدا کند و ادوات نظری درباره ایران اپلای شود و اندیشکده بتواند به تدریج با دستیابی به یک نظریه بومی در این حوزه صاحب نظر شود.

اکنون سیاستگذاری ما کلنگی و کوتاه‌مدت و بنابراین برنامه‌ها هم مقطعی و فصلی است. نظام تحقیقات ما هم به تاسی، دچار این عارضه شده است. البته آقای دکتر همایون کاتوزیان اصطلاح کلنگی را درباره جامعه ما به معنی دیگری به کار می‌برد؛ اما منظور من این است که ساختار حکمرانی ما به نحوی کلنگی است که نمی‌توانیم در آن به تغییرات اساسی و ساختاری فکر کنیم و به همین خاطر به رنگ‌آمیزی و روتوش ظاهری آن بسنده می‌کنیم. ما نخواستیم به این روند تن بدهیم. به همین خاطر خیلی از کارهای اندیشکده به خاطر عدم تمایل یا کارشکنی کارفرما ناتمام می‌ماند و نیروهای کیفی که به سختی به وجود می‌آیند داوطلبانه و با دستمزدهای پایین مجبور به همراهی می‌شوند. مسئله این است که اگر اندیشکده‌ای بخواهد این‌طور کار کند چقدر می‌تواند دوام بیاورد؟!

●● مسئله آخری که بخواهید درباره آن صحبت کنید؟

کمتر سازمان و سیاستگذاری حاضر است برای پژوهش‌هایی که دامنه‌ای بلندتر از چندماه را بررسی می‌کنند، پولی اختصاص دهد. به همین خاطر هر کسی حاضر نمی‌شود درباره مثلاً دین و نظام فقهی و الهیاتی حاکم در سیاستگذاری صحبت کند، در حالیکه هسته سخت و پایه اصلی در بسیاری حوزه‌های حکمرانی، توسعه‌ای، اقتصادی، آموزشی و غیره است.

موضوع زنان هم نیاز به منظر بنیادین دارد. شاید اگر بررسی شود، حضور زنان در خود اندیشکده‌ها کمتر از پنج درصد همکاران اصلی باشد و این خودش نشان می‌دهد که فضای سیاستگذاری و تحقیقات اندیشکده‌ای ما چقدر از برخی موضوعات دور هستند. از سوی دیگر ما در حکمرانی با نسلی مواجهیم که امکان شیفت داخل خودشان ندارند و این حرف‌ها در آنجا به در بسته می‌خورد. معنی چرخش نسلی مد نظر من، جوانگرایی‌ای که از آن بسیار گفته می‌شود، نیست. چراکه این جوانان هم ادامه نسل قبلی هستند و تنها نقش دفاع از پارادایم قدیمی به آنها واگذار شده است و به همین دلیل جوان‌گرایی که قرار بود ما را نجات دهد، به نحو اسفباری خودش به مانعی تازه در جهت مسدود شدن مسیر تحول تبدیل می‌شود.

این عارضه بر اندیشکده‌ها نیز مترتب است و باید خیلی جدی بررسی کنیم که چرا اندیشکده‌ها هم نتوانسته‌اند به نهادهای مفیدی جهت پایه‌ریزی عقلانیت نسل جدید تبدیل شوند و تداوم ضعیفی از نسل قبل حکمرانی شده‌اند؟!

زنانگی‌ای که دیگر معنای سنتی ندارد و معنای آن سیاسی است. در لایه دیگر می‌شود تقاطع این موضوع را با فضای مجازی و اینستاگرام و سپس در ارتباط با کرونا دنبال کرد. تقریباً هیچ‌کدام از این لایه‌ها مورد نظر سیاستگذار ما نیست و نه تنها نسبت به آن‌ها بی‌اعتناست، که حتی ضدش عمل می‌کند.

برای ما به عنوان یک اندیشکده محرز است که رویکردمان راهبردی است. من به گفتمان فمینیستی رهایی‌بخشی کاملاً متناسب با افق انقلاب اسلامی معتقدم. هرچند بیشتر به صورت شخصی آن را دنبال می‌کنم، چون قالب کار اندیشکده‌ای ظرفیت محدودی دارد.

●● در ادامه صحبت شما و از همین منظر، اتفاقاً تعریف گام‌های عملیاتی توسط شما که کار را انجام داده‌اید، ضروری‌تر می‌شود؛ چرا که احتمالاً تلقی تصمیم‌گیر یا تصمیم‌ساز از فرصت‌انگاری این فضا، استفاده ابزاری در راستای اهداف قدیمی باشد.

بحثی که شما مطرح می‌کنید، درست است اما مربوط به این نمی‌شود که ما گام‌های عملیاتی‌تری مطرح کنیم؛ بلکه به این برمی‌گردد که گام‌های خیلی اساسی‌تری در جهت تحولات جدی مورد نیاز است.

این بحث‌ها در حالی از نظر ما جدی است که سیاستگذار و سیاست‌پژوه عادت دارد مسئله را در لایه‌های سطحی‌تری ببیند و بدتر اینکه در لایه‌های سطحی‌تری «مسئله‌شناسی» کند. ولی ما مصریم که در بنیادها چهار مسئله‌ایم.

در جوامع برخوردار از ساختارهای پایدار و بهینه‌شده، شاید بشود عملیات را در روبنا مدیریت کرد. اما ما درباره ایرانی صحبت می‌کنیم که زیرساخت‌ها دچار مشکل هستند و با پیشنهادات ساده و سبک و سطحی نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید.

اتفاقاً از این منظر ما فکر می‌کنیم کار ما به شدت عملیاتی است و در این باره، به یک روش‌شناسی در تنظیم گزارشات راهبردی رسیده‌ایم. در هر موضوع با بررسی ساختارها و ریشه‌های معادلات و قدرت و ریشه‌های تاریخی، به فهم واقعه نزدیک می‌شویم و تغییری متناسب با نیروهای درون صحنه و مشکلات آنها پیشنهاد می‌دهیم.

●● محور فعالیت‌های اندیشکده راهبردی مهاجر، حول مباحث جامعه‌شناختی-فلسفی تعریف می‌شود. درباره ضرورت این نگاه صحبت کنید و اینکه اثرش قرار است کجاها دیده شود؟ در واقع مخاطب اصلی اندیشکده مهاجر، کدام لایه از حاکمیت است؟

ما با مشکل مخاطب مواجه هستیم. نه به این معنی که حرف ما مخاطب ندارد، بلکه مخاطب ما در دستگاه حاکمیتی در فضای دیگری به سر می‌برد. مثلاً مرکز پژوهش‌های مجلس اخیراً درباره تدوین سیاست‌های کلی در حوزه آسیب‌های اجتماعی، یک فرصت سه ماهه به اندیشکده‌ها داده است که ضمن ارائه فهرست این

کرونا، بازگشت به خانه و برآمدن الگوی نوظهور زنان

خانه‌دار مجازی



محمدحسین بادامچی



اندیشکده راهبردی مهاجر

رسانه و فضای مجازی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی
پروژه حول مسئله مهمی است و زاویه دید بحث بسیار خوب انتخاب شده و موردکاوی خوبی انجام شده است. در مقام پیشنهاد، صرفاً یک ضرورت تغییر را بیان می‌کند.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

کرونا در دو موج پیاپی، دو نهاد اجتماعی سنتی و مدرن را در ایران به تعلیق درآورد. هیئت‌ها، مساجد و مناسک دینی بسیار زود و خیابان‌ها، رستوران‌ها، پارک‌ها، سینماها و کافه‌ها به تدریج بسته شدند. هم دید و بازدید عید لغو شد، هم زیارت و احیای شب‌های قدر و هم پرسه‌زنی در خیابان. در مقابل این دو موج، دو نهاد دیگر تقویت شدند و بار تداوم امور اجتماعی و فرهنگی و حتی آموزشی را به دوش کشیدند: فضای مجازی و خانه.

بسیار مهم است که دریابیم، مراجعت کنونی ما به خانه، مراجعت انسان مدرن خیابانی «فراری از خانه» به خانه پس از نوسازی است و مفهوم خانه در حال بازسازی دوباره در این موقعیت جدید است. در همین راستا این پژوهش، که در اوایل شروع همه‌گیری کرونا انجام شده است، به موضوع کرونا و فضای مجازی اختصاص دارد و به تفصیل به اهمیت حیات مجازی، به عنوان مهمترین مجرای تداوم حیات فرهنگی و اجتماعی ایرانی در شرایط کرونایی و مختصات جدید آن پرداخته است.

●● اینستاگرام، رسانه زنان نوظهور مجازی

بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر وضعیت اجتماعی زنان بحثی بسیار نو در محافل مطالعات اجتماعی فناوری است. در این پژوهش مهمترین مسائل رخ داده در اینستاگرام در میان زنان، در سه ماهه اخیر کرونایی در هفت محور اصلی بررسی شده است. این بررسی نشان می‌دهد مفاهیم «خانه فعال» و «فاعلیت زنانه و نو» در فضای اینستاگرام زنان ایرانی در شرایط «بازگشت به خانه کرونایی» رخ داده است و جامعه با نوعی زن متکامل نوظهور مجازی روبه‌رو است که در چارچوب‌های زن سنتی مدرن نمی‌گنجد.

● پویش پخت نان خانگی (اعاده حیثیت از خانه‌داری)

از اوایل اسفندماه با آغاز شیوع کرونا و شبه‌قرنطینه در کشور، تهیه نان به یک مسئله تبدیل شد. به ویژه بعد از اینکه اعلام شد تا جایی که ممکن است از بیرون منزل مواد غذایی تهیه نشود. از اینجا بود که مبحث نان و اینکه چه کنیم در میان کاربران زن اینستاگرام خیلی جدی شد. به خصوص پس از آنکه با تعطیلی نسبی محیط‌های کار و خانه‌نشینی گسترده، تفاوت میان زنان خانه‌دار و زنان شاغل نیز از میان رفته بود.

● پویش بازی و آموزش کودکان (اعاده حیثیت از خانه به عنوان کانون اصلی تربیت)

در ایام کرونا با بسته شدن مهدکودک‌ها، پیش‌دبستانی‌ها، مدارس و



امروزه سه مفهوم خانه، زن و فضای مجازی به هم گره خورده‌اند و زیستی نوین ساخته‌اند که محوریت آن انسانی مجازی با ویژگی‌های زنانه است و از طریق شبکه‌های اجتماعی و به ویژه اینستاگرام در حال ساختن خود و تغییر در جامعه، فرهنگ و سیاست ایرانی است.

جامعه ایرانی که به ویژه در سه دهه اخیر با سرعتی بسیار زیاد از خانه به خیابان کوچ کرده بود، اینک با چرخشی بسیار سریع به خانه بازمی‌گردد. با وجود این، بسیار اشتباه است اگر این خانه پسامدرن را همان خانه سنتی بدانیم؛ چراکه خانه تغییر کرده و در مرکز آن زن ایرانی است که کاملاً تغییر کرده است.



فضای مجازی و روابط اینستاگرامی منطبق ساخته و به حیات اجتماعی زنان جلوه‌های متفاوت از پراکندگی نهادهای رسمی عمدتاً مردانه داده است.

● اقتصاد زنانه، احیای صنایع دستی زنان

به طور کلی شبکه اجتماعی زنانه اینستاگرام و شرایط کروناپی به طور خاص نقش بسزایی در احیای صنایع دستی زنانه به عنوان یک بخش اقتصادی داشته است. زنان هنر‌ساز و هنرمند اینستاگرامی در روزهای کروناپی با رونق گرفتن معاملات مجازی، تا جای ممکن دست مردان واسطه‌گر و دلال، که عمدتاً با دستکاری در بازار، منافع تولیدکننده و مصرف‌کننده را به سود خود زیر پا می‌گذارند، کنار زدند و خود به گونه‌ای تولید به مصرف، مستقیماً با مشتریان نشان ارتباط گرفتند و ترکیبی از اینستاگرام و سیستم توزیع پست را به شبکه‌ای از کارگاه‌ها و مغازه‌های آنلاین خود تبدیل کردند.

●● پیشنهادات راهبردی جهت مدیریت بهتر حکمرانی زنان در جمهوری اسلامی ایران

پیشنهادات راهبردی این پژوهش، اولاً بازسازی یک گفتمان فمینیستی پسا‌سنتی-پسامدرن بر پایه الهیات رهایی‌بخش انقلاب اسلامی است که در زمانه حاضر برخلاف الهیات متصلب حوزوی می‌تواند توفیقات درخشانی به دست آورد.

ثانیاً تغییر نگاه سنتی به زنان و تغییر در مسیر تلاش‌هایی است که نه تنها به ساماندهی نسل جدید زنان خانه‌دار مجازی نمی‌انديشند، بلکه به عکس بر پارادایم‌های متمرکز و بوروکراتیک و ایستای گذشته اصرار دارد و متأسفانه اهدافی چون فیلترینگ اینستاگرام را در ذهن می‌پروراند. در اینجا ما به مردان و زنانی نیاز داریم که با گفتمانی نو و سازماندهی غیرمتمرکز در فضای مجازی و گذر از پارادایم سنتی موجود بتوانند نیروهای نوظهور آینده را در مسیر اهداف پیشرفت و توسعه کشور و کاملاً همسو با گفتمان انقلاب اسلامی مدیریت و ساماندهی کنند.

جمع‌بندی

این پژوهش بر این باور است جامعه زنان نوظهور ایرانی از فعال‌ترین و مترقی‌ترین نیروهای امروز ایران است. از یک سو، شرایط قرنطینه‌ای بحران کرونا و از سوی دیگر بحران اقتصادی فراگیر که به تضعیف موقعیت مردان انجامیده است، تکانه‌ای در جهت افزایش ضریب اهمیت جامعه زنان نوظهور مجازی محسوب می‌شود. لذا حکمرانی زنان در نظام جمهوری اسلامی نیازمند تجدیدنظری جدی در جهت تحولات در حال وقوع است. تحلیل ویژگی‌های زنان نوظهور مجازی و روند بازگشت به خانه نشان می‌دهد که نسل جدید با گذر از شالوده‌های فمینیستی مدرن از موقعیت بسیار بهتری برای بازسازی خانه و خانواده زوال یافته ایرانی برخوردار است. تغییر الگوی حکمرانی زنان در جمهوری اسلامی مستلزم تحولی هم در الهیات رسمی و تلقی سنتی از زنان و هم در الگوی سازماندهی زنان است.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده راهبردی مهاجر با همکاری محمدحسین بادامچی و فاطمه البرزی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

خانه‌نشینی کودکان، خانه به مقام مرکزیت تربیتی ارتقا یافت. قبل از کرونا برخلاف تصور برخی مبنی بر اینکه کار بچه‌داری طاقت‌فرسا و پرزحمت است، جریانی از مادران اینستاگرامی وجود داشت که بچه‌داری و بازی با کودک را به عنوان فعالیتی هنرمندانه، افتخارآمیز، ظریف و پرشور بازنمایی می‌کردند و این روند در دوران کرونا تشدید شد. پویش ساخت «خمیر بازی خانگی» یکی از مواردی بود که بعنوان فعالیت مشترک و سرگرم‌کننده‌ای میان کودک و مادر بوجود آمد و سنت فراموش شده ساخت اسباب‌بازی خانگی را که بیشتر به دوران سختی ملت ایران در دهه شصت برمی‌گشت، احیا کرد، با این تفاوت که این بار ساخت اسباب‌بازی خانگی نه فعالیتی از سر فقر و نداری و مربوط به طبقات فرودست بلکه فعالیتی پرشور و افتخارآمیز مربوط به فعالان نوظهور فضای مجازی محسوب می‌شود.

ساختار آموزش مجازی به گونه‌ای است که به طور خودبه‌خود نسبت خانه و مدرسه را معکوس می‌کند و مدرسه را در خدمت خانه قرار می‌دهد. در اینجا بود که شبکه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام و یوتیوب به کمک مادران نوظهور مجازی آمدند تا شکلی تازه، نوآورانه و ارزشمند از بازی و آموزش کودکان در خانه خلق کنند.

● بازنگری در رابطه زناشویی (ناکارآمدی الگوی سنتی خانواده)

در دوران قرنطینه کار مادران و بانوان خانه‌دار یا بانوان شاغلی که به اجبار خانه‌نشین شده‌اند، دوچندان و بلکه چندبرابر شده است و همین بار زحمات اضافی اولین علتی است که تعادل تقسیم کار و نقش‌های جنسیتی سابق در نهاد خانواده را به هم می‌زند و با افزوده شدن بر ناکارآمدی‌ها و گسل‌های پیشین، مناقشه تا حدودی تا عمق سازمان سنتی خانواده پیش می‌رود و در صورت عدم بازنگری روابط زن و شوهر و از نو نوشتن تقسیم وظایف و حقوق و نقش‌ها در شرایط کروناپی می‌تواند به طور مضاعفی به نزاع و درگیری میان زوجین ختم شود.

● زنان و تکثر دینی (به رسمیت شناختن انواع دینداری‌ها)

رمضان خانگی و کروناپی این فرصت را بیش از پیش در اختیار زنان گذاشت تا درباره عقاید دینی به گفتگو بپردازند. نگاهی به کلیت این نظرات نشان می‌دهد که دینداری ستیزنده و سکولاریسم ستیزنده هر دو به یک میزان در حال زوال در جامعه نوظهور زنان مجازی هستند و نوعی مدارای دینی در عین مراقبت از ارزش‌های مشترک جمعی به جای آن در حال تقویت است.

● زنان و غرب؛ فراسوی شیفتگی و انزجار

علی‌رغم موج فرهنگی سنگین ابتدای کرونا که شوکی بزرگ به جامعه ایرانی وارد کرد، در مجموع به نظر می‌رسد آنچه رخ داد، تأثیر بسزایی در واقع‌بینی زنان ایرانی در غرب‌شناسی و به دست آوردن اعتماد به نفس فرهنگی داشته است؛ چراکه برای اولین بار وضعیت بحرانی مختص ایران نبود و در یک مقایسه کلی تفاوت چندانی میان وضعیت ایران و سایر کشورها به نظر نمی‌رسید.

● خیریه‌های زنانه، ظهور الگوهای اینستاگرامی

جامعه زنان به لحاظ خیریه‌ای و اقدامات جهادی نیز در ایام کروناپی خودکفا، پویا و فعال بوده است و جالب آنکه مدل‌های کاری خود را بر

پیامدهای انتشار شایعات در شبکه‌های اجتماعی

در بحران کرونا



ابوطالب صفدري شريپاني



مرکز پژوهشی آرا

رسانه و فضای مجازی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی

انسجام نگارشی و بیان مسئله در این پژوهش خوب بود. داده‌ها به درستی مورد تحلیل قرار گرفته بودند. همچنین پیشنهاد ارائه شده قابل قبول بود اما اگر به علت ایجاد مسئله بیشتر پرداخته می‌شد، پیشنهادهای دقیق‌تری هم ارائه می‌شد.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

بیش از نیمی از مردم جهان، اطلاعاتشان را از اینترنت کسب می‌کنند؛ اما اینکه چند درصد از این اطلاعات قابل اعتماد است سؤال بزرگی است که به راحتی نمی‌توان به آن پاسخ داد. آلودگی اطلاعاتی می‌تواند در شکل‌های مختلف اعم از تصویر، ویدئو، صوت و متن وجود داشته باشد. یکی از تفاوت‌های بنیادین همه‌گیری کرونا با همه‌گیری‌های قبلی، حضور و گسترش شبکه‌های اجتماعی در سراسر دنیا است. در گذشته اصلی‌ترین مشکل در بحران‌های فراگیر، کمبود اطلاعات بود اما امروزه مسئله اصلی حجم عظیم اطلاعاتی است که درستی یا نادرستی آنها مشخص نیست. بنابراین ضروری است به بررسی نحوه انتشار شایعات پرداخت و اقداماتی به منظور رفع آلودگی اطلاعاتی در ایران ارائه داد.

●● نحوه مواجهه سایر کشورها با آلودگی اطلاعاتی در بحران کرونا

در ادامه به چند مورد از مواردی که انتشار شایعات در شبکه‌های اجتماعی باعث ایجاد مشکلاتی در جوامع مختلف شده است، پرداخته می‌شود.

● اوکراین

شایعات کرونایی، باعث آشوب در شهر کوچک «تاوی سانجاری» در اوکراین شدند. داستان از این قرار است که در تاریخ ۱۸ فوریه ۲۰۲۰ (۲۹ بهمن ۱۳۹۸) یک هواپیما با ۴۵ مسافر اوکراینی و ۲۷ مسافر خارجی از ووهان چین وارد اوکراین می‌شوند. دولت اعلام می‌کند که همه این مسافران را مورد آزمایش قرار داده و هیچ مورد مشکوک به بیماری را مشاهده نکرده است. اما برای احتیاط بیشتر آنها را در یک آسایشگاه به مدت ۱۴ روز قرنطینه می‌کند اما به زودی شایعات و اخبار غلط در شبکه‌های اجتماعی در مورد دروغ‌گویی حکومت منتشر می‌شود.

در همین هنگام، منبعی ناشناس با استفاده از پایگاه داده وزارت بهداشت اوکراین، ایمیل‌های هشدارآمیز در مورد آلوده بودن مسافران هواپیما به اهالی سانجاری ارسال می‌کند. ارسال این ایمیل‌ها ترس و وحشت و متعاقباً مقاومت مردم را چند برابر می‌کند. بحران آنقدر جدی می‌شود که نخست وزیر، وزیر بهداشت و وزیر داخله اوکراین در شهر ناوی ساجاری حضور پیدا می‌کنند. همه این واکنش‌ها منجر به درگیری با نیروهای امنیتی می‌شود، درگیری‌هایی که خود، منبع جدید تولید شایعه و اخبار جعلی می‌شود. پس از آن دولت، شروع به همکاری نزدیک با فیسبوک می‌کند تا بتواند جلوی انتشار اطلاعات غلط، اخبار جعلی و گمراه‌سازی را بگیرد.



یکی از تفاوت‌های دوران همه‌گیری ویروس کرونا با شیوع بیماری‌ها در قدیم، حضور و گسترش شبکه‌های اجتماعی است. امروزه مسئله اصلی در بحران‌های فراگیر، حجم عظیم اطلاعاتی است که درستی و نادرستی آن‌ها مشخص نیست. اکوسیستم آلودگی اطلاعاتی بحران کرونا در ایران ماهیتی چند وجهی دارد و بسیار پیچیده است.

طبق گفته مدیرکل سازمان بهداشت جهانی، ما در حال حاضر علاوه بر شیوع کرونا با شیوع اطلاعات غلط نیز مواجهیم؛ اخبار جعلی خیلی سریع‌تر و راحت‌تر از این ویروس منتشر می‌شوند و به همان اندازه خطرناک هستند و اگر اقدامی نکنیم به مسیری سقوط خواهیم کرد که به تفرقه و ناهماهنگی ختم می‌شود.



انگلستان

در انگلستان، ذیل وزارت دیجیتال، فرهنگ، رسانه و ورزش این کشور، گروهی تحت عنوان گروه ضد گمراه‌سازی وجود دارد که اساساً نقش آنها شناسایی به موقع اطلاعات و اخبار جعلی و گمراه‌کننده و پاسخ مقتضی به آن است. اخیراً این گروه به طور رسمی با متخصصانی از چین، روسیه و شرکت‌های رسانه‌ای بزرگ وارد همکاری تنگاتنگی شده‌است تا با انتشار اطلاعات غلط و جعلی در مورد ویروس کرونا مبارزه کند. همچنین آبرشرکت‌های حاکم بر شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک، توئیتر و یوتیوب تدابیر بسیاری برای کنترل انتشار اطلاعات غلط اندیشیده‌اند. از جمله اینکه بسیاری از شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جست‌وجو، سازمان بهداشت جهانی را در صدر نتایج موتورهای جست‌وجوی خود قرار داده‌اند.

هندوستان

فیسبوک اقدام به راه‌اندازی یک بات راهنما در واتس‌آپ کرد که آخرین اطلاعات در مورد ویروس کرونا را در اختیار کاربران قرار می‌دهد. این بات راهنما با همکاری وزارت بهداشت هند و پلتفرم MyGov راه‌اندازی شده است و از زبان‌های هندو و انگلیسی پشتیبانی می‌کند.

اقدامات پیشنهادی به منظور رفع آلودگی اطلاعاتی در ایران

در ادامه راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت به منظور رفع آلودگی اطلاعاتی در ایران ارائه می‌شود.

راهبردهای کوتاه‌مدت

راهبردهای کوتاه‌مدت راهبردهایی هستند که هم‌اکنون می‌توان آن‌ها را در پیش گرفت و می‌توانند اثرگذاری سریعی داشته باشند.

- طبق نظر محققان حوزه رسانه، اصلی‌ترین عاملی که رسانه‌های رسمی نمی‌توانند مخاطبان خود را قانع کنند، عدم اعتماد مخاطبان به این رسانه‌ها است؛ این عدم اعتماد ناشی از اخبار کذبی است که از رسانه‌ها پخش شده است. لذا پیشنهاد می‌شود تا صدا و سیما و سایر نهادهای رسمی خبررسانی، از انتشار خبرهای کذب و اغراق‌های بی‌جا در مورد دستاوردهای داخلی و شکست‌های خارجی بپرهیزند؛ این اخبار جز بی‌اعتمادی مخاطب ایرانی به منابع رسمی دستاورد دیگری ندارد.
- نهادها و سازمان‌های مختلف حاکمیتی از جمله صدا و سیما، وزارت بهداشت، پایگاه‌های خبررسانی رسمی و سایر نهادها و سازمان‌هایی که به نوعی با خبررسانی در مورد کرونا سروکار دارند، باید کاملاً هماهنگ و یکپارچه عمل کرده و اخباری یکسان را منتشر کنند.
- یکی دیگر از منابع مهم بی‌اعتمادی مخاطبان به رسانه‌های رسمی، مشاهده تناقض در عمل و گفتار مسئولان است؛ از جمله می‌توان به حضور کیانوش جهانپور، سخنگوی وزارت بهداشت و درمان در مراسم خاکسپاری یکی از بستگانش در ایام شیوع کرونا اشاره کرد که انعکاس زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت. بنابراین برای به دست آوردن اعتماد مردم، مسئولین امر باید از رفتارهای تناقض‌آمیز با کلام‌شان کاملاً پرهیز کنند.

- با توجه به اوضاع بحرانی در همه جهان، به نظر می‌رسد ایران بتواند با آبرشرکت‌هایی مثل فیسبوک که کنترل شبکه‌های اجتماعی عمده‌ای مثل اینستاگرام و یوتیوب را در اختیار دارد، وارد همکاری و تعامل بشود.

راهبردهای بلندمدت

راهبردهایی که در ادامه ذکر می‌شوند، اثرگذاری طولانی‌مدت‌تری دارند و حاکمیت رسانه‌ای جمهوری اسلامی را برای مواجهات آینده نیز آماده می‌کند.

- مدیران رسانه‌ای جمهوری اسلامی باید بپذیرند که شبکه‌های اجتماعی بخش مهمی از اکوسیستم اطلاعاتی و رسانه‌ای روزگار کنونی هستند؛ فهم دقیق این اکوسیستم نوظهور، مستلزم تغییر نگاه مدیران از ابزارگرایی به نهادگرایی است.

- از آن جایی که تعادل اکوسیستم اطلاعاتی در حال تغییر به نفع شبکه‌های اجتماعی است، باید پذیرفت که فیلترینگ سلبی راه‌حل مناسبی برای کنترل این اکوسیستم نیست و به جای آن می‌توان از فیلترینگ اجبابی استفاده کرد که اغلب شرکت‌های بزرگ از آن استفاده می‌کنند.

- در حال حاضر پلتفرم‌های بسیاری در بسترهای مختلف در جهان و به زبان‌های مختلف وجود دارد که هدف اصلی‌شان بررسی صحت دعاوی است. بنابراین با راه‌اندازی وب‌سایت‌ها و پلتفرم‌های راستی‌آزمایی می‌توان به این مهم دست یافت.

- امروزه تلاش‌ها و تحقیقات بسیاری در حال انجام است تا با استفاده از تکنیک‌های یادگیری ماشین و یادگیری عمیق بتوان ماشین‌هایی را برای شناسایی اخبار جعلی توسعه داد. بنابراین استفاده از ظرفیت هوش مصنوعی در شناسایی اخبار و اطلاعات جعلی می‌تواند نقش بسزایی در شناسایی شایعات داشته باشد.

جمع‌بندی

تقریباً نصف مردم جهان، اطلاعات‌شان را از اینترنت کسب می‌کنند؛ اما اعتمادپذیری این داده‌ها آنقدری نیست که بتوان به طور کامل به آن‌ها اعتماد کرد. یکی از تفاوت‌های همه‌گیری کرونا با همه‌گیری‌های قبل، حضور و گسترش شبکه‌های اجتماعی در سراسر دنیا است. ایران نیز از این اتفاق مستثنی نیست و شایعات گوناگون در این دوره در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. در این پژوهش برای رفع آلودگی اطلاعاتی در ایران اقداماتی پیشنهاد شده است. این پیشنهادات در دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تدوین شده‌اند.

یکی از این پیشنهادات کوتاه‌مدت این است که باید صدا و سیما و سایر نهادهای رسمی خبررسانی از انتشار خبرهای کذب و اغراق‌های بی‌جا در مورد دستاوردهای داخلی و شکست‌های خارجی بپرهیزند. همچنین این نهادها باید کاملاً هماهنگ عمل کرده و اخباری یکسان را منتشر کنند و مسئولین نیز از رفتارهای متناقض با گفتار خود پرهیز کنند.

از جمله پیشنهادات بلندمدت نیز این است که از آن جایی که تعادل اکوسیستم اطلاعاتی در حال تغییر به نفع شبکه‌های اجتماعی است، باید پذیرفت که فیلترینگ سلبی راه‌حل مناسبی برای کنترل این اکوسیستم نیست و به جای آن می‌توان از فیلترینگ اجبابی استفاده کرد که اغلب شرکت‌های بزرگ از آن استفاده می‌کنند.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهشی آرا توسط ابوطالب صفدری شریبانی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

پیامدهای مواجهه نوجوانان با محتوای جنسی نامتعارف در اینترنت



فریده خلج آبادی فراهانی
موسسه مطالعات و مدیریت
جامع و تخصصی جمعیت کشور



رسانه و فضای مجازی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی

در این پژوهش از تکنیک مصاحبه با نوجوانان در مدارس در شرایطی به دور از حضور والدین و در فضایی دوستانه استفاده شده که امری بسیار ارزشمند است.

ضرورت و اهداف پژوهش

یکی از عواملی که می‌تواند در افزایش رفتارهای جنسی قبل از ازدواج دخیل باشد، توسعه دسترسی به رسانه‌های جهانی و انتقال ارزش‌های جنسی آزاد از طریق آن به گروه‌های مختلف نوجوانان و جوانان است. دوره جوانی از نظر رشد و تربیت اهمیت بسیاری دارد و رسانه‌ها به‌خصوص با محتوای جنسی و غیراخلاقی خود می‌توانند بر نگرش و هنجارهای جنسی جوانان تأثیر بگذارند که این موضوع یک نگرانی مهم برای سلامت عمومی و سلامت جنسی محسوب می‌شود.

این پژوهش با هدف واکاوی و کشف نقش مواجهه با محتوای جنسی نامتعارف در اینترنت و فضای مجازی و تأثیر آن بر هنجارها و نگرش‌ها و رفتارهای جنسی نوجوانان شهر تهران اجرا شده است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با رویکردی کیفی، ۱۹ بحث گروهی بین ۱۱۳ جوان ۱۶ تا ۱۸ ساله، ۲۹ مصاحبه عمیق با پسران و ۲۵ مصاحبه عمیق با دختران، در سال ۱۳۹۵ در شهر تهران انجام شده است.

ابزار مطالعه کیفی، استفاده از محقق کیفی خوب است که در این مطالعه از مصاحبه‌گران آموزش‌دیده زن و مرد برای دانش‌آموزان دختر و پسر استفاده شد. در این پژوهش حین مصاحبه با دانش‌آموزان، به راهکارهای پیشنهادی آنان نیز در مورد مسائل مطرح‌شده توجه شده و سعی شده است راهکارهای نهایی مبتنی بر نظرات و پیشنهادات آنان باشد.

برخی از مهمترین یافته‌های پژوهش از مصاحبه با دانش‌آموزان

یکی از یافته‌های مهم این پژوهش احتیاط مدیران مدارس غیرانتفاعی در انجام چنین پژوهش‌هایی است. یکی از مهمترین دلایل آن ترس از عدم اعتماد والدین به این مدارس، کاهش ورودی‌ها در سال تحصیلی آینده و کاهش سود آنها است. اگرچه در مدارس دولتی هم آگاهی نسبتاً زیادی در این مورد به دانش‌آموزان داده نمی‌شود، ولی برخی دبیران مثل دبیر دینی یا دبیر جامعه‌شناسی و دبیر زیست‌شناسی یا مشاور مدرسه تا حدودی این موضوع را بنا به شرایط مطرح می‌کنند. میزان استقبال نوجوانان برای صحبت کردن در مورد این موضوع بسیار بالا و قابل توجه بود. این نتایج جالب است چرا که تا حدودی می‌تواند متأثر از مواجهه با محتوای جنسی در اینترنت و فضای مجازی باشد.



محتوای جنسی در فضای مجازی و اینترنت، تهییج جنسی نوجوانان را بالا می‌برد آن هم در شرایطی که زمینه‌های ازدواج برای آنها فراهم نیست. این موضوع می‌تواند باعث افزایش ارتباطات جنسی در بین نوجوانان و جوانان قبل از ازدواج شود. در واقع، مواجهه با محتوای جنسی در اینترنت و فضای مجازی، فعالیت جنسی را از سطح فرد به سطح اجتماع آورده و نوعی تحریک جنسی اجتماعی پدید می‌آورد. مواجهه با مسائل جنسی در فضای مجازی، نگرش و هنجارهای جنسی نوجوانان را تغییر می‌دهد و از آنجایی که نوجوانان کمتر به پیامدهای رفتاری خود در این دوره توجه می‌کنند، این موضوع می‌تواند موجب آسیب‌پذیری اجتماعی و بهداشتی به‌خصوص در دختران جوان شود.

برای ارائه مشاوره محرمانه به دانش‌آموز داشته باشد. یکی از نوآوری‌های دیگر می‌تواند استفاده از گروه‌های مجازی در بین دانش‌آموزان برای اطلاع‌رسانی در مورد آسیب‌های فضای مجازی، باشد. از آنجایی که افراد در فضای مجازی راحت‌تر می‌توانند صحبت کنند و سوالات و دغدغه‌های خود را مطرح کنند، این خود روش مناسب آموزشی خواهد بود. آموزش‌ها نباید مقطعی باشد بلکه باید به صورت مستمر در مقاطع مختلف تحصیلی ادامه داشته باشد. از نظر تعداد اندکی از نوجوانان، تقویت اعتقادات مذهبی توسط مدرسه لازم است. این نشان می‌دهد که مدارس در این زمینه موفق عمل نکرده‌اند و آموزش‌هایی که در حوزه اعتقادی می‌دهند، تأثیر کمتری دارد و شاید تأثیر آموزش‌های مذهبی خانواده بیشتر از مدرسه بوده است.

● راهکار در سطح جامعه

نقش رسانه در فرهنگ‌سازی بسیار بالا است و از این طریق می‌توان با مستندهای واقعی، خانواده‌ها و جوانان را از آسیب‌های احتمالی فضای مجازی آگاه ساخت. به علت دسترسی برخی به ماهواره و عدم دسترسی به تلویزیون ملی، پوشش این مسائل از انواع رسانه پیشنهاد می‌شود. برخی راهکارهای سلبی در جامعه مانند محدود کردن با فیلترینگ سایت‌ها نیز توسط تعدادی از نوجوانان مطرح شد. توسعه اوقات فراغت سالم برای نوجوانان و پرکردن وقت‌های خالی یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی بود. همچنین مبارزه با افرادی که این سایت‌ها را در داخل می‌سازند از دیگر موضوعات پیشنهادی به شمار می‌آید.

● راهکار سطح خانواده

مهمترین راهکارها در سطح خانواده، کنترل و نظارت متعادل توسط والدین، صحبت کردن والدین با نوجوانان، ارتباط صمیمی پدر با فرزند و نظارت بر نوع دوستان است.

جمع‌بندی

اینترنت و فضای مجازی علی‌رغم اینکه تحولات مثبتی در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها ایجاد کرده است، ولی دسترسی وسیع نسل جوان و نوجوان به اینترنت از سنین پایین و عدم نظارت بر محتوای خارج عرف جنسی در اینترنت موجب آسیب‌پذیری این گروه از جامعه می‌شود. بنابراین ضروری است به بررسی نحوه مواجهه با چنین پدیده‌ای پرداخت.

در این پژوهش، به کمک مصاحبه با دانش‌آموزان در مناطق مختلفی از شهر تهران، اطلاعات مهم و قابل توجهی در خصوص نحوه برخورد و کنش آنان با موضوعات جنسی در فضای مجازی و اینترنت به دست آمده است. پس از بررسی از جنبه‌های مختلف، راهکارهایی در سه سطح مدرسه، جامعه و خانواده جهت مواجهه با آثار نامطلوب این پدیده ارائه شده است.

درباره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور توسط فریده خلج‌آبادی فراهانی در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

این تحقیق نشان داد که اینترنت از سنین راهنمایی تقریباً به‌طور همه‌گیر در بین دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان ساکن تهران استفاده می‌شود. تقریباً در همه موارد اولین مواجهه با محتوای جنسی به صورت غیرارادی و ناخواسته و اتفاقی بوده و دفعات بعد به صورت فعال اتفاق افتاده است.

پسرها به نظر کنشگران فعال‌تری در این خصوص بوده‌اند و بیشتر به دنبال فیلم‌هایی با محتوای آشکار جنسی (پورنوگرافی) و عکس هستند. دخترها بیشتر به دنبال کسب اطلاعات از ماهیت رابطه جنسی، به خواندن داستان‌ها و رمان‌های جنسی روی می‌آورند. دختران معمولاً فعالیت خود را در اینترنت مخفی می‌کنند ولی پسرها راحت‌تر در مورد آن با دیگران صحبت می‌کنند. به علت جستجوی فعال پسرها نسبت به دخترها، پسرها دسترسی بیشتر و توانایی بالاتری برای استفاده از فیلترشکن دارند، لذا بیشتر از سایت‌ها استفاده می‌کنند. ولی دخترها کمتر از فیلترشکن استفاده می‌کنند و بیشتر از کانال‌ها و شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند.

اکثر نوجوانان در مورد مواجهه خود با محتوای جنسی در اینترنت با والدین صحبت نمی‌کنند و والدین نیز به جز چند هشدار و پند و اندرز کلی، خیلی با جزئیات راجع به نوع اطلاعات و محتوای نامتعارف جنسی در اینترنت با آنها صحبت نمی‌کنند. به نظر می‌رسد حرمت و حیا و شرم در صحبت کردن در این خصوص، سرگرم بودن والدین به سایر امور و وقت‌نگذاشتن برای فرزند و صحبت با او و همچنین ضعف اطلاعاتی والدین از تکنولوژی و شکاف نسلی، از دلایل مطرح‌شده در این خصوص بوده است.

البته برخی نگران محدود شدن و اعمال کنترل بیشتر توسط والدین بودند و این را دلیلی برای مطرح نکردن موضوعات جنسی با والدین می‌دانستند.

● راهکارهای پیشنهادی برای حفاظت نوجوانان از آسیب‌های مواجهه با محتوای جنسی در اینترنت

با برخی مداخلات در سطوح مختلف می‌توان تا حدودی از برخی تأثیرات نامطلوب این محتوا در نوجوانان پیشگیری کرد. این راهکارها همه‌جانبه است و در سطوح مختلف مدرسه، جامعه و خانواده فرد قرار می‌گیرند.

● نقش مدرسه

مدرسه و نقشی که در آگاه‌سازی نوجوانان از سنین پایین در مورد موضوعات مختلف مربوط به فضای مجازی و اینترنت و ارتباطات و رفتارهای پرخطر می‌تواند داشته باشد، بسیار مهم است.

به علت ارتباط راحت‌تر نوجوانان با معلمین در مقایسه با والدین در مورد موضوعات حساس جنسی، مدارس نقش بسیار مهمی در این خصوص می‌توانند ایفا کنند.

فعالیت‌هایی که مدارس می‌توانند انجام دهند شامل آموزش جامع به روش جذاب با مثال‌های واقعی از سنین کم است. این آموزش‌ها نیاز است از دوران دبستان یعنی قبل از مواجهه نوجوانان با محتوای فوق اجرا شود و به ترتیب با افزایش سن، این مطالب تخصصی‌تر و گسترده‌تر شود.

در دسترس بودن مشاوره‌های قابل اعتماد و مؤثر در مدارس، بازنگری در محتوای آموزشی موجود از مهمترین راهکارهای پیشنهادی در مدارس است. همچنین حضور مشاورین آموزش‌دیده که وقت کافی

بررسی میزان اثرگذاری رهبران فکری در شبکه اجتماعی توییتر



پژوهشکده سیاست پژوهی
و مطالعات راهبردی حکمت

●● ضرورت و اهداف پژوهش

براساس آمار، میزان رشد سالانه کاربران شبکه‌های اجتماعی نسبت به رشد کاربران اینترنت، بیشتر است. در کشور ما نیز آمار کاربران اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با رشدی روزافزون همراه بوده است. به گونه‌ای که براساس آماري که معاون محتوایی مرکز ملی فضای مجازی ارائه داده است، تنها تا سال ۱۳۹۶، ۵۸٪ از مردم، حداقل عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند. طبیعتاً این مسئله در حوزه علوم ارتباطات موجب شکل‌گیری مسائل و نیازهای جدیدی شده است. همچنین این موضوع لزوم بازنگری و به‌روزرسانی مفاهیم و نظریه‌های ارتباطی را متناسب با اقتضات روز یادآور می‌شود.

در این میان، موضوع رهبران افکار جایگاه خاصی دارد. رهبران افکار افرادی هستند که به دلایلی بیش از دیگران در معرض رسانه‌ها قرار می‌گیرند و پیام‌های ارتباطی را با انتخاب، تحلیل و تفسیرهای خود به سایر مخاطبان منتقل می‌کنند. با توجه به تأثیرگذاری این افراد بر افکار عمومی جامعه ضروری است که این افراد شناسایی شوند و عملکرد آنها بررسی شود.

●● روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از حیث تمرکز و روش تحقیق، دو فاز مجزا و در عین حال تکمیلی دارد. فاز نخست فارغ از ویژگی‌های اختصاصی کاربران یا گروه‌ها، بر تحلیل روابط میان شبکه‌های متمرکز است. در این فاز رهبران فکری و همچنین جهت و شدت گراف ارتباطات، به صورت روشمند و از طریق روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی شناسایی شدند.

در فاز دوم، با تمرکز بر افراد شناسایی شده و محتوای تولیدی آنها، ویژگی‌ها و مختصات کنش سیاسی-رسانه‌ای آنها نیز تبیین و تحلیل شد. در این راستا، ابرکلمات کاربران براساس الگوریتم تشخیص فراوانی کلمات در دو مقیاس فردی و جمعی و در دو بازه زمانی متفاوت استخراج شد. بازه نخست به زمان جمع‌آوری داده‌ها و در تاریخ اول اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ تا خرداد ۱۳۹۷ اختصاص دارد و بازه دوم مشتمل بر هزار توییت آخر کاربران است که از تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۹۷ منتشر شده است.

برای پیشبرد مسیر تحقیق، فضای توییت به عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شد. علاوه بر آمار قابل توجه کاربران توییت، ویژگی متن‌محور بودن باعث می‌شود تا در قیاس با سایر شبکه‌های اجتماعی مشابه، امکان دستیابی به نمونه‌ای نخبگانی‌تر و متناسب با موضوع تحقیق فراهم شود. سپس با بهره‌گیری از توصیه‌های روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی (SNA)، ضمن شناسایی روشمند گروه‌ها یا افرادی که در نقش رهبران افکار عمل

رسانه و فضای مجازی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی

این پژوهش به موضوع خوب و مهمی پرداخته است. بررسی‌های خوبی در این پژوهش صورت گرفته بود. اما قسمت پیشنهادات پژوهش، نیازمند تحلیل بیشتری است.



شبکه‌های اجتماعی دارای ویژگی‌هایی نظیر مرجعیت‌زدایی از فرستندگان پیام، تعاملی بودن، سرعت بالای انتقال پیام و سهولت دسترسی هستند. با افزایش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تأثیرگذاری رهبران فکری این شبکه‌ها نیز بر عموم مردم افزایش می‌یابد. میزان تأثیرگذاری این رهبران فکری را می‌توان با تحلیل محتوایی شبکه افراد مرتبط با آنها بررسی کرد. شبکه اجتماعی توییت به علت اینکه ماهیت متنی محتوای آن امکان دسترسی به محتوای نخبگانی را فراهم کرده است، یکی از شبکه‌های اجتماعی است که می‌توان با بررسی شبکه‌های دنبال‌کنندگان و دنبال‌شوندگان، ریتوییت‌ها، لایک‌ها و ریپلای‌های مرتبط با اکانت‌های رهبران فکری، میزان تأثیرگذاری آن‌ها را بررسی و تحلیل کرد.

اجتماعی-سیاسی اختصاص دارد. محور سوم به رقابت جریان‌های سیاسی و محور چهارم به روزنوشته‌های غیرسیاسی می‌پردازد.

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به ضرورت کار منسجم و دقیق در حوزه مسائل تحلیل شبکه، پیشنهاد می‌شود که شورا یا مرکزی برای برنامه‌ریزی تحقیق محور در این زمینه تشکیل شود. این مرکز با گردآوری متخصصان حوزه‌های علوم اجتماعی و مهندسی، باید عناوین و سوژه‌های مهم تحقیق در این زمینه را مشخص، اولویت‌بندی و اجرایی کند. یکی از تفاوت‌های حوزه تحلیل شبکه با سایر حوزه‌های علوم اجتماعی در عینیت و پویایی مسائل این حوزه است. شورای مذکور می‌تواند مسائل این حوزه را از جهت‌های مختلف مدیریت و برنامه‌ریزی کند.

استفاده عملیاتی از ظرفیت دانشگاه‌های مهندسی و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان علوم ریاضی، از دیگر پیشنهادهایی است که می‌تواند ظرفیت جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی را در این حوزه افزایش دهد. تجربه این تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم همه محدودیت‌های دسترسی و مشکلات عدیده مالی و زمانی، این ظرفیت در بدنه مهندسی کشور وجود دارد که به شرط تعامل درست، به عنوان بازوی اصلی و همراه پژوهشگران و مدیران حوزه علوم اجتماعی ایفای نقش کنند. شاید اصلی‌ترین مشکل در این بخش به فقدان زبان مشترک و احساس استغنا کاذب دو طرف از یکدیگر بازگردد.

لذا پیشنهاد می‌شود از طریق برگزاری نشست‌های مشترک میان متخصصان این دو حوزه، ادراک غیررسمی و زبان مشترک میان این دو گروه تقویت شود. همچنین می‌توان بخشی از مسائلی را که کارشناسان علوم اجتماعی به سؤالات و اهداف عملیاتی تبدیل کرده‌اند، در قالب فراخوان‌های دانشگاهی با کیفیتی بالا و هزینه‌ای پایین اجرایی کرد.

جمع‌بندی

این پژوهش با هدف شناسایی رهبران فکری در شبکه اجتماعی توییتر و بررسی محتوایی توییتهای انجام شده است. در این راستا، داده‌ها در قالب چهار شبکه «دنبال‌کنندگان و دنبال‌شوندگان»، «رتوییت»، «لایک» و «ریپلای»، بررسی شده است.

براساس یافته‌های این پژوهش، در کلمات برجسته‌شده در شبکه چهارتایی و شبکه جمعی رتوییت نسبت به ابرکلمات همین شبکه‌ها، بدون لحاظ کردن توییتهای رسانه‌ها، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین کلمات برجسته‌شده در شبکه‌های مختلف براساس شرایط زمانی تغییرات ملموسی داشته‌اند. به گونه‌ای که میزان انطباق آنها با مسائل سیاسی و حتی غیرسیاسی روز واضح است.

پیشنهاد این پژوهش تشکیل مرکز یا شورا برای انجام تحقیقات در حوزه شبکه‌های اجتماعی است. تعامل پژوهشگران و مدیران حوزه علوم اجتماعی با دانشگاه‌های مهندسی و دانشجویان، لازمه تشکیل این مرکز است.

درباره پژوهش

این مطالعه در پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

می‌کنند، جهت و شدت ارتباطی افراد مرتبط با آنها مشخص شد. در گام دوم، وضعیت کنش سیاسی-رسانه‌ای رهبران افکار تحلیل و تبیین شد. پس از جمع‌آوری داده‌های مرتبط با شبکه ۹۴ هزار نفری، شبکه ارتباطی در بستر توییتر در قالب چهار شبکه مستقل و در عین حال مرتبط تشکیل شد. شبکه نخست بر پایه دنبال‌کنندگان و دنبال‌شوندگان، شبکه دوم بر پایه رتوییت و شبکه سوم و چهارم براساس لایک و ریپلای تشکیل شده‌اند.

تحلیل محتوایی کنش رهبران فکری و سیاسی در توییتر

در این بخش از پژوهش نتایج به دست آمده در دو فاز «تحلیل فراوانی و ابرکلمات» و «تحلیل محتوای کیفی» تحلیل می‌شود. نتایج به شرح زیر است:

تحلیل فراوانی و ابرکلمات

در هر دو بازه زمانی، کلماتی که رسانه‌ها برجسته کرده‌اند تأثیر چندانی بر ابرکلمات کلی رهبران فکری نداشته است. در بازه زمانی اول، رویداد انتخابات در برجسته‌شدن کلماتی نظیر ایران، روحانی، انتخابات، حمایت، قالیباف، دولت، گفت‌وگو و... مؤثر بوده است. همچنین انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و ارتباط او با توافق برجام، موجب برجسته‌شدن واژگانی نظیر آمریکا، برجام، ترامپ، توافق، هسته‌ای، مذاکره و... شده است. از سوی دیگر، میزان هم‌پوشانی ابرکلمات شبکه رتوییت با ابرکلمات جمعی چهار شبکه، بالای ۹۱٪ برای واژگان تک‌کلمه‌ای و ۸۸٪ برای واژگان دوکلمه‌ای است که نشان از همراهی بیشتر رهبران فکری براساس شاخص رتوییت با توییتهای رسانه‌ای دارد. در بازه زمانی دوم، برجسته‌شدن مسائل روز در قیاس با ابرکلمات بازه نخست محسوس و عینی است.

نسبت هم‌پوشانی ابرکلمات واژگان دوکلمه‌ای و تک‌کلمه‌ای به شکل قابل توجهی بالا بوده و عمده کلمات برجسته‌شده در هر دو بخش، ذیل موضوعات زیر آمده است:

- رویدادها یا تقویم سیاسی؛
- مسائل منطقه یا حوزه بین‌الملل؛
- اظهارنظرهای اشخاص یا جریانات سیاسی؛
- نهادها، مناصب و شخصیت‌های سیاسی؛
- قوانین، لوایح یا تصمیمات سیاسی؛
- افشار یا نمادهای سیاسی؛
- کنش‌های سیاسی یا امنیتی؛
- رسانه‌ها؛
- اظهارنظرهای شخصی کاربر در قالب کلماتی مثل نظرم، اعتقادم، نظر من و...؛
- غیریت‌سازی با دیگری (عمدتاً اشخاص سیاسی) در قالب کلماتی نظیر خودشون، خودتون، خودت، اونا، خودشان و...؛
- رویدادها یا موضوعات غیرسیاسی یا محیط‌زیستی.

تحلیل محتوای کیفی

براساس کدگذاری انجام‌شده، محتوای کلی توییتهای منتخب شامل چهار محور اصلی است. محور نخست با تمرکز بر وجه عاملیت برخی کارگزاران و همچنین ساختار نهادی کشور، مدعی وجود نوعی از دموکراسی ناقص در برآیند نهادی کشور است. محور دوم به انتقاد از بستر و زمینه‌های

رصد و آسیب‌شناسی نهادهای رسانه‌ای از منظر فقهی



محمدحسین فرج‌نژاد



موسسه فتوح اندیشه

رسانه و فضای مجازی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی
روش مورد استفاده برای انجام پژوهش متناسب با موضوع انتخاب شده بود. هر چند که در ارائه پیشنهادها به واقعیت‌های موجود در جامعه باید توجه بیشتری می‌شد.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

طی سال‌های اخیر رسانه‌ها تأثیرگذاری زیادی در زندگی مردم داشته‌اند و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به افکار، انگیزه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی مردم بسیار زیاد بوده است. در این شرایط بر حوزه‌های علمی و اجنب است که مباحث فقه در ابعاد رسانه‌ای را جدی‌تر بگیرند و پس از شناسایی وضعیت موجود و آسیب‌شناسی آن، به سوی ارائه راهکارهایی برای حاکمیت فقه در عرصه رسانه حرکت نمایند. در این پژوهش وضعیت برخی از نهادهای رسانه‌ای کشور بررسی شده و راهکارهایی به منظور بهبود وضعیت موجود ارائه شده است.

●● کتاب و مطبوعات و مشکلات چاپ و نشر آن‌ها

کتاب از مهم‌ترین رسانه‌های مکتوب محسوب می‌شود. مطبوعات نیز پس از کتاب از اعتبار و تأثیرگذاری بسیار بالایی برخوردارند. رمز ماندگاری کتاب، نوشتاری بودن آن و نظم و انسجام بیشتر نسبت به رسانه‌های گفتاری و نزدیکی بیشتر به فضای انتزاعی و عقلی است. به همین دلیل، در فقه سنتی ما نیز به مسائل فقهی کتاب توجه شده است. سیاست‌ها و قوانین حاکم بر تدوین و تألیف و نشر و توزیع کتاب، بدون شک باید با توجه به مبانی فقهی بازمینی شود و با توجه به گستردگی و پیچیدگی‌های حاکم بر حوزه چاپ و نشر بخصوص در عرصه کتاب و مطبوعات باید پژوهش‌های فقهی متناسبی در این خصوص تعریف شود.

در عرصه چاپ و نشر کتاب و مطبوعات مشکلاتی نظیر «سیاسی‌کاری دولت‌ها در عرصه چاپ و نشر و نفوذ مافیای وابسته به دشمنان»، «سیطره روشنفکران غرب‌زده و جریان‌های غیرانقلابی در عرصه مطبوعات، از عصر پهلوی تا کنون»، «مشکلات ممیزی و نظارت بر کتاب و مطبوعات در ایران و تلاش برای فقهی و عادلانه کردن آن»، «به‌روز نبودن قوانین نظارتی بر کتاب و مطبوعات و عدم پیشگیرانه بودن قوانین جرم‌انگاری در این عرصه» و «گستره عظیم نفوذ شبکه لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها بر عرصه تولید و توزیع کتاب و مطبوعات در ایران» وجود دارد.

●● تلویزیون، رادیو و سینما

تلویزیون و رادیو و سینمای عصر پهلوی ابزاری در جهت اعمال سیاست‌های سازمان‌های فرهنگی. اطلاعاتی غرب در ایران به رهبری «دفتر فرح پهلوی» و «سازمان پرورش افکار» و مؤسسات وابسته به سرویس‌های امنیتی وابسته به آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی بود؛ لذا بجاست که با رویکردی فقهی و دینی به بازخوانی تاریخ، سیاست‌ها و قوانین رادیو و تلویزیون و سینما پرداخته شود.



رسانه‌ها اعم از تلویزیون، رادیو، کتاب، مطبوعات، اینترنت و فضای مجازی آن‌چنان رشد کرده‌اند که شرکت‌های بزرگ برای تأثیرگذاری و جهت‌دهی ذهن مردمان از طریق آنان میلیون‌ها دلار خرج می‌کنند. در این میان، نقش معارف، فرهنگ، احکام و شریعت اسلامی، برای تولید و مصرف و مدیریت آثار رسانه‌ای خود را بیش از گذشته نمایان می‌کند و حکومت اسلامی در ایران و هر جای عالم باید بتواند در عرصه‌های مختلف رسانه‌ای متناسب و مبتنی بر فقه اسلامی، حرف‌های جدی برای گفتن داشته باشد. در غیر این صورت در دراز مدت، رسانه‌های جهت‌دار غربی، سبک زندگی خاص مدنظر خود را به مخاطبان القا کرده و چشم مردم و مسئولین را به سوی غرب خیره می‌کنند و جامعه رو به قهقهر و پشت به حقیقت خواهد شد.



برای حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی کشور، بسیار ضروری است.

• ارائه اینترنت به صورت لیست سفید (white list)

بیش از ۹۸ درصد نیازهای واقعی مردم به اینترنت مربوط به سایت‌های داخلی است و فقط ۲ درصد مردم به دلیل پژوهش یا کارهایی مانند تجارت خارجی نیاز به اینترنت جهانی دارند؛ لذا می‌توان برای عموم مردم اینترنت با مدل «وایت لیست» را ارائه کرد؛ بدین معنا که فقط سایت‌های داخلی و چند هزار سایت خارجی بدون ایراد که مردم به آن نیاز دارند، به عموم مردم ارائه شود.

با این کار علاوه بر افزایش سرعت اینترنت، قیمت آن نیز پایین می‌آید. هم‌چنین امنیت مردم و کشور در معرض تهدید قرار نمی‌گیرد. با این مدل بیش از ۹۸ درصد نیازهای مردم با کیفیت بالا برآورده می‌شود و برای آن دسته از اقشاری که به اینترنت بین‌الملل نیاز دارند می‌توان اینترنت پر سرعت جهانی ارائه کرد.

• مسدودسازی فیلترشکن‌ها و برخورد جدی با تولید و توزیع‌کنندگان

بسیاری از سایت‌های عرضه‌کننده فیلترشکن، فیلتر نیستند و کاربر با پرداخت مبلغ جزئی می‌تواند آن را به صورت برخط خریداری کند. جالب است که نام فرد و شرکتی که قرار است وجه به حساب آن واریز شود، کاملاً مشخص و فرشنده قطعاً ایرانی است؛ اما هیچ برخوردی با آنان نمی‌شود. به راحتی می‌توان مدعی شد که مسئولان انگیزه‌ای برای برخورد و مقابله با این قانون‌شکنی ندارند. بنابراین بایستی از طریق مسدودسازی فیلترشکن‌ها و برخورد جدی با تولید و توزیع‌کنندگان، از این اتفاق جلوگیری کرد.

جمع‌بندی

ضروری است که حکما، اندیشمندان و فقهای حوزه‌های علمیه، پس از شناسایی و بررسی وضعیت موجود رسانه‌ها و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، راهکارهایی به منظور «حاکمیت فقه» در رسانه و بر رسانه و فضای مجازی ارائه کنند.

در این پژوهش، سعی شده است با مطالعه و بررسی منابع موجود در این عرصه، مسائل، سوالات، عرصه‌ها و موضوعات کلی مهم و مورد ابتلای فقه رسانه در عرصه قوانین و اجرا بررسی شود تا چراغ راه دیگر محققان و پژوهشگران این عرصه قرار گیرد.

لذا با رویکرد فقهی به شناسایی وضعیت و آسیب شناسی رسانه‌های مختلف اعم از رسانه‌های چاپی (کتاب و مطبوعات)، صوتی و تصویری (رادیو و تلویزیون) و دیجیتال (اینترنت، شبکه اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای) پرداخته شده است و کمبودهای این عرصه، در انتهای هر فصل در قالب راهکارها و سوالات ارائه شده است.

در باره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه فتوح اندیشه با همکاری محمدحسین فرج‌نژاد، محمدحسن فرج‌نژاد، محمد کهوند، رفیع‌الدین اسماعیلی و عبدالمجید تناور در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

بیشک نشأت گرفتن سیاست‌ها و قوانین حاکم بر رسانه‌های دیداری و شنیداری از فقه شیعه دستاورد بسیار بزرگی برای مردم و نظام خواهد داشت. با بررسی قوانینی که اخیراً بر ساختار داخلی صدا و سیما ابلاغ شده است، نزدیکی این قوانین به فقه اسلامی کاملاً هویدا است؛ اما به دلیل غرب‌زدگی رشته‌های هنر و رسانه در کشور و عدم وجود نیروی انسانی متعهد در ساختارهای هنری. رسانه‌ای ایران، مشکلات متعدد فقهی در مقام اجرا وجود دارد.

در این بخش از پژوهش کلیت قوانین و ساختارهای حاکم بر صدا و سیما و کاستی‌های علمی و فقهی آن بررسی شده و راهکارهایی جهت اعتلای صدا و سیما ارائه شده است.

• اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

اینترنت در ایران به دلایلی مانند سوءمدیریت، معماری غلط اتصال به اینترنت جهانی و نبود استراتژی واحد درباره نحوه مواجهه با فضای مجازی، کاملاً وابسته به شبکه جهانی اینترنت است. با افزایش ضریب نفوذ اینترنت، کاربران بدون اطلاع از ملزومات و خطرات این عرصه به فضای مجازی دسترسی پیدا می‌کنند.

با کمال تأسف امروزه شبکه آمریکایی اینترنت و نقطه تبادل‌های اینترنت (IXP) تحت نفوذ آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA) بر اینترنت ایران مسلط هستند. سالانه میلیاردها صفحه از بیگ‌دیتای ایرانیان در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی آمریکایی. انگلیسی قرار می‌گیرند و آن‌ها با تحلیل این اطلاعات، ضربات جدی در حوزه‌های مختلف به مردم ایران و منطقه وارد می‌کنند.

حضور پررنگ شبکه‌های اجتماعی صهیونیستی. اطلاعاتی مانند اینستاگرام، تلگرام، توئیتر، کلاب‌هاوس و واتس‌آپ در فضای ایران، نشان‌دهنده کم‌لطفی برخی از مسئولین در داخل کشور نسبت به تقویت و گسترش شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های داخلی است. این اتفاق مسئولیت علمای دین و فقها و پژوهشگران علوم اسلامی و رسانه‌ای را دوچندان می‌کند تا در راستای حفظ استقلال، عزت و منافع ایران و اسلام اقدامات مقتضی علمی، راهبردی و تبلیغاتی را به سرانجام برسانند.

• اقدامات پیشنهادی در جهت بهبود وضعیت

فضای مجازی

در ادامه راهکارهایی برگرفته از فقه شیعه، در جهت بهبود وضعیت فضای مجازی در ایران ارائه شده است.

• کسب استقلال در فضای مجازی

مقام معظم رهبری در حکم اعضای شورای عالی فضای مجازی بر «تسریع در راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات پس از تصویب طرح آن در شورای عالی و نظارت مستمر و مؤثر مرکز ملی بر مراحل راه‌اندازی و بهره‌برداری از آن» و «اهتمام ویژه به سالم‌سازی و حفظ امنیت همه‌جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه و مقابله مؤثر با نفوذ بیگانگان در این عرصه» تأکید کردند. بنابراین باید این شورا با توجه به توصیه‌های ایشان به دنبال راه‌هایی جهت کسب استقلال در فضای مجازی باشد.

• محافظت از استقلال سخت‌افزاری و نرم‌افزاری

به علت حجم‌های فراوان دشمن به زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کشور و وجود تجربیات تلخ گذشته، نیازمند سامانه‌ای هستیم که بتواند از زیرساخت‌های حیاتی کشور صیانت کند و ورود و خروج اطلاعات را کاملاً کنترل کند؛ لذا طراحی سامانه ضد بدافزار بومی

بررسی تبعات استفاده از استعاره جنگ برای مواجهه با بحران کرونا



ابوطالب صفدری شریانی



مرکز پژوهشی آرا

●● ضرورت و اهداف پژوهش

در اوایل شیوع بیماری کرونا، استفاده از استعاره جنگ در مفهوم سازی نحوه مواجهه با آن در دستور کار مسئولین قرار گرفت. از آنجا که استعاره‌ها در پس خود مفاهیم دیگری را به همراه دارند، لذا مفاهیم دیگری در پس استفاده از استعاره جنگ در مواجهه با کرونا به وجود آمده‌اند. استفاده از استعاره جنگ در این دوره نقص‌هایی دارد. این نقص‌ها باعث شده است که مردم در هنگام مواجهه با کرونا با تأثیر از این مفاهیم به درستی عمل نکنند. بنابراین لازم است تا با تبیین آثار استفاده از این استعاره پیشنهاداتی برای رفع نواقص آن ارائه شود.

●● استفاده از استعاره و کمک آن به ادراک جهان

تا چند دهه قبل از واژه استعاره صرفاً به عنوان یکی از تکنیک‌های ادبی یاد می‌شد. اما امروزه به کمک استعاره‌ها می‌توان جهان را درک کرد. رفتارهای روزمره و تصمیمات آدمی محصول ادراک او از جهان است. بنابراین می‌توان گفت تصمیماتی که آدمی می‌گیرد مستقیماً تحت تأثیر استعاره‌هایی است که برای درک از جهان استفاده می‌کند. استعاره از مفهوم مهم دیگری به نام مفهوم تعمیم‌پذیری برخوردار است. این مفهوم به این معنا است که استعاره خودش را تعمیم می‌دهد. این تعمیم به دو شکل است. «تعمیم معنایی»، که دربارهٔ واژگان مرتبط با استعاره است و «تعمیم استنتاجی» که محصول استنتاج‌هایی است که بر اساس استعاره انجام می‌شود.

●● استعاره جنگ در مفهوم سازی مواجهه با کرونا

در ابتدای شروع بحران کرونا مسئولین ایران برای مفهوم سازی از شرایط موجود، از استعاره جنگ در مواجهه با این بحران استفاده کردند. همانطور که گفته شد استعاره‌ها خودشان را تعمیم می‌دهند. استفاده از استعاره جنگ دارای تعمیم یا چند معنا است که همراه با خودش واژگان مرتبط را می‌آورد. به عنوان مثال می‌توان تعمیم‌های معنایی زیر را از استعاره جنگ برای توصیف بحران کرونا درک کرد.

- شکست/پیروزی: در استفاده از استعاره جنگ برای توصیف مواجهه با کرونا، هشتک ملی «#کرونا-را-شکست-می‌دهیم» به کار برده شد.
- خط مقدم/پشت جبهه: از بیمارستان‌ها به عنوان خط مقدم مبارزه با کرونا نام برده می‌شد.

رسانه و فضای مجازی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی

لحن گزارش روان و جذاب بود و بدون پیچیدگی مسئله را بیان می‌کرد. بیان مسئله به خوبی و با ذکر مصادیق گوناگون صورت گرفته بود. همچنین تحلیل مسئله و ذکر مصادیق نیز به خوبی صورت گرفته بود.



یکی از راه‌های توصیف پدیده‌ها استفاده از استعاره‌ها است. استفاده از استعاره‌ها به ایجاد درک از پدیده‌ها منجر می‌شوند. در ایام شروع بحران کرونا و شیوع این بیماری در جهان، کشورهای مختلف برای توصیف بحران کرونا از استعاره‌های مختلفی مانند استعاره جنگ استفاده کرده‌اند. به منظور جلب توجه مردم به تبعات کرونا، در ذیل این استعاره قوانین سخت‌گیرانه‌ای از جانب دولت‌ها وضع شده است. علیرغم استفاده از استعاره جنگ برای توصیف وضعیت مواجهه با کرونا در ایران، اما در مقابل قوانینی که شرایط جنگی را برای مردم ترسیم کند وضع نشده و این استعاره کمک شایانی در مشارکت مردمی در مواجهه با کرونا نکرده است.



پیشنهادهای برای سیاستگذاری جهت مدیریت وضع کنونی

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان این پیشنهادات را برای مدیریت بهتر وضعیت کنونی و نیز بحران‌های آینده ارائه کرد. استفاده از استعاره جنگ برای مفهوم‌سازی این بحران اصلاً تصادفی نیست. علت اصلی به فهمی که بسیاری از مسئولین به طور کلی از جهان و به ویژه از شرایط کنونی دارند برمی‌گردد. به نظر می‌رسد حضور افراد جوان با استعاره‌هایی متفاوت‌تر برای درک جهان در لایه‌های مدیریتی کشور ضروری است. افرادی که با استعاره‌های تازه‌تر در کنار استعاره جنگ افق‌های جدیدی برای مفهوم‌سازی مسائل، ادراک جهان و متقابلاً مدیریت آن پیشنهاد دهند.

اکنون که استعاره جنگ برای مفهوم‌سازی از مواجهه با کرونا استفاده شده است باید تعمیم‌های مفهومی آن را تا جای ممکن ادامه داد. این استعاره از دو جهت ناقص مانده است:

● در دوران جنگ معمولاً قوانینی مثل منع رفت و آمد تصویب و اجرا می‌شود و برای قانون‌شکنان برخورد و مجازات در نظر گرفته می‌شود. استعاره جنگ در ایران از این جهت ناقص است لذا نیاز است این چنین قوانینی وضع شود.

● در دوران جنگ مستنداتی مانند روایت فتح باعث برانگیختگی احساسات و عواطف مردم می‌شد. در این حوزه نیز از این موضوعات غفلت شده است. ساخت مستندات با کیفیت و نشان دادن این وضعیت می‌تواند در همراهی مردم جهت مبارزه با کرونا بسیار موثر باشد.

جمع‌بندی

از استعاره‌ها برای نشان دادن وضعیت‌های مختلف استفاده می‌شود که دارای جنبه‌های گوناگون است. خاصیت استعاره این است که خود را تعمیم می‌دهد و در اذهان مفاهیم دیگری را نیز متبادر می‌کند. استفاده از استعاره جنگ در مواجهه با کرونا نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین باید به جنبه‌های دیگر استفاده از این استعاره پرداخت.

در این پژوهش پس از بررسی تعمیم‌های استعاره جنگ در ذهن مردم در راستای مفهوم‌سازی نحوه مواجهه با کرونا، مشخص شد که در استفاده از این استعاره نقص‌هایی وجود دارد.

بنابراین پیشنهادهای برای پوشش این نقص‌ها داده شد. یکی از این پیشنهادات وضع قوانین منع رفت و آمد و جریمه ناقضان این قانون همانند وضع این چنین قوانین در دوران جنگ است. این قانون می‌تواند در جهت کمک به قطع زنجیره انتقال و در خانه ماندن مردم کمک شایانی کند.

در باره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌ها توسط ابوطالب صفدری شریانی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

● رزمنده/مردم عادی: کادر درمان کشور به مثابه رزمندگان این جنگ معرفی شدند.

● شهید/کشته: آن دسته از کادر درمان که بر اثر مواجهه با بیماران کرونایی و ابتلاء به این بیماری جان خود را از دست می‌دهند، به درجه رفیع شهادت می‌رسند.

● پناهگاه/سنگر: در این دوره از خانه شهروندان با نام پناهگاه یاد می‌شود.

● سلاح: از انواع مواد ضد عفونی‌کننده و واکسن کرونا به عنوان سلاح نهایی در مبارزه با کرونا یاد می‌شود.

در ادامه به تعمیم‌های استنتاجی و پیامدهای آن در استفاده از استعاره جنگ پرداخته می‌شود.

حافظه تاریخی ایرانیان با جنگ هشت‌ساله گره خورده است. استعاره جنگ به طور ناخودآگاه این موضوع را به ذهن مردم متبادر می‌کند که در دوران جنگ رزمندگان (کادر درمان) در خط مقدم (بیمارستان‌ها) مشغول مبارزه (مداوای بیماران) هستند و مسئولیت دیگری متوجه آنان نیست. بنابراین آنان می‌توانند به فعالیت‌های روزمره خود بپردازند.

در استعاره جنگ، سلاح آن چیزی است که دشمن را از پا در می‌آورد. انتظار مردم از سلاح واکسن است. بنابراین به نظر می‌رسد در «خانه ماندن» یا «شکستن زنجیره انتقال» در این استعاره نمی‌تواند به عنوان سلاح مطرح شود. مردم بیش از آنکه در خانه بمانند، منتظر تولید واکسن هستند.

مسئولین در ادامه مواجهه با کرونا به این مسئله پی بردند و نشانه آن اضافه شدن هشتم «#در-خانه-می‌مانیم» برای مبارزه با کرونا است. استعاره جنگ باعث شده که مردم و مسئولین از رزمندگان (کادر درمان) انتظار فداکاری و از جان گذشتگی داشته باشند. این انتظار تا حدودی موجه است اما کمبود امکانات اولیه برای محافظت از آنها توجیه‌پذیر نیست. در استعاره جنگ به طور ناخودآگاه این کمبودها موجه دیده می‌شود و تا حدودی مسئولین را از تلاش بیشتر برای تأمین امکانات باز می‌دارد.

استفاده از استعاره جنگ در سایر کشورها

در فرانسه اولین مورد کرونا مثبت در ۴ بهمن ۹۸ شناسایی شد و استعاره جنگ در تاریخ ۲۶ اسفند توسط رئیس‌جمهور این کشور استفاده شد. این اتفاق وقتی که شرایط واقعاً بحرانی شده بود و برای نشان دادن عمق فاجعه رخ داد. رئیس‌جمهور فرانسه وقتی از استعاره جنگ استفاده می‌کند در ادامه تعمیم مفهومی آن را نیز می‌آورد و منع آمد و شد و تنبیه افراد خاطی (فراری از جنگ) را اعلام می‌کند.

ترامپ در آمریکا تقریباً از همان ابتدای شناسایی کرونا در آمریکا از استعاره جنگ برای مفهوم‌سازی خود استفاده کرد اما بسیاری از ناظرین استفاده او را ناموجه دانستند. به طور مثال در گزارشی در روزنامه تایمز در تاریخ ۲۹ اسفند ۹۸ این متن درج شده است: «چرخش سخنان ترامپ به اینکه کشور در یک جنگ سرد به سر می‌برد چیزی نیست جز نوعی استراتژی برای گند کردن تیغ انتقادات و سوق دادن انتقادات به سمت یک نیروی خارجی.» این گزارش نشان می‌دهد که استفاده از این استعاره مورد قبول واقع نشده است.

بررسی مفاهیم نظری و شناسایی مسائل اصلی امر

جنسی در جامعه ایران



سعید قاسمی



موسسه رصد مطالعات
و سیاستگذاری اجتماعی
سلامت جنسی اسلامی

چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

روش کار محققان کارآمد

نظر شورای علمی

بوده و درست انتخاب شده است. برای پژوهشی در این سطح و ابعاد با ماهیت مهم مسئله، روش‌های مناسبی برای گردآوری، تجزیه و تحلیل در این پژوهش در نظر گرفته شده است.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

رهاشدگی امرجنسی در جامعه ایران و عدم وجود سیاست‌های مدون، روشن و جامع در خصوص آن نسبت به نهادهای مختلف آموزشی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای از یک سو و حضور فعال و هوشمندانه جبهه معارض در این کارزار فرهنگی از سوی دیگر، به نوبه خود گویای اهمیت و ضرورت طرح و پیشبرد سیاست‌گذاری امرجنسی در شرایط امروزی جامعه ایران است.

در کنار این رهاشدگی و بی‌سامانی اجتماعی مواجهه با مسئله جنسی، آنچه ضرورت و اهمیت پژوهش‌های راهبردی در این حوزه را غیرقابل انکار می‌سازد، وجود خلاءهای مطالعاتی و نقاط مغفول در مسئله‌شناسی امرجنسی در جامعه ایران و شبکه عوامل نابه‌سامان آن است. این پژوهش به دنبال پر کردن این خلأ مطالعاتی در سیاست‌گذاری‌های حوزه امرجنسی و به دنبال آن ارائه سیاست‌های مواجهه و کنترل تغییرات و تحولات بحران جنسی یا انقلاب جنسی (دگرگونی‌ها و تغییرات بنیادین در فرهنگ جنسی) در جامعه اسلامی ایران است.

●● سیاستگذاری امر جنسی در ایران

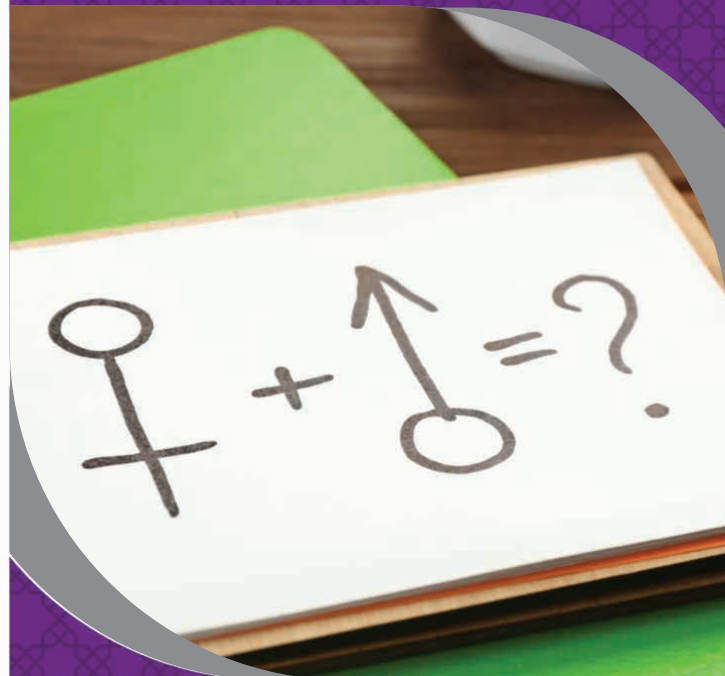
پژوهش تدوین سیاست‌های امر جنسی در جامعه ایران در سه جلد منتشر شده است. در جلد نخست پس از (مروری بر ادبیات سیاستگذاری امرجنسی)، به تبیین «روش و فرآیند سیاست‌گذاری امرجنسی» پرداخته شده است. با بهره‌گیری از این مباحث «مسائل و اهداف امرجنسی» بدست آمده و فهرستی از سیاست‌های کلان و نهادهای مرتبط با اجرای طرح آورده شده است.

در جلد دوم این پروژه به ارائه ۱۱ بسته سیاستی برای موضوعات مختلف پرداخته شده است. سپس در جلد سوم نقشه‌ای از وظایف قوای سه‌گانه و وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها موسوم به «نگاشت نهادی سیاست‌های مواجهه با امر جنسی» تدوین شده است. در این متن خلاصه جلد اول این پژوهش آورده شده است.

●● مبانی و رویکردهای سیاست‌گذاری امرجنسی در

جامعه اسلامی ایران

در این پروژه ضمن پرداختن به «مبانی نظری» در سیاستگذاری امر جنسی، تلاش شده است تا «رویکردهای نظری در مطالعه امر جنسی» مورد بحث قرار گیرد و امر جنسی با استفاده از منظرها و رویکردهای مختلفی نظیر



گریزه جنسی یکی از قوی‌ترین غرایز انسانی است که سایر ابعاد وجود انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. فرهنگ جنسی هر جامعه، متناسب با باورها، ارزش‌ها و هنجارهای کلی آن جامعه شکل می‌گیرد و زندگی جنسی افراد جامعه را بر حسب این فرهنگ کلی شکل می‌دهد.

جامعه ایران در دو دهه اخیر شاهد تحولات فرهنگی چشمگیری در عرصه فرهنگ و سبک زندگی بوده است. از جمله حوزه‌هایی که از این تغییرات فرهنگی تأثیر پذیرفته، عرصه فرهنگ جنسی است؛ به شکلی که امروزه تغییرات گسترده در ساحت فرهنگ جنسی جامعه ایران، نوعی از بحران جنسی را در جامعه ایجاد کرده است.

به گونه‌ای که هر لایه مقدمه و پیش‌نیاز لایه بعدی محسوب می‌شود. مدل تحلیل لایه‌ای علت‌ها، لایه‌ها و مراحل مختلف تحقق اهداف را ترسیم می‌کند و به سازوکار تحقق آن‌ها نمی‌پردازد. لذا با بهره‌گیری از رویکرد مهندسی فرهنگی و مهندسی اجتماعی، سازوکار تحقق اهداف در قالب نقشه تحقق اهداف تدوین شده است.

در این نقشه ۱۰ رویکرد برای تحقق اهداف مدنظر شناسایی شده که شامل رویکرد فرهنگ‌سازی (تغییر نگرش)، رویکرد مفهوم‌سازی (تولید مفاهیم)، رویکرد پژوهشی (تولید ادبیات)، رویکرد آموزشی (انتقال دانش و مهارت)، رویکرد تربیتی (مشوق‌ها و بازدارنده‌ها)، رویکرد تبلیغی (تبلیغی و ترویجی)، رویکرد مشارکتی (بازاریابی اجتماعی)، رویکرد حمایتی (ساماندهی اقتصاد سیاسی)، رویکرد حقوقی (اصلاح قوانین) و رویکرد سازمانی (نهادسازی) است.

عمده‌ترین مسائل و آسیب‌های جنسی در جامعه اسلامی ایران

پس از بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته، عمده‌ترین مسائل و آسیب‌های جنسی شناسایی شده است. این مسائل شامل «تهدید سلامت جنسی»، «افزایش کجروی‌های جنسی»، «تغییر الگوهای گذران اوقات فراغت»، «کاهش قدرت کنترل اجتماعی»، «تغییرات فرهنگی در زمینه ازدواج و خانواده»، «تغییر الگوهای مد و لباس»، «رواج اندیشه و کنشگری با محوریت طرفداری از حقوق زنان»، «گسترش آموزش‌های جنسی خارج از چهارچوب‌های اسلامی»، «شکل‌گیری اقتصاد جنسی»، «افزایش اثرگذاری جبهه معارض» می‌شود.

از جمله عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این مسائل می‌توان به «تغییرات فرهنگی در جامعه ایران»، «ضعف پژوهش و نظریه‌پردازی پیرامون امر جنسی»، «ضعف تعلیم و تربیت جنسی»، «افزایش نقش رسانه‌ها»، «مشکلات اقتصادی»، «ناکارآمدی نهادهای اجرایی» اشاره کرد. در دو جلد بعدی بسته‌های سیاستی و نگاشت نهادی پیشنهادی ارائه می‌شود.

جمع‌بندی

نبود سیاست‌های روشن و جامع، رهاشدگی و حضور فعال و هوشمندانه جبهه معارض در امر جنسی از جمله دلایلی است که ضرورت مطرح کردن سیاست‌گذاری امرجنسی در شرایط امروزی جامعه ایران را روشن می‌کند. اولین گام برای سیاست‌سازی رسیدن به درک درست از مسائل امر جنسی در جامعه است که به کمک شناخت مبانی و مفاهیم امر جنسی میسر می‌شود.

در این پژوهش با بررسی مفاهیم نظری و با ترسیم درخت اهداف، ۱۰ رویکرد در جنبه‌های گوناگون برای تحقق سیاست‌های امر جنسی شناسایی شد. همچنین از جمله عمده‌ترین مسائل و آسیب‌های جنسی شناسایی شده «تهدید سلامت جنسی»، «افزایش کجروی‌های جنسی» و «تغییرات فرهنگی در زمینه ازدواج و خانواده» است.

درباره پژوهش

این پژوهش در مؤسسه رصد، مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی سلامت جنسی اسلامی (سجا) توسط سعید قاسمی در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

پزشکی و روانپزشکی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اسلامی واکاوی شود که در ادامه به اختصار این رویکردهای نظری ارائه می‌شود. از منظر پزشکی و روانپزشکی فرض بر این است که امر جنسی یا زیست جنسی، امری طبیعی و بیولوژیک است و نگرش‌ها و رفتارهای جنسی در واقعیت امر بر اساس مسائل زیست‌شناختی و انتخاب طبیعی شکل می‌گیرند و نشانگر فرآیند سازگاری و انطباق هستند.

از منظر روان‌شناختی امر جنسی یا سکسوالیته در لایه شناختی هویت و نقش جنسی و همچنین در لایه هیجانی گرایش جنسی به دو صورت نگریسته می‌شود. رویکرد اول که بر پایه پارادایم‌های ذات‌گرایانه به مقوله سکسوالیته می‌نگرد، اعتقادش بر این است که سامانه سکسوالیته فرد وابسته و محصول تفاوت‌های زیستی زنان و مردان است.

اما رویکرد دوم یعنی ساخت‌گرایی اجتماعی، سکسوالیته را محصول زمینه‌های تفاوت جنسیتی تبیین می‌کند. در این رویکرد اعتقاد بر این است که ویژگی‌هایی که به سکسوالیته زنان و مردان نسبت داده می‌شود در تملک آنان نیست، بلکه در تعاملات بین فردی آنان شکل گرفته است و سکسوالیته به عنوان یک عنصر فرهنگ مبتنی بر زمان و مکان است.

از منظر جامعه‌شناختی ویژگی اساسی در باب امرجنسی، تمایز نهادن میان امرجنسی به مثابه موضوعی طبیعی و بیولوژیک و امرجنسی به مثابه پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی است. از این دیدگاه، امرجنسی در پیوند با ساختارهای گوناگون اجتماعی مانند فرهنگ، اقتصاد و سیاست قرار دارد. این رویکرد غالباً سکسوالیته را نه به‌عنوان یک پدیده ذاتا طبیعی یا هستاری زیست پزشکی و جسمانی، بلکه بیشتر به‌عنوان محصول نیروهای اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در نظر می‌گیرد.

از منظر اسلامی امر جنسی دارای پنج بُعد رفتار جنسی به‌هنگار، رفتار جنسی نابه‌هنگار، اختلالات کنشی جنسی، پیشگیری اولیه در دوران کودکی در قالب تربیت جنسی و در نهایت کنترل غرائز در سطوح بعدی زندگی است. به طور مشخص در اسلام سه حوزه تربیت جنسی، اخلاق جنسی و فقه و حقوق جنسی وظیفه این را دارد که به امرجنسی (میل جنسی) در قالب ارزش، دانش و رفتار جنسی بپردازد.

شبکه مسائل و درخت اهداف در سیاست‌گذاری امر جنسی

در ادامه ضمن طی کردن مسیر علمی در ارزیابی و بررسی ۱۱ مدل سیاست‌گذاری عمومی با انتخاب سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، به طور خاص مدل سیاست‌گذاری امرجنسی در جامعه ایران طراحی و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در این مدل پس از «کشف مسائل» با بهره‌گیری از مجموعه «پژوهش‌های داخلی و کتاب‌های ترجمه شده خارجی»، یک مرحله دیگر به نام «درخت اهداف» قبل از انتخاب سیاست‌ها اضافه شده است. همچنین مرحله‌ای تحت عنوان «نقشه اهداف» برگرفته از رویکرد مهندسی فرهنگی و مهندسی اجتماعی، قبل از اجرا طراحی شده است. در این رابطه از «نظریه داده بنیاد» برای تبیین شبکه مسائل و از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها برای تبیین درخت اهداف بهره گرفته شده است.

برای ترسیم درخت اهداف مبتنی بر تحلیل لایه‌ای علت‌ها، تلاش شده تا فرآیند تغییر در قالب ۴ لایه اصلی شامل گفتمان‌سازی و اصلاح نگرش، اصلاح ساختارها و نظام‌ها، اصلاح روندها و اصلاح رفتارها تنظیم شود.

تدوین و نگاشت نهادی سیاست‌های امر جنسی در

جامعه اسلامی ایران



سعید قاسمی



موسسه رصد مطالعات
و سیاستگذاری اجتماعی
سلامت جنسی اسلامی

چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

موضوع پژوهش ارزشمند

نظر شورای علمی

و قابل توجه است. با توجه به مطالعه مفصلی که صورت گرفته، علاوه بر استفاده از روش‌های مناسب و اثرگذار، در این پژوهش برنامه‌ای جامع برای حل مسائل مذکور ارائه شده است.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

این پژوهش در سه جلد تهیه شده است و خلاصه جلد نخست آن در متن پیشین آورده شد. در این متن خلاصه جلد‌های دوم و سوم ارائه می‌شود. پس از شناخت مفاهیم نظری و ترسیم مدل مفهومی از نقشه راه مواجهه با مسائل و مشکلات امرجنسی در جامعه اسلامی ایران، ضروری است تا برای حل این مشکلات، بسته‌های سیاستی ارائه شود و نقش نهادها و ارگان‌های مختلف به درستی تبیین شود. بنابراین در این بخش از پژوهش به بسته‌های سیاستی در موضوعات مختلف حوزه امر جنسی و نقش سازمان‌ها در اجرای این سیاست‌ها پرداخته می‌شود.

●● سیاست‌های کلان و بسته‌های موضوعی سیاستگذاری امر جنسی در جامعه اسلامی ایران

در جلد دوم این پژوهش بر مبنای ترسیم شبکه مسائل، درخت اهداف و نقشه تحقق اهداف (که در جلد اول به آن‌ها پرداخته شد)، رویکردهای بهبود و اقدامات اساسی مشخص شده است. این رویکردها و اقدامات، مبنای شکل‌گیری سیاست‌های کلان هستند. تعبیر سیاست‌های کلان، بدین معناست که این سیاست‌ها رویکردهای اصلی را مشخص می‌کنند و برای این‌که اجرایی شوند لازم است در قالب سیاست‌های موضوعی و اجرایی، تفصیل یابند و به مجریان یا موضوعات مشخص اشاره داشته باشند. بدین صورت که یک یا چند سیاست که مرتبط با فرآیند واحدی هستند و در قالب یک موضوع یا مسئله مشخص می‌توانند درآیند و شامل مجریان مشترک باشند، همراه با سیاست‌های اجرایی و عملیاتی خود در قالب یک مجموعه سیاستی با عناوین متمایز قرار گرفته‌اند.

بسته‌های سیاستی به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که امکان اجرای مستقل داشته باشند، به طوری که یک بسته سیاستی بتواند مستقل از سایر بسته‌ها اجراشده باشد. البته این امر سبب می‌شود اجرای بسته با دشواری و اثربخشی کمتری مواجه باشد و هزینه بیشتری برای تحقق آن صرف شود اما در هر صورت با توجه به محدودیت منابع یا ضرورت‌های خاص، امکان اجرای مستقل آن وجود خواهد داشت.

●● سیاست‌های کلان پیشنهادی

در این پروژه ۱۱ بسته سیاستی در موضوعات مختلف مرتبط با امر جنسی ارائه شده است که در ادامه به برخی از راهکارهای هر بسته سیاستی پیشنهادی اشاره می‌شود.

① سیاستگذاری در حوزه کنترل اجتماعی امر جنسی: بازسازی اخلاق



مسائل حوزه امر جنسی یکی از مواردی است که کمتر به آن پرداخته می‌شود، در حالی که مشکلات این حوزه باعث ایجاد ناهنجاری‌های مختلف می‌شود و تبعات آن بر فرهنگ جامعه تأثیرگذار است. برای تدوین سیاست‌های امر جنسی در جامعه ایران در ابتدا باید مشکلات شناسایی شده آن به دقت بررسی شود و برای حل آنان سیاست‌های دقیقی اتخاذ شود. از آنجا که این سیاست‌ها در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی اثر می‌گذارد، نیازمند تدوین سیاست‌های دقیق است، به گونه‌ای که همه آثار آن را در جامعه پوشش دهد. همچنین لازم است که همه ارکان حاکمیت از وزارتخانه‌ها تا سازمان‌های دولتی، نظامی و فرهنگی در راستای اجرای این سیاست‌ها نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

می‌شود. نگاهت نهادی، کاری زمانبر است که لازمه آن، آشنایی با فرهنگ‌ها و فعالیت‌های مختلف است و باید شامل تمامی ذینفعان درگیر باشد.

نگاشت نهادی چهارچوب مناسبی برای بررسی شبکه همکاری‌های علمی و فنی، جهت تدوین شبکه روابط میان نهادها در راستای یک بسته سیاستی خاص فراهم می‌کند. به این ترتیب با بهره‌گیری از نگاهت نهادی می‌توان عدم تطابق، همپوشانی و نقایص سیاست‌ها و برنامه‌های پشتیبان را شناسایی کرد. همچنین می‌توان خلأهای سازمانی را به نمایش گذاشت و از این طریق به بهبود هماهنگی سیاست‌ها، افزایش شفافیت و کاهش ناهماهنگی‌ها کمک کرد. در جلد سوم این پروژه، به «مفهوم‌شناسی نگاهت نهادی» و «مروری بر نهادهای حاکمیتی و نهادهای عمومی غیردولتی» پرداخته شده است. پس از تبیین «روش و فرآیند نگاهت نهادی»، نگاهت نهادی سیاست‌های مواجهه با امر جنسی از طریق تدوین نقشه‌ای از وظایف قوای سه‌گانه، وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها ترسیم شده است که می‌توان با استفاده از آن، حلقه‌های محتمل مفقوده را شناسایی و در نهایت با تدوین پنجره فرصت، قوت‌ها و فرصت‌ها را تقویت و ضعف‌ها و چالش‌ها را مرتفع ساخت و سیاست‌ها و برنامه‌های جدید را جایگزین کرد.

در این نقشه، وظایف «وزارتخانه‌های دولتی»، «سازمان‌های دولتی»، «نهادهای عمومی»، «مجلس شورای اسلامی»، «قوه قضائیه»، «شوراهای عالی ملی»، «رسانه ملی»، «نهادهای دینی و تبلیغی» و «سازمان‌های نظامی» در راستای تحقق سیاست‌های پیشنهادی امر جنسی جامعه اسلامی ایران تدوین شده است.

جمع‌بندی

در جلد اول پروژه «سیاستگذاری امر جنسی در جامعه اسلامی ایران، از پیشگیری تا مواجهه با انقلاب جنسی» پس از شناخت مفاهیم نظری و مسائل حوزه امر جنسی در جامعه ایران، ۱۱ حوزه در امر جنسی مشخص شد که نیازمند سیاستگذاری است.

در جلد دوم پس از بررسی ابعاد مختلف در هر حوزه، سیاست‌هایی در جهت رفع مسائل موجود در آن حوزه‌ها ارائه شد. برای پیشبرد این سیاست‌ها انسجام تمام بخش‌ها و نهادهای جامعه ضروری است. بنابراین در جلد سوم، از طریق نگاهت نهادی، نقش نهادهای دولتی و غیردولتی و سازمان‌های مرتبط برای پیاده‌سازی این سیاست‌ها تعیین شده است.

درباره پژوهش

«این پژوهش در مؤسسه رصد، مطالعات و سیاستگذاری اجتماعی سلامت جنسی اسلامی (سجا) توسط سعید قاسمی در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.»

اجتماعی و سنت‌ها متناسب با مسائل و نیازهای عصر حاضر و تأکید بر فضائل اخلاقی مؤثر بر امر جنسی.

۲) سیاستگذاری در حوزه سلامت جنسی: مقابله با آسیب‌ها در حوزه امر جنسی با تقویت سلامت جنسی خانواده در ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی از طریق افزایش رضایت جنسی زناشویی در بستر خانواده و کاهش اختلالات جنسی، ترویج ارزش‌های دینی و مدیریت افکار عمومی.

۳) سیاستگذاری در حوزه کج‌روی اجتماعی در حوزه روابط جنسی: تقویت عقلانیت در جامعه و توجه به عشق‌ورزی اصیل و کم‌رنگ‌سازی برداشت‌های عامیانه و سطحی از آن به ویژه برای دختران.

۴) سیاستگذاری در حوزه جامعه‌پذیری، آموزش و تربیت جنسی: بهره‌گیری مناسب از همه ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و آموزشی کشور (اعم از حوزوی و دانشگاهی) جهت ارتقای فرهنگ تربیت و سلامت جنسی در جامعه اسلامی.

۵) سیاستگذاری در حوزه ازدواج و خانواده در جامعه ایران: رفع موانع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در حوزه ازدواج با تأکید بر تأمین نیاز جنسی در بستر خانواده.

۶) سیاستگذاری در حوزه اوقات فراغت و امر جنسی: اصلاح نگرش عمومی به کارکردهای اوقات فراغت و گذر از لذت‌جویی به سمت شادمانی پایدار و تعالی معنوی.

۷) سیاستگذاری در حوزه اقلیت‌های جنسی با تأکید بر همجنس‌گرایی: گسترش نهادها و مؤسسات مرتبط با امر جنسی به ویژه مراکز تخصصی و نهادهای مردمی مقابله با اقلیت‌های جنسی.

۸) سیاستگذاری در حوزه مد و لباس: طراحی و اجرای پیوست سلامت جنسی جهت ساماندهی بازار البسه و پوشاک از طراحی و تولید تا توزیع و مصرف در جامعه.

۹) سیاستگذاری در حوزه جنبش‌های فمینیستی با تأکید بر امر جنسی: تقویت و توسعه گفتمان دینی در دفاع از حقوق زنان و مقابله با جنبش‌های فمینیستی.

۱۰) سیاستگذاری در حوزه اقتصاد جنسی: برنامه‌ریزی راهبردی و کنترل شدیدتر در زمینه تولید و عرضه خدمات و کالاهای جنسی اعم از فحشا و توریسم جنسی، سرگرمی‌ها، هرزه‌نگاری، توزیع و مصرف ابزارآلات جنسی و حتی لوازم آرایشی، سقط جنین و جراحی زیبایی.

۱۱) سیاستگذاری در حوزه مقابله با جبهه معارض: مقابله هوشمندانه با ترویج الگوهای غربی روابط جنسی در عین نظارت و کنترل بر فرآیند واردات، تولیدات و پخش و توزیع محصولات و کالاهای فرهنگی هنری از منظر زیست جنسی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی.

تدوین نگاهت نهادی سیاست‌های پیشگیری

و مواجهه با انقلاب جنسی

برای اینکه سیاست‌های پیشنهادی اجرا شوند و اثر خود را بر نظام اجتماعی بگذارند، باید نقش نهادها و سازمان‌های گوناگون حاکمیتی و دولتی در مواجهه و مقابله با انقلاب جنسی در ایران روشن و مشخص شود و این نهادها و سازمان‌ها برای این امر، به صورت همسو و هماهنگ بسیج شوند.

این اتفاق با استفاده از «تدوین نگاهت نهادی سیاست‌های پیشگیری و مواجهه با انقلاب جنسی» صورت می‌پذیرد و به تناسب وظایف و مسئولیت‌های نهادهای مختلف دولتی و حاکمیتی، نقش و وظیفه آنها در راستای تحقق سیاست‌های مختلف مبارزه با انقلاب جنسی مشخص

سیاست‌ها و راهبردهای حاشیه‌نشینی در ایران با تأکید بر مسئله اعتیاد



سجاد هجری



اندیشکده پایا

چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

این پژوهش در بخش نگارش

نظر شورای علمی

از انسجام مناسبی برخوردار است و در مقام تحلیل ابعاد مختلف مسئله، به خوبی عمل کرده است. پیشنهادات آن برای موضوع حاشیه‌نشینی مناسب است اما روش‌شناسی آن به خوبی مشخص نیست.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

حاشیه‌نشینی، چالش بزرگی است که چاره‌اندیشی درباره آن نیازمند اراده همگانی است. حاشیه‌نشینی آسیب‌های بسیاری دارد. بزرگترین معضل آن سستی نظام خانواده است و مسئله اعتیاد از آسیب‌های آن به شمار می‌آید که ارتباط تنگاتنگی نیز با نظام خانواده دارد. بسیاری از نهادهای عمومی و خصوصی برای حل این چالش به تکاپو افتاده‌اند؛ ولی هنوز موفقیتی به دست نیامده است. ارائه سیاست، راهبرد و راهکار برای پیشگیری از حاشیه‌نشینی و درمان آن در کشور، نیازمند دانش نظری عمیق در موضوعات گوناگون علوم انسانی مانند «مدیریت»، «جامعه‌شناسی» و «روانشناسی» است.

در این راستا، همراهی حکومت و مردم در همه مراحل ضروری است. بدون شک، عزم دولت برای حل این مسئله لازم است و باید این مهم را پیوسته از دولت مطالبه کرد. حل این مسئله به «امید» و «اعتماد» مردم برمی‌گردد؛ زیرا بدون این دو ویژگی، مردم به سیاست‌های حکومتی و دولتی سوءظن دارند و در اجرای آن همراه نمی‌شوند. همراهی مردم با اقلان عقلانی آن‌ها و به‌ویژه حل مسئله اعتیاد با ایجاد اشتغال محترمانه برای معتادان، می‌تواند بسیار اثرگذار باشد.

●● مردم حاشیه‌نشین و حاشیه‌نشینی زدایی

همه سیاست‌ها و راهبردهای حل مسئله حاشیه‌نشینی، باید مبتنی بر تصمیم‌سازی حاشیه‌نشینان و اقلان آنان درباره سیاست و راهبرد تصویب‌شده و اجماع بر آن باشد. حتی قبل از تصویب این سیاست‌ها باید نظام مسائل حاشیه‌نشینی با مشارکت حاشیه‌نشینان تدوین و دستور کار آن نیز می‌بایست با ملاحظه آرای ایشان انجام شود.

اجرا و تحقق سیاست راهبردها با «اراده» و «قدرت» خود حاشیه‌نشینان ممکن است و باید اراده و همت حاشیه‌نشینان را تقویت کرد و حتی به آن‌ها امید بخشید. در این راستا، بیش از هر چیز، باید اعتماد حاشیه‌نشینان را به سیاستگذاران ایجاد کرد یا افزود؛ زیرا اگر این اعتماد نباشد، حاشیه‌نشینان با سیاستگذاران همراهی نمی‌کنند.

●● همراه‌سازی مردم با سیاست‌های حاشیه‌نشینی

زدایی

بزرگ‌ترین معضل در بسیاری از حاشیه‌نشینی‌ها نابودی یا سستی «نظام خانواده» است که خود معلول برخی علت‌ها است. از آسیب‌های حاشیه‌نشینی می‌توان به فقر، قاچاق، نزاع، خشونت، کودکان کار و «اعتیاد» اشاره کرد.



ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، با مشکل حاشیه‌نشینی درگیر است. این مسئله ریشه در مهاجرت مردم روستاها و شهرهای کوچک به حاشیه شهرهای بزرگ دارد. این مهاجرت‌ها آسیب‌های فراوانی مانند قاچاق، چرخه فقر، تنازع، خشونت، کودکان کار و اعتیاد را در جامعه به وجود می‌آورند.

مسئله اعتیاد یکی از آسیب‌های حاشیه‌نشینی است که از دیگر آسیب‌ها تأثیر می‌پذیرد، به همین دلیل نیازمند توجه بیشتری است. تدوین سیاست برای درمان حاشیه‌نشینی و پیشگیری از آن نیازمند دانش عمیق در رشته‌های مختلف علوم انسانی است و باید با توجه به دو نوع حاشیه‌نشینی بومی و غیربومی تدوین شود.

و «روحانیت» یکی از سیاست‌های ادغام است. با پیوند زناشویی میان حاشیه‌نشینان و شهرنشینان به شرط «هم‌تایی» می‌توان پدیده ذهنی-عینی «مرکز-حاشیه» و «اختلاف طبقاتی» را در جامعه کم‌رنگ کرد.

● **خواهرخواندگی:** در راستای سیاست ادغام می‌توان از سیاست «خواهرخواندگی» مناطق فرادست و فرودست بهره برد که مبتنی بر مشارکت فعال مردم است. در این سیاست، دو محله فرادست و فرودست می‌توانند با مواجهه، تعامل و ارتباطات صمیمی شوند و برنامه‌های مشترکی برگزار کنند و راهبردهایی را برای «انسجام» به کار گیرند.

● **توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی:** ادغام نشدن حاشیه‌نشینان در شهر علت‌های اقتصادی و شاید اجتماعی-فرهنگی دارد؛ در این راستا، باید حاشیه‌نشینان بومی را از نظر اقتصادی و همچنین فرهنگی-اجتماعی با شهر و زندگی شهری «سازگار» کرد و آنان را در این موضوعات توانمند ساخت.

●● اشتغال محترمانه و ترک پایدار اعتیاد

برخی از مناطق تهران مانند «دروازه غار» با چالش بسیار آسیب‌زای «تجمع معتاد متجاهر» روبه‌رو است که چهره زشت و زنده‌ای دارد که خود موجب افزایش اعتیاد می‌شود؛ چراکه «قیح» آن را بیشتر می‌شکند و «جرأت» معتادان را نیز افزایش می‌دهد و برای بینندگان و رهگذران و به‌ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان از وجوه گوناگون، بسیار خطرناک یا حداقل، روان‌آزار است.

در راستای حل مسئله «تجمع معتاد متجاهر» و به‌ویژه برای ترک پایدار اعتیاد، «اشتغال» از جایگاهی بنیادین برخوردار است. در چرخه ترک پایدار اعتیاد، اشتغال محترمانه معتاد بعد یا به هنگام ترک، بسیار مهم است و زمینه‌ساز هویت‌بخشی به معتاد در راستای روحیه‌دهی او برای ترک پایدار و بازگشت به جامعه می‌شود.

معتادان دروازه غار که بیشترشان کارتن‌خواب هستند، به کار زباله جمع‌کنی مشغول‌اند. کار جمع‌کنی و تفکیک زباله برای «محیط زیست» و حتی اقتصاد مفید است؛ از این رو، می‌توان با رسمی کردن این کار، شغل کاذب آن‌ها را مشروعیت بخشید و یکی از پردیس‌های سلامت را به گونه‌ای سامان‌دهی کرد که این کار در آن انجام پذیرد.

جمع‌بندی

مسئله حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، آسیب‌های بسیاری در جامعه به دنبال دارد که می‌توان به سستی و یا نابودی نظام خانواده و مسئله اعتیاد اشاره کرد. در زمینه حاشیه‌نشینی‌های غیربومی، راهبردها باید به کاهش جاذبه‌ها و افزایش دافعه‌های مقصد و بالعکس افزایش جاذبه‌ها و کاهش دافعه‌های مبدأ، منجر شود. در زمینه حاشیه‌نشینی‌های بومی نیز سیاست ادغام بسیار راهگشا خواهد بود. اقناع عقلانی مردم برای نقش‌آفرینی در موضوع حاشیه‌نشینی و مسئله اعتیاد و افزایش اعتماد و امید آن‌ها در جامعه ضروری است. همچنین با حل مسئله معتاد متجاهر و ایجاد اشتغال محترمانه و تدبیر پردیس‌های سلامت با درهای باز برای ترک اعتیاد پایدار، می‌توان بسیاری از معضلات حاشیه‌نشینی را کاهش داد.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده پایا توسط سجاد هجری در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

در این میان، اعتیاد که با دیگر آسیب‌ها هم‌بستگی دارد، نیازمند توجه و چاره‌اندیشی بیشتری است.

یکی از مهمترین الزامات سیاست «ترک اعتیاد پایدار» و «بازگشت معتاد به جامعه» و به ویژه چاره «تجمع معتاد متجاهر»، درگیر و همراه کردن درست و خردمندانه «مردم» با این سیاست‌ها است. باید مردم را در این راه بسیج کرد و کمک به اجرای این سیاست را در دستور کار آن‌ها قرار داد. این کار تنها با «تهییج» و «برانگیختن عاطفه» مردم انجام نمی‌شود؛ زیرا پایداری ندارد و باید در کنار بهره‌گیری از احساسات و هیجانات، مردم را درباره این امر توجیه عقلانی کرد.

باید مردم به وظیفه و تکلیف‌شان نسبت به این افراد آگاه شوند. بدین منظور باید از مفاهیم «نوع دوستی»، «هموطنی»، «وطن‌پرستی»، «هم‌دینی/مذهبی»، «همسایگی»، «صله رحم»، «مواسات» و... که هم وجوه عقلانی و هم جهات احساسی دارند، برای این مهم استفاده کرد. به عنوان راهبردی ارزنده در راستای سیاست همراه کردن مردم، می‌توان آن‌ها را به سوی زندان‌ها، تیمارستان‌ها و پردیس‌های سلامت (کمپ‌های ترک اعتیاد) کشاند و «امکانات» چنین ملاقات‌ها و عیادت‌های مردمی را در این نهادها نیز فراهم کرد که به طور ویژه در پردیس‌های سلامت برای معتادان «هویت‌بخش» و «حرمت‌زا» است و «اراده» آنان را برای ترک پایدار افزایش می‌دهد و آنان را برای بازگشت همیشگی به جامعه و زندگی سالم اجتماعی آماده می‌کند.

●● توقف مهاجرت و مهاجرت معکوس

برای آنکه مهاجرت متوقف شود و مهاجرت معکوس صورت گیرد، سیاست‌ها و راهبردهایی نیاز است. خرده‌سیاست‌ها و راهبردهایی که برای توقف یا کاهش مهاجرت و افزایش میل به بازگشت نیاز است، به شرح زیر است:

- ۱ افزایش جاذبه و کاهش دافعه مبادی با رفع مشکل اشتغال و معضل منزلت؛
- ۲ ایجاد فناوری‌های پیشرفته سازگار با شرایط بومی؛
- ۳ «توانمندسازی»، احیا و توسعه هنرهای بومی؛
- ۴ سیاست «احساس تبعیض‌زدایی» ریشه‌دار در «تربیت»؛
- ۵ زنده کردن ارزش‌های «استقلال»، «تولید» و «قناعت» در «رسانه» و همچنین نمایش مزیت‌ها و فرصت‌های زندگی در مبادی و نمایش دشواری‌ها و تهدیدهای حاشیه‌نشینی؛
- ۶ «روستایی‌سازی» آموزش و پرورش در راستای روستایی‌ماندن روستاها با استفاده از «تربیت» مناسب و متناسب با محیط روستاها.

●● سیاست «ادغام»

در گونه بومی حاشیه‌نشینی که در آن امکان بازگشت به علت وابستگی و استعداد بازگشت وجود ندارد، باید سیاست ادغام در شهر یا «الحاق» به شهر در دستور کار قرار گیرد. از جمله سیاست‌های ادغام عبارتند از:

- **عادی‌سازی:** در سیاست عادی‌سازی، نهادهای دولتی و خصوصی شهری مانند دفاتر ثبت احوال و اسناد، پیشخوان دولت و بانک‌ها، در مناطق حاشیه‌نشین بنیان‌گذاری شده یا به این مناطق منتقل می‌شوند. رفت‌وآمد اقشار مختلف از نقاط مختلف شهر آبدانی اقتصادی و فرهنگی در این مناطق به دنبال دارد. بدین ترتیب، این مناطق از انزوا خارج شده و تفاوت آن با سایر مناطق شهر تا حدودی کم‌رنگ می‌شود.
- **ازدواج:** بهره‌گیری از «نظام خانواده» و همچنین استفاده از نهاد «مسجد»

بررسی مناقشات پیرامون پیامدهای اجتماعی بحران

شیوع کرونا



مهدی کاوه



پژوهشکده سیاست پژوهی
و مطالعات راهبردی حکمت

چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

این پژوهش در بخش‌های نگارش،

نظر شورای علمی

بیان مسئله، تحلیل و پیشنهادات دارای کیفیت متوسط و قابل قبولی است. روش‌شناسی به کار گرفته شده در انجام پژوهش به طور واضح مشخص نیست اما در مجموع پژوهش خوبی انجام شده است.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

پس از گسترش ویروس کرونا در چین و تبدیل آن به یک اپیدمی، این بیماری سر از سایر نقاط جهان در آورد و به پاندمی تبدیل شد و تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی را با چالش مواجه کرد. بدین معنا که اگر کرونا، ابتدا یک پدیده زیستی بود، حال دیگر تبدیل به پدیده‌ای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... شده و مناقشات بسیاری در این زمینه‌ها به وجود آورده است.

در این پژوهش صرف نظر از مناقشات زیستی، اقتصادی و سیاسی کرونا، توجه اصلی بر مناقشات پیرامون پیامدهای اجتماعی کرونا است و سعی خواهد شد که ضمن دآوری در خصوص این مناقشات و روشن کردن زوایای آشکار و پنهان موضوع، سناریوهای محتمل‌تر را مشخص و برای آن توصیه‌هایی ارائه شود.

بدین منظور لازم است که موضوعات مورد مناقشه را در یک سری زمانی، شامل پیشاکرونا، عصر کرونا و پساکرونا بررسی کرد، تا ضمن مشخص شدن روند تغییرات، اثرگذاری کرونا ملموس‌تر شود. از میان بحث‌های صورت گرفته در این خصوص، مناقشه بر سر سه مسئله «مناقشه اعتماد/بی‌اعتمادی اجتماعی»، «مناقشه همبستگی/خودآیینی»، «مناقشه تحکیم/زوال خانواده» اساسی‌تر و بحث‌برانگیزتر بوده است. بر این اساس، در ادامه به بررسی این سه مناقشه پرداخته می‌شود.

●● مناقشات کرونایی پیرامون اعتماد اجتماعی

یکی از مهم‌ترین مناقشات مطرح شده در عرصه عمومی پس از شیوع کرونا، تأثیرات این اپیدمی و البته عملکرد دولت و حاکمیت در سیاستگذاری آن بر مسئله اعتماد اجتماعی در جامعه ایران است. سؤال اصلی این است که شیوع و اپیدمی کرونا، اعتماد به نظام اسلامی و عملکرد آن را کاهش خواهد داد یا اینکه بالعکس، حتی آن را تقویت خواهد کرد؟
عده‌ای عقیده دارند که در ادامه زنجیره بی‌تدبیری‌ها، سیاستگذاری و نحوه مواجهه دولت با آن، موجبات بی‌اعتمادی را فراهم کرده است. در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند که کرونا سطح اعتماد اجتماعی و نهادی را ارتقا بخشیده است.



با توجه به پیچیدگی دنیای معاصر، مهم‌ترین ویژگی کرونا، سرایت گسترده آن نه از فرد به فرد بلکه از پدیده‌ای به پدیده دیگر است. بدین معنا که اگر کرونا، ابتدا یک پدیده زیستی بود، حالا تبدیل به پدیده‌ای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... شده و مناقشات بسیاری در این زمینه‌ها به دنبال داشته است.
مناقشات اجتماعی و فرهنگی کرونا مناقشاتی است که به دلیل بنیادی‌تر و زیربنایی‌تر بودن آن نسبت به سایر مناقشات از اهمیت اساسی برخوردار است.
این مناقشات بر سر سه مسئله اساسی‌تر و بحث‌برانگیزتر «مناقشه اعتماد/بی‌اعتمادی»، «مناقشه همبستگی/خودآیینی»، «مناقشه تحکیم خانواده و زوال خانواده» است.

● مناقشات کرونایی پیرامون انسجام و همبستگی اجتماعی

یکی دیگر از مناقشه‌های اساسی و بنیادی در خصوص پیامدهای اجتماعی کرونا، مناقشه انسجام و همبستگی اجتماعی و خودآیینی اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین تحلیل‌ها در خصوص پیامدهای اجتماعی کرونا، مربوط به حرکت جامعه ایران به سمت خودآیینی و بحران مشروعیت است. مدافعان این دیدگاه، با اشاره به زنجیره اتفاقات و بدآمدهای سال‌های اخیر و به ویژه سال ۹۸ از قبیل سیل و زلزله و شهادت سردار قاسم سلیمانی و فوت شهادت گونه تعدادی از هم‌میهنان در مراسم تشییع سردار و نهایتاً مقابله ضعیف در مقابل کرونا مدعی‌اند که اعتماد اجتماعی به شدت افول پیدا کرده و به دنبال آن بحران مشروعیت برای نظام و قدرت حاکم حادث شده است. اما در سوی دیگر کسانی قرار دارند که مدعی‌اند علی‌رغم تمامی این اتفاقات ناگوار، اما اپیدمی کرونا به جهت آنکه تبدیل به مسئله‌ای ملی شد و قاطبه مردم فارغ از هرگونه جناح‌بندی سیاسی، قومی، مذهبی و ... خواستار مقابله با آن بودند، نهایتاً منجر به همبستگی بیشتر مردم شده و گروه‌های مختلف را گرد هم جمع خواهد کرد. از منظر این گروه، کرونا و همبستگی به وجود آمده در پی اپیدمی کرونا می‌تواند به عنوان یک فرصت، الگویی باشد برای مقابله با سایر بحران‌ها از جمله مقابله با تحریم‌های ظالمانه، تا همه گروه‌های سیاسی، قومی، مذهبی و ... با کنار نهادن اختلافات و تکیه بر منافع ملی به مقابله با مشکلات گسیل شوند.

● مناقشات کرونایی پیرامون تحکیم یا زوال خانواده

سازمان بهداشت جهانی کماکان ماندن در خانه را بهترین شیوه مقابله با کرونا می‌داند و با توجه به احتمال به وجود آمدن مجدد پیک‌های اپیدمی و بالتبع خانه‌نشینی مجدد، ضرورت توجه به این مسئله بیش از پیش احساس می‌شود. اما اینکه این در خانه ماندن چه پیامدهایی برای خانواده خواهد داشت، موضوع مورد مناقشه صاحب‌نظران بوده است. به عقیده برخی از کارشناسان، در خانه ماندن و مواجهه طولانی مدت اعضای خانواده با یکدیگر، منجر به تحکیم بنیان خانواده می‌شود و به طور کلی، پیامدهای مثبتی برای خانواده در پی خواهد داشت. از نظر این گروه، در خانه ماندن به عنوان فرصتی استثنایی در جهت تقویت تعاملات اعضای خانواده و تقویت بنیان آن عمل می‌کند، گفتمان خانواده را تداوم خواهد بخشید و موجب کشف دوباره خانواده خواهد شد. اما به عقیده گروه دیگری از اندیشمندان، خانه‌نشینی طولانی مدت می‌تواند منجر به خشونت و اختلافات خانوادگی شده و در مواردی حتی از هم گسیختگی خانوادگی را به دنبال داشته باشد. این گروه با اشاره به گزارش‌های دریافتی از کشورهای دیگر و افزایش آمار خشونت در آن کشورها، در خانه ماندن در جامعه ایرانی را نیز آستان چنین اتفاقاتی می‌دانند. در جانب‌داری‌ها کفه ترازو به سمت دیدگاه گروه دوم بیشتر است.

● توصیه‌ها و پیشنهادات سیاستی

در این پژوهش دو دسته راهکار سیاستی تحت عنوان‌های توصیه‌های سیاستی و پیشنهادات سیاستی ارائه می‌شود. برخی از مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی عبارتند از: «استفاده از ظرفیت اعتماد اجتماعی در سطح خرد و تقویت مشارکت‌های مردمی و نهادهای مدنی در راستای افزایش اعتماد در سطوح متوسط و کلان»، «تلاش در جهت افزایش اعتماد مخاطب به رسانه ملی»، «سیاست‌زدایی از مسئله سلامت» و «نیازسنجی در سلامت و سیاست‌گذاری در این خصوص با تأکید بر نظام توزیع و دسترسی عادلانه به امکانات سلامت محور». همچنین برخی از مهم‌ترین پیشنهادات سیاستی این پژوهش عبارتند از: «استفاده از تجربه موفق بسیج و هیئات مذهبی در تقویت نهادهای مردمی برای فعالیت و مشارکت»، «تقویت سازوکارهای شفافیت در نظام سلامت و اطلاع‌رسانی سلامت به منظور تقویت سطح اعتماد اجتماعی»، «اتخاذ سیاست‌های تشویقی در قالب برگزاری مراسم بزرگداشت و تکریم مدافعان سلامت» و «تدوین برنامه‌هایی برای ارتقای سطح نشاط اجتماعی و امید به آینده».

جمع‌بندی

در این گزارش، پس از شناسایی و بررسی مناقشات پیرامون پیامدهای اجتماعی کرونا، و تحلیل هر یک از مسائل مورد مناقشه، پیامدهای عنوان شده با دو نوع نگاه خوشبینانه و بدبینانه مورد بررسی قرار گرفت. به طوری که هر کدام بر بخشی از واقعیت متمرکز بودند و سعی کردند آن مسئله را برجسته‌تر از واقعیت نشان دهند. در صورتی که نگاه و تحلیل جامع‌تر زمانی اتفاق می‌افتد که با ابتناء به هر دو نگاه خوش بینانه و بدبینانه صورت پذیرد. همچنین اثرات و پیامدهای کرونا بر پدیده‌های اجتماعی را باید به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم مدنظر قرار داد. از این رو با توجه به اهمیت مسئله اقتصاد در جامعه امروزی ایران، انتظار می‌رود که اثرپذیری غیرمستقیم پدیده‌های اجتماعی از اپیدمی بیشتر از اثرپذیری مستقیم باشد.

درباره پژوهش

این مطالعه در پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت توسط مهدی کاوه در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

بررسی برنامه اقدام جهانی سازمان ملل برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی



اسماعیل نوده فراهانی



مرکز پژوهش‌های مجلس

چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

مبنای اصلی این پژوهش گزارش

نظر شورای علمی

و برنامه سازمان ملل است که برای پرداختن به مسئله مهم بی‌تابعیتی مناسب است. در این پژوهش ذیل این برنامه، پیشنهاداتی مناسبی برای سیاستگذار در راستای حل این مسئله ارائه شده است.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

مسئله بی‌تابعیتی یک هنجار بزرگ جهانی به شمار می‌آید. افراد بسیاری در سرتاسر جهان به خاطر همین موضوع با مشکلات گسترده‌ای روبه‌رو هستند. عدم تفکیک میان مفاهیم اقامت و تابعیت در کشور ما از یک سو، سبب شده است تا سیاستگذاری حوزه مهاجرت با مشکلاتی مواجه شود و از سوی دیگر، اعطای نسنجیده تابعیت می‌تواند از لحاظ امنیتی مشکلاتی را برای کشور به وجود آورد. لذا با توجه به ضرورت مسئله بی‌تابعیتی، در این پژوهش برنامه اقدام جهانی برای پایان بی‌تابعیتی بررسی خواهد شد.

●● مسئله بی‌تابعیتی

یک فرد بی‌تابعیت کسی است که ملیت او تحت قوانین تابعیت هیچ دولتی شناخته نمی‌شود. حداقل ۱۰ میلیون نفر افراد بی‌تابعیت در سرتاسر دنیا وجود دارد. افراد بی‌تابعیت از بسیاری از حقوق خود مانند داشتن اسناد هویت، اشتغال، تحصیلات و خدمات بهداشتی محروم هستند. طبق قوانین بین‌المللی برای کاهش بی‌تابعیتی، دولت‌ها، قوانینی برای اعطا، تغییر و لغو تابعیت تنظیم می‌کنند. در همین راستا، کنوانسیون‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۶۱ در خصوص حمایت و پیشگیری از بی‌تابعیتی بنا شده‌اند.

به دلیل مشکلات متعددی که برای افراد بی‌تابعیت در سراسر جهان وجود دارد، برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی تهیه شده است. این اقدامات شامل حل مسائل مهم بی‌تابعیتی، اطمینان از به دنیا آمدن کودکان با تابعیت، حذف تبعیض جنسیتی از قوانین تابعیتی کشورها، جلوگیری از رد درخواست تابعیت، از دست دادن یا محرومیت از تابعیت به دلیل موضوعات تبعیض‌آمیز و غیره می‌شود. با اجرای برنامه اقدام جهانی، مدیریت شایسته و اجرای مؤثر آن، می‌توان امیدوار بود بی‌تابعیتی طی یک دهه پایان یابد.

●● اقدامات لازم برای پایان بی‌تابعیتی

برنامه اقدام جهانی برای پایان بی‌تابعیتی در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ با حمایت کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، با وجود موانع در اجرای این اقدامات، یک چارچوب راهنما تهیه کرده است. این چارچوب شامل ۱۰ اقدام است که دولت‌ها انجام می‌دهند و به شرح ذیل است:

- ① حل مسائل موجود بی‌تابعیتی؛
- ② اطمینان از به دنیا نیامدن هیچ کودک بی‌تابعیتی؛



افراد بی‌تابعیت از بسیاری از حقوق خود مانند داشتن اسناد هویت، اشتغال، تحصیلات و خدمات بهداشتی محروم هستند. به همین دلیل، طبق قوانین بین‌المللی، دولت‌ها قوانینی را در خصوص تابعیت تنظیم می‌کنند. اختیار دولت‌ها در خصوص تابعیت، با معاهدات بین‌المللی که عضوی از آن هستند، محدود می‌شود. برنامه اقدام جهانی، با حمایت‌های کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی، یک چارچوب راهنما تهیه کرده است که شامل ۱۰ اقدام دولت‌ها طی ۱۰ سال می‌شود. در کشور ما سیاستگذاران می‌توانند با استفاده از این برنامه و با توجه به شرایط کشور، خلأهای مربوط به اقامت و تابعیت را برطرف کنند.

واگذار می‌شود؛ امری که می‌تواند به نوعی راه نفوذ دولت‌های بیگانه را در کشور تسهیل بخشد.

همچنین یکی دیگر از ایده‌های اصلی و مفید این برنامه برای ایران این است که پیگیری‌ها و هماهنگی‌های لازم برای اطمینان از کسب تابعیت پدری توسط فرزندان مهاجران به ایران انجام شود.

در چارچوب توافقنامه‌های سه‌جانبه میان کشورهای مهاجران، ایران و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل از بازگرداندن تابعیت به پناهندگان و بازگشت مهاجران، حمایت شود. همچنین بایستی الزامات و مراحل قانونی صریح و روشن برای اعطای تابعیت تعیین شود.

در مورد سوم، تعیین تعداد سال‌های اقامت یا هزینه‌های درخواست تابعیت ضروری است. بر این اساس، شفافیت و روند قانونی اعطای تابعیت مهم‌تر از سختی یا راحتی آن است. در صراحت و مراحل قانونی اعطای تابعیت، نکات زیر باید مدنظر باشد:

- ایجاد زمینه لازم برای دسترسی افراد متقاضی اخذ تابعیت ایران به امکانات اولیه آموزشی، بهداشتی و درمانی، سکونت و...
- ایجاد زمینه برای برنامه‌ریزی و ساماندهی آسیب‌های احتمالی از طریق آمار و اطلاعات مربوط به وضعیت جمعیت‌های بی‌تابعیت.
- اجتناب از روش‌های پرزحمت، طولانی و ایجاد شرایط دشوار برای متقاضیان دریافت تابعیت.
- صدور اسناد تابعیت برای افراد دارای صلاحیت.

جمع‌بندی

کمیساریای عالی سازمان ملل برنامه‌های ۱۰ساله اقدام جهانی را برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی در جهان تدوین کرده است. این برنامه در برخی از موارد با دخالت در قوانین داخلی به دنبال حل مسئله بی‌تابعیتی است. این پژوهش با تحلیل این برنامه، به دنبال تبیین ایده‌های خوب و بیان نقاط چالش برانگیز برای حل مسئله بی‌تابعیتی در ایران است تا بتوان در راستای آن برای این مسئله سیاست‌های درستی اتخاذ کرد.

یکی از ایده‌های اصلی و مفید این برنامه برای ایران این است که پیگیری‌ها و هماهنگی‌های لازم برای اطمینان از کسب تابعیت پدری توسط فرزندان مهاجران به ایران انجام شود.

همچنین در چارچوب توافقنامه‌های سه‌جانبه میان کشورهای مهاجران، ایران و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل از بازگرداندن تابعیت به پناهندگان و بازگشت مهاجران، حمایت شود. ضمناً بایستی الزامات و مراحل قانونی صریح و روشن برای اعطای تابعیت تعیین شود.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری اسماعیل نوده فراهانی و حسین ترقی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

۳ حذف تبعیض جنسیتی از قوانین تابعیتی کشورها؛

۴ جلوگیری از رد درخواست تابعیت، از دست دادن یا محرومیت از تابعیت با زمینه‌های تبعیض آمیز؛

۵ جلوگیری از بی‌تابعیتی در جریان تغییر دولت‌ها؛

۶ اقدام به حمایت مالی از مهاجران بی‌تابعیت و تسهیل امکان کسب تابعیت؛

۷ اطمینان از ثبت تولد برای جلوگیری از بی‌تابعیتی؛

۸ صدور اسناد تابعیت برای افراد دارای صلاحیت؛

۹ پیوستن به کنوانسیون‌های افراد بی‌تابعیت در سازمان ملل متحد؛

۱۰ بهبود داده‌های کمی و کیفی در مورد جمعیت افراد بی‌تابعیت.

تحلیل برنامه اقدام جهانی و ارائه پیشنهاداتی

جهت سامان دادن مسئله بی‌تابعیتی در ایران

اقدامات سازمان ملل در حمایت از افراد بی‌تابعیت می‌تواند به منزله مداخله مثبت یا منفی در مسائل کشورهای مختلف، از جمله ایران تلقی شود. ایجاد کمپین‌هایی برای کمک به افراد بی‌تابعیت، حمایت از تأسیس و فعالیت برخی گروه‌های مدنی، برگزاری گردهمایی‌های چندجانبه، تلاش برای استقرار تیم‌های سیار و... نمونه‌ای از این دخالت‌ها است.

همچنین برخی از مفاد این برنامه شفافیت لازم را ندارد. برای مثال، در برخی موارد از کلماتی مانند «دولت‌های خاص و تعهدات مربوطه» استفاده شده که مصادیق آنها هرگز به صراحت بیان نشده است. همچنین درباره بزرگ‌ترین «جمعیت آواره جهان» یعنی شهروندان فلسطینی و افغان که برخلاف بهره‌مندی بالقوه از تابعیت، از حقوق اولیه انسانی خود محروم هستند، سخنی نگفته است.

در خصوص مسئله برابری حقوق زنان و مردان در اتخاذ تابعیت برای فرزندان، باید به این نکته توجه داشت که اتخاذ هر تصمیمی در این حوزه تبعات فرهنگی، سیاسی، امنیتی خاصی برای کشور به دنبال دارد. یکی از اولین تبعات پذیرش این اقدام، می‌تواند افزایش مهاجرت دختران ایرانی مجرد به خارج از کشور باشد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید رویکرد خود را مطابق موازین عقلی و شرعی تبیین کند.

عدم تفکیک میان مفاهیم اقامت و تابعیت در کشور ما موجب شده است تا سیاست‌گذاری در حوزه مهاجرت فضای مناسبی نداشته باشد. در نتیجه، افراد از حقوق اقامتی خود برخوردار نمی‌شوند. از این رو، شایسته است که بنا به اهداف متفاوت مهاجران، انواع متنوعی از اقامت همچون اقامت دائم و موقت نظیر اقامت کاری، تحصیلی، فعالیت فرهنگی و صلح‌طلبانه، خدمات علمی - پژوهشی و... تعیین شده و حدود وظایف و اختیارات آن روشن شود.

اعطای نسنجیده تابعیت می‌تواند از لحاظ امنیتی مشکلاتی را برای کشور به وجود آورد. زیرا اعطای تابعیت به هر شخصی، حق دریافت و مطالبه همه حقوق تصریح‌شده در قانون اساسی و حقوق مدنی از جمله تحصیلات، درمان و تربیت بدنی رایگان و نیز مواردی نظیر تسهیل ازدواج، اشتغال و حتی یارانه نقدی را فراهم می‌کند.

در نتیجه، با این اقدام به افرادی که در فرهنگ‌های متفاوت رشد یافته‌اند، امکان حضور در انتخابات، شرکت در فعالیت‌های مدنی، برگزاری تجمعات و حتی دادخواهی در سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی

ارائه مدلی مبتنی بر آموزه‌های دینی جهت ترک اعتیاد



محمدحسن وکیلی



موسسه مطالعات راهبردی
علوم و معارف اسلام

چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

پژوهش دارای نوآوری در

نظر شورای علمی

انتخاب رویکرد در جهت ورود به حل معضلات فرهنگی و اجتماعی است همچنین از ویژگی‌های بارز این پژوهش طرح ابعاد مختلف و گزارشی از رویکردهای مختلف حل مسئله است.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

برای شناختن موضوع «اعتیاد»، باید حالت طبیعی انسان را شناخت؛ خصوصیات معتاد را بررسی کرد و عوامل پدید آمدن اعتیاد را کشف نمود. از آنجایی که مفهومی شفاف از ترک اعتیاد در ذهن ما وجود ندارد؛ برخی تصور می‌کنند که ترک اعتیاد به حالتی اطلاق می‌شود که فرد هیچ تمایلی به رفتارهای گذشته خود نداشته باشد. برخی دیگر معتقدند که ترک اعتیاد یعنی فرد تمایل به رفتارهای گذشته خود داشته باشد اما در مقابل آن مقاومت کند. در این پژوهش با بررسی راهکارهای منابع دینی برای ترک اعتیاد، یک مدل عملیاتی ارائه می‌شود.

●● اعتیاد و مدل پیشنهادی ترک آن

اعتیاد عبارت است از وابستگی به تکرار یک رفتار منفی، به گونه‌ای که بدون تغییر و تحولی خاص، نمی‌توان آن رفتار را ترک کرد. اعتیاد به زمانی اطلاق می‌شود که فرد برای تغییر و ترک آن، نیاز به کمک یک عامل بیرونی داشته باشد و اگر او را به حال خود رها کنیم، می‌دانیم که علی‌رغم آگاهی از نامطلوب بودن رفتار سابق و ناراحتی وجدانش از آن کار، مجدداً همان کار را انجام خواهد شد. در ادامه خلاصه‌ای از مدل ترک اعتیاد و راهبردهای اصلی همراه با برخی از راهکارها به عنوان نمونه ارائه می‌شود.

●● امیدآفرینی؛ نخستین قدم برای ترک اعتیاد

مرحله آغازین ترک اعتیاد در جامعه، جذب معتادان به مراکز ترک اعتیاد است. طبیعتاً وقتی معتاد تصمیم می‌گیرد اعتیاد خود را ترک کند، به سیستم ترک اعتیاد ورود می‌کند که این نقطه عطفی برای فرد به شمار می‌آید. این تصمیم، مقدمه‌ای تحت عنوان «تحصیل امید» یا «امیدآفرینی» دارد. باید گفت اصلی‌ترین مشکل معتادان، ناامیدی است و مریب باید در حد توان فرد را امیدوار کند. امیدآفرینی از دو مسیر «تکیه به قدرت الهی» و «ایجاد اعتماد به نفس» به دست می‌آید.

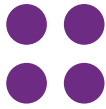
● تکیه به قدرت الهی

یک راه برای امیدآفرینی این است که شخص خود را به خدا متصل ببیند و بر اساس نامتناهی بودن قدرت الهی، امیدوار بشود که این کار شدنی است. یعنی بفهمد که قدرت خدا نامتناهی است و در رحمتش باز است و او هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد و اگر معتاد به خدا تکیه کند، قدرت بر هر کاری



فرد معتاد فردی سالم بوده است که در ابتدا اعتیاد نداشته و با حرکت کردن در مسیری خاص معتاد شده است. در منابع دینی راهکارهایی برای ترک اعتیاد ارائه شده که اولین مرحله آن، امیدآفرینی است؛ چراکه اساسی‌ترین مشکل معتادان، ناامیدی است. تکیه به قدرت الهی و اثبات امکان ترک اعتیاد از طریق توجه به توانمندی‌های معتادان، راهکارهای امیدآفرینی محسوب می‌شود.

دومین مرحله برای ترک اعتیاد، رفع مشکل ضعف اراده است که برای این منظور، باید موانع و مقتضیات خلاف اراده را رفع کرد، اراده را بالا برد و برای انجام کارهای ضداعتیاد، اراده ایجاد کرد.



پیدا می‌کند.

● افزایش اعتماد به نفس

امکان ترک اعتیاد از طریق توجه به توانمندی‌های معتاد نیز راهی دیگر برای امیدآفرینی است. شخص ناامید بر اساس مجموعه تجربیاتی که دارد، تصور می‌کند کاری ناشدنی است. باید تجربیات مثبتی را به او نشان داده و اثبات شود که این کار شدنی است.

برخی راهکارهای ایجاد اعتماد به نفس در معتاد شامل «مرور توانایی‌های گذشته و سوابق درخشان او در زندگی فردی»، «توجه به توانایی‌های دیگر افراد مشابه»، فعال کردن استعدادها و بالفعل و بالقوه فرد» و «برخوردهای خوب و احترام آمیز و دادن جایگاه اجتماعی به فرد» است.

● رفع ضعف اراده؛ دومین گام در جهت ترک اعتیاد

مرحله دوم برای ترک اعتیاد، رفع مشکل ضعف اراده است. برای رسیدن به این هدف در ابتدا باید عواملی را که میل به مواد مخدر ایجاد می‌کنند، از بین برد. یکی از این عوامل، کشش‌های جسمانی است که دلیل آن سمومی است که در بدن وجود دارد. روش‌های متفاوتی برای سم‌زدایی جسمی وجود دارد که برای انتخاب بهترین روش، باید به متخصصان مراجعه شود. عوامل روحی مانند افسردگی، شکست عاطفی، هجوم خاطرات منفی و امور اجتماعی مانند میل به همزنگی با دیگران نیز باعث افزایش میل به مواد مخدر می‌شود.

اساسی‌ترین مشکل معتادان ضعف اراده است. کسی که ضعف اراده دارد به راحتی می‌تواند به اعتیاد دچار شود و اعتیاد ضعف اراده او را قوی‌تر می‌کند. تقویت اراده به کمک دو عامل «افزایش آگاهی» و «تمرین» انجام می‌شود. راهکارهای متعدد و ساده‌ای در جهت تقویت اراده در این دو بخش وجود دارد از جمله «تکرار اذکار ساده به صورت منظم و مستمر»، «تقید به نماز اول وقت»، «نرمش و تمرین تمرکز از طریق حرکت‌های بدنی» و «ورزش‌های عددی».

علاوه بر این امور باید کارهایی را که جلوی اراده به خیر را می‌گیرد از بین برد. این محور را در چند بخش کلی می‌توان مورد بررسی قرار داد.

● تهذیب نفس

وقتی نفس ما با چیزی تناسب ندارد، اراده نسبت به انجام آن کار به حد محرک بودن نمی‌رسد. ترک اعتیاد، حرکتی به سوی خداوند است. به همین دلیل باید همه‌اموری که نفس را سنگین می‌کند و مانع حرکت می‌شود، کنار گذاشت. لذا باید یک دوره تهذیب نفس برای معتاد برگزار کرد.

● دفع شیاطین انسی و جَنّی

اغلب به تأثیر شیاطین انسی توجه می‌شود و از شیاطین جنّی غافل می‌شوند. راهکارهایی برای دفع وسوسه شیطان جنّی در متون دینی وجود دارد که باید در کمپ و در زندگی شخصی معتادان مراعات شود. برای مثال، کمپ باید این شرایط را داشته باشد: همکف باشد، حمام‌ها در اطراف خانه باشد، نظافت داشته باشد و زباله در آن جمع نشود، تار عنکبوت نداشته باشد و... مدیران و مربیان باید مواردی را رعایت کنند که عبارت‌اند از: دودکردن اسپند، بلند اذان گفتن و...

معتادان باید این موارد را رعایت کنند: مسواک زدن، طهارت‌های مستحب، استفاده از انگشتر عقیق و...

● تمرکز

ترک اعتیاد کاری دشوار است و به تمرکز نیاز دارد. معتاد باید مدتی با آرامش به این کار بپردازد و نباید با خاطرات منفی گذشته و غصه آینده، تمرکز خود را از دست بدهد.

● عشق به خدا و اولیای او

جهت ترک اعتیاد، باید تمایل معتاد را به انجام کارهایی که ضداعتیاد هستند، افزایش داد. افزایش عشق به خدا و اولیاء خدا یکی از این راهکارها است. به طور کلی، سه راه اساسی برای به دست آوردن عشق به خدا وجود دارد. «یادکردن نعمت‌ها و اوصاف جمالی خداوند»، «زنده نگه داشتن محبت در قلب» و «تهذیب نفس و مراقبه». علاوه بر مراقبه، خلوت داشتن شخص با خدا و اولیاء نیز بسیار تأثیرگذار است؛ لذا برنامه دعا و مناجات، خیلی سفارش می‌شود.

● محبت به دیگران

محبت به دوستان راهکاری دیگر است تا اراده فرد برای ترک اعتیاد افزایش یابد. محبت به دوستان، مربیان و خانواده و فعالیت‌های نتیجه‌بخش در پیوندهای اجتماعی، نوعی «اراده ضد» و از مهم‌ترین کلیدهای موفقیت در ترک اعتیاد محسوب می‌شود.

● گام نهایی؛ استمرار فرآیندهای ترک اعتیاد

آنچه تا به حال گفته شد، ناظر به مراحل ترک است؛ اما چارچوب کلی الگوی استمرار ترک نیز بر همین اساس تدوین می‌شود. تداوم ترک که از مهمترین بخش‌های ترک اعتیاد است متوقف بر ایجاد ارتباط پیوسته میان افراد با مربیان و نظارت مرکز درمانی بر شرایط جسمی و روحی، فردی و اجتماعی شخص معتاد است.

جمع‌بندی

در منابع دینی، راهکارهایی برای ترک اعتیاد تشریح شده است که امیدآفرینی و رفع ضعف اراده به ترتیب، مراحل ترک اعتیاد در این منابع به شمار می‌آیند. به منظور رفع ضعف اراده، راهکارهایی برای تقویت اراده وجود دارد که عبارت‌اند از: نماز اول وقت، تکرار ذکرهای ساده به طور دائم و... همچنین برای از بین بردن ضعف اراده باید موانع اراده رفع شود؛ به طور مثال می‌توان برای معتادان یک دوره تهذیب نفس برگزار کرد. سایر راهکارها برای رفع ضعف اراده، از بین بردن مقتضیات خلاف اراده و ایجاد اراده در معتاد برای انجام کارهای ضداعتیاد است.

درباره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام توسط محمدحسن وکیلی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

مستندنگاری شیوه‌های پرداخت حقوق بازنشستگان



مسعود کسرائی نژاد



موسسه راهبردی
بازنشستگی صبا

رفاه و تأمین اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی
در این پژوهش از روش تحلیل کیفی استفاده شده است که روش مناسبی به نظر می‌رسد. پژوهش مناسبی در خصوص تجربه‌نگاری است و ایده‌های خوبی را منتقل می‌کند.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

تغییر شیوه پرداخت حقوق افراد تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اجرایی صندوق در چارچوب مأموریت‌های آن طی دهه‌های گذشته بوده است. به طور کلی، همواره مسائل مالی در سازمان‌ها از جایگاه خاصی برخوردار بوده و حساسیت‌های زیادی در مورد آن‌ها در همه سطوح سازمانی وجود داشته است. بنابراین هر اقدامی که باعث تحول در نظام پرداخت‌ها شود، طبیعتاً با مشکلات بسیاری از مقاومت‌های درون سازمانی و برون سازمانی تا تحولات زیرساختی و آموزشی روبه‌رو خواهد شد.

اهمیت نحوه تصمیم‌سازی و فرآیند اجرایی از تصویب تا پیاده‌سازی کامل این مسئله، با وجود مشکلات فراوان، موجب شد تا ماهیت این مسئله بررسی شود. بدین طریق فرآیند اجرایی آن با شناسایی و دسته‌بندی مشکلات و نحوه مواجهه مدیران با آن‌ها ترسیم شد و در نهایت با آموختن از تجارب پیشین، درس‌گفتاری جهت تسهیل تصمیم‌سازی و پیاده‌سازی سیاست‌های حساس سازمانی برای مدیران آینده فراهم شد.

●● شیوه‌های پرداخت در صندوق بازنشستگی کشوری

اولین شیوه پرداخت در صندوق بازنشستگی کشوری به صورت علی‌الحساب بوده است. شیوه دوم را می‌توان پرداخت نیمه‌مستقیم نامید که چندان هم طولانی نبود. شیوه بعدی پرداخت مستقیم بود که از سال ۱۳۸۶ با پیاده‌سازی رسمی در آموزش و پرورش تهران آغاز شد و در سال ۱۳۹۵ با اجرا در استان خراسان رضوی به تکامل سراسری رسید.

●● پرداخت علی‌الحساب

در زمان آغاز به کار سازمان بازنشستگی از سال ۱۳۵۴، پرداخت مستمری بازنشستگان و وظیفه‌بگیران را خزانه‌داری کل کشور انجام می‌داد. در این دوران، این سازمان اطلاعات مالی مشخصی از کسورات دریافتی و مستمری پرداختی نداشت و امور واریز و برداشت با حساب خزانه انجام می‌شد. جهت پرداخت مستمری، ذی‌حساب دستگاه براساس محاسبات تعداد بازنشسته و حقوق آنان، مبلغ کلی بازنشستگان را وجه می‌کشید و از خزانه دریافت می‌کرد.

از مهم‌ترین مشکلات این دوره، طولانی بودن اعمال تغییرات در پرونده فرد بود. وضعیت نامناسب بایگانی به خصوص در استان‌ها، اتاق‌های بایگانی نامور، الزام به انتقال همه پرونده فرد به صندوق در تهران، پوسیدگی، پارگی و ناخوانایی احکام و بسیاری از سختی‌های دیگر، همگی یادآور دوران



هر مدیر دغدغه‌مندی به دنبال آن است تا روش‌هایی را برای ارتقای کارایی و اثربخشی فعالیت‌ها و رویه‌های سازمانی خود پیاده‌سازی کند. در حوزه مباحث نظری نیز طی سال‌های اخیر، مفاهیم جدیدی مطرح شده است که از میان آن‌ها، استفاده از ذخیره دانش (تجربیات) شکل‌گرفته در سازمان‌ها (فارغ از مالکیت و نوع فعالیت‌شان)، یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین مباحث است. در این خصوص تصمیم‌گیران سازمانی با به‌کارگیری اصول مدیریت دانش، از اثرات و فواید آن در افزایش کارایی و اثربخشی سازمان بهره می‌برند.

بهبود فرآیندهای خدماتی از جمله وام‌دهی به بازنشستگان»، «کمک به اقدامات ملی؛ نظیر پرداخت یارانه‌ها، سیستم‌های گردشگری» و... اشاره کرد.

درس‌گفتارهای آینده

راز موفقیت نظام پرداخت مستقیم را باید در گفت‌وگو و تعاملات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی دانست. بنابراین نخستین و کلیدی‌ترین توصیه، «توسعه ارتباطات» و برگزاری جلسات مشترک و آگاه‌سازی ذینفعان در حوزه‌های تخصصی مرتبط است. «برقراری ارتباط نظام پرداخت مستقیم با سایر سیستم‌ها» دومین توصیه است. با این اتفاق امکان حذف فرآیندهای اضافی، تسریع برقراری و پرداخت فراهم شده و تغییرات به صورت لحظه‌ای اعمال می‌شوند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مطرح در حوزه نظام پرداخت‌ها به‌روزرسانی اطلاعات مشترکین است. در این حوزه ثبت احوال و نهادهای بیمه‌ای به عنوان دو مرجع اصلی برای انجام استعلام‌ها و بانک در جایگاه سومین مرجع اطلاعاتی صندوق محسوب می‌شوند. تمرکز بر توسعه و بهبود این تعاملات هم از منظر حجم و هم از منظر سرعت به‌روزرسانی یکی از مهم‌ترین نیازهای آینده به حساب می‌آید.

عدم ضمانت اجرایی قوانین و برنامه‌ها از مشکلات اساسی بسیاری از نهادها است. برنامه‌های خوب و مؤثر بسیاری در کشور وجود دارد که به مرحله اجرا نرسیده یا در صورت اجرایی شدن به دلیل عدم توجه به همه ابعاد آن با شکست مواجه شده است. بنابراین تهیه برنامه‌هایی نظیر «نقشه راه»، «تصویب سازمانی» یا «تهیه آیین‌نامه‌های مرتبط برای الزام به اجرای آنان در برنامه زمانی مشخص در آینده» را می‌توان به عنوان یک اقدام حائز اهمیت توصیه کرد.

جمع‌بندی

تصمیم‌سازان سازمانی با بهره‌گیری صحیح از اصول مدیریت دانش، کارایی و بهره‌وری فرآیندها را افزایش می‌دهند که در نتیجه آن سازمان رشد خواهد کرد. تصمیم به تغییر در شیوه پرداخت حقوق بازنشستگان، که یکی از حوزه‌های اصلاح‌شدنی در تاریخ صندوق بازنشستگی کشوری بود، به دلیل وجود موانع و مشکلات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی بسیار، اقدامی دشوار به شمار می‌آید که به نوعی از مواجهه با آن خودداری می‌شد.

اما سرانجام از سال ۱۳۷۷، با ایجاد تغییرات ساختاری در صندوق این فرآیند آغاز و در سال ۱۳۹۵ در سطح ملی پیاده‌سازی شد. این فرآیند در دوران مختلف همواره با مشکلاتی نظیر مقاومت‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، کمبود پرسنل، تخلفات مالی دستگاه‌ها و شعب بانک، تأخیر در پرداخت‌ها و... مواجه بود.

در این پژوهش با بررسی جزئیات فرآیندهای طی شده و نقاط ضعف و قوت مربوط به آن‌ها، توصیه‌هایی برای تسهیل سیاست‌گذاری‌های آینده خصوصاً در موضوعات پرچالش و با حساسیت بالا ارائه شد که مهم‌ترین آنان را می‌توان تقویت تعاملات، بردباری و تبیین کامل مزایا و اهداف سیاست‌های موردنظر برای همه گروه‌های ذینفع دانست.

درباره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا توسط مسعود کسرائی‌نژاد در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

خاکستری و سخت نظارت نمایشی برای بازنشستگان و کارمندان سازمان است.

تحول سازمانی و آغاز پرداخت غیرمستقیم

از سال ۱۳۷۷، با تغییرات ساختاری در صندوق، نظام جدیدی در پرداخت حقوق بازنشستگان ایجاد شد. بزرگ‌ترین دست‌انداز مسیر پرداخت حقوق در این دوران، عدم وجود بانک اطلاعاتی مشترکین بود. اواخر دهه هفتاد با هماهنگی اداره کل درآمد و هزینه و شرکت بهور، نرم‌افزاری تحت عنوان پارادوکس طراحی و به مرور اطلاعات بازنشستگان در آن ذخیره شد. عدم شفافیت مالی و تأخیر در پرداخت، کندی به‌روزرسانی اطلاعات، ناهماهنگی اطلاعات صندوق با دستگاه‌ها به دلیل بی‌نظمی و عدم استمرار در استعلام‌ها و همچنین تخلفات برون‌سازمانی از جمله مشکلات این دوره بود.

پرداخت نیمه‌مستقیم

تا سال ۱۳۷۸، دستگاه مبلغ پرداختی را محاسبه و تقاضای وجه را اعلام می‌کرد. اما از آن سال به بعد، دومین تحول در این فرآیند ایجاد شد، به‌گونه‌ای که دستگاه تنها تقاضای وجه می‌داد و در واقع صندوق تعیین‌کننده مبلغ بود.

بهمن‌ماه ۱۳۸۰ پرداخت نیمه‌مستقیم با آموزش و پرورش آغاز شد و تا چند سال ادامه داشت. البته بخش مهمی از تعیین مبالغ همچنان مبتنی بر اطلاعات دستگاه‌ها بود و مشکل بانک اطلاعاتی صندوق همچنان ادامه داشت. این اتفاق هم‌زمان با شروع پرداخت مستقیم دستگاه‌های زیر ده نفر رخ می‌داد و به دوران پرداخت نیمه‌مستقیم معروف شد.

پرداخت مستقیم

سال ۱۳۸۶ را می‌توان آغاز رسمی و کامل نظام پرداخت مستقیم در استان تهران دانست، البته دوران پرداخت نیمه‌مستقیم و مستقیم از منظر تکامل تحولات و فرآیندها کاملاً پیوسته است.

در سال ۱۳۹۲، از یک سو، اعتراض‌های حساب‌ها اوج گرفته بود و از سوی دیگر، تجربه پیاده‌سازی چندساله نظام پرداخت مستقیم در دستگاه‌های استان تهران، به رفع خطاهای سیستمی و تقویت برنامه مربوط به آن منجر شده بود. در این سال، با پیگیری مسئولین بحث نظام پرداخت‌ها مجدداً در سازمان برجسته شد.

ابتدا استان البرز که در دوران پیشین به‌عنوان کرج و در زیرمجموعه استان تهران بخش مهمی از امور آن انجام شده بود، به ثمر نشست و پس از آن، استان گلستان فعال شد. بدین طریق به دستگاه‌های استانی اطلاع‌رسانی شد و ضمن فراهم‌سازی حساب‌ها و اطلاعات لازم، دوره‌های آموزشی ویژه‌ای نیز برای کارکنان صندوق و دستگاه‌ها در استان برگزار شد تا اینکه سرانجام پرداخت‌ها در استان نیز به صورت مستقیم و توسط صندوق صورت گرفت. فرآیند پیاده‌سازی استان تا سال ۱۳۹۵ طول کشید و در این سال با اجرا در استان خراسان رضوی طرح جامع کشوری به ثمر نشست.

مزایا و ویژگی‌های نظام پرداخت‌های مستقیم

از مزایا و ویژگی‌های نظام پرداخت مستقیم می‌توان به «کاهش و حذف تأخیر در پرداخت حقوق بازنشستگان»، «کوتاه‌سازی و تسهیل فرآیند اداری برقراری مستمری بازنشستگی»، «افزایش نظارت و کنترل بر وجوه صندوق»، «به‌روزرسانی مستمر اطلاعات و اعمال لحظه‌ای تغییرات»، «یکپارچگی اطلاعات در سراسر کشور و پایش مستمری»، «تسریع و

بررسی برخی از مواد قانون تأمین اجتماعی و حمایت از مادران شاغل



سعیده گراوند



موسسه عالی پژوهش
تأمین اجتماعی

رفاه و تأمین اجتماعی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی

این پژوهش به موضوع مهمی پرداخته است و حمایت از حق مادری زنان شاغل، موضوعی است که این گروه را برای رسیدگی به فرزندانشان کمک می‌کند. در بخش پیشنهادات به تغییرات در مواد قانونی سازمان پرداخته شده که باید سعی شود این موارد به مسئولین امر گوشزد شود.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

تأمین اجتماعی می‌کوشد تا شهروندان را در کنار یکدیگر نگه دارد و در شرایط ناگوار مانع خروج افراد از حیات اجتماعی شود. یکی از تلاش‌های آن، حمایت از حق مادری است. در حالی که تصور برخی بر آن است که اشتغال زنان و فرزندآوری در تناقض با یکدیگر است و زنان ناچار به انتخاب یکی از این دو نقش اجتماعی هستند، نهاد تأمین اجتماعی به سازگاری این دو نقش کمک می‌کند که این موضوع نابرابری اجتماعی و اقتصادی میان زنان و مردان را کاهش می‌دهد.

همچنین جایگاه خانواده در این شیوه از سیاستگذاری اجتماعی استحکام می‌یابد و بدین ترتیب، نهاد تاریخی خانواده با وجود تغییرات اقتصادی و اجتماعی پابرجا می‌ماند. با وجود نکات ذکرشده، اجرای سیاست اجتماعی مذکور عملاً با چالش‌هایی روبه‌رو است؛ چالشی دوگانه که در یک سوی آن، محدودیت منابع صندوق قرار دارد و در سوی دیگر، کفایت زمان و میزان مزایای اجتماعی حق مادری است.

از زمانی که موضوع مرخصی زایمان برای اولین بار مطرح شد تا آخرین تغییرات آن در دهه نود، بارها تغییراتی در میزان و مدت مزایا صورت گرفته است و سیاستگذاران متناسب با شرایط اجتماعی کشور، رویکردهایی اتخاذ کرده‌اند. در این پژوهش، وضعیت تدوین و اجرای مواد ۶۷، ۶۸ و ۶۹ قانون تأمین اجتماعی بررسی می‌شود.

●● حمایت از مادران شاغل

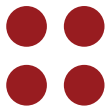
وضعیت زیستی خاص زنان، محرومیت‌های اجتماعی و فشار حاصل از نقش‌های متعدد، آن‌ها را به طور مضاعف در معرض مشکلات قرار می‌دهد. در واقع حمایت از مادران در محیط کار به معنای به رسمیت شناختن مشارکت زنان به صورت قانونی و اجتماعی است. با توجه به اصول قانون اساسی در مورد حقوق زنان، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک سند مرجع تصویب کرد.

در اسناد بین‌المللی نیز از حق مادری و الزامات مرتبط با آن حمایت شده است. برای مثال، طبق بند دوم ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: «مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت‌های خاص برخوردار شوند. در آن صورت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق و یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار باشند.»



وضعیت زیستی زنان، محرومیت‌های اجتماعی و... می‌تواند آن‌ها را بیشتر در معرض مشکلات قرار دهد. برخی معتقدند که اشتغال زنان و فرزندآوری با یکدیگر تناقض دارد و زنان باید یکی از این دو را انتخاب کنند. اما تأمین اجتماعی به سازگاری این دو نقش کمک می‌کند تا این موضوع سبب کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی میان زنان و مردان شود.

در واقع حمایت از مادران شاغل به معنای به رسمیت شناختن مشارکت زنان در جامعه است. موضوع مرخصی زایمان برای اولین بار در قانون کار سال ۱۳۲۵ مطرح شد و در آن به موضوعاتی از جمله مرخصی زایمان، کمک بارداری و... توجه شده است.



●● بررسی قوانین تصویب شده تأمین اجتماعی

موضوع مرخصی زایمان برای اولین بار در قانون کار مصوب سال ۱۳۲۵ مطرح شد. در این قانون به ایجاد مکانی که در آن مادران بتوانند به نوزادانشان شیر دهند، مرخصی ساعتی به منظور شیردهی به نوزادان شیرخوار، مرخصی زایمان و کمک بارداری توجه شده است. در این قانون، مدت زمان مرخصی زایمان دوازده هفته است که پرداخت بار مالی آن بر عهده کارفرما (پنجاه درصد) و صندوق تعاون کارگاه (پنجاه درصد) است.

دو سال پس از تصویب قانون کار، مدت زمان مرخصی زایمان به هشت هفته کاهش و فاصله زمانی مرخصی نیم‌ساعته برای شیردهی فرزندان از سه ساعت به سه ساعت و نیم افزایش یافت. باید توجه داشت که سهم کارفرما در پرداخت کمک بارداری به دو هفته کاهش یافت؛ اما سهم صندوق تعاون کارگاه، شش هفته باقی ماند. در سال ۱۳۳۱ لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی به تصویب رسید که مخاطبانش، کارگران زن بودند.

در این لایحه برای اولین بار، شرط یک سال سابقه خدمت در یک یا چند کارگاه به منظور استفاده از مرخصی زایمان و کمک بارداری مطرح شد. مرخصی زایمان در این قانون به شش هفته تنزل یافت. در این قانون، میزان پرداخت کمک بارداری نیز به حدود ۶۷ درصد کاهش یافت و تمام بار مالی آن بر عهده سازمان قرار گرفت.

طبق قانون الغای کلیه لوائح مصوب دکتر مصدق، لایحه ذکرشده پس از سه سال لغو شد و لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران در سال ۱۳۳۴ تصویب شد. طبق ماده ۵۰ لایحه تصویب‌شده، برای کارگران زن و زنان کارگران برخوردار از معاینه‌های طبی، کمک‌ها، معالجات لازم در حین زایمان و لباس نوزاد مشروط بود بر اینکه سابقه حق بیمه ۲۵۰ روز به مدت یک سال، پیش از وضع حمل پرداخت شده باشد. شرط پرداخت بیمه به مدت زمان مشخص، برای بهره‌مندی از این مزایا، اولین بار در این قانون مطرح شد.

باید توجه داشت که کارگران زن به شرط پرداخت حق بیمه ۱۰۰ روز کاری در طول یک سال پیش از وضع حمل می‌تواند از کمک بارداری برخوردار شود. مدت زمان مرخصی زایمان، همچنان شش هفته است اما میزان پرداختی از ۶۷ درصد به ۸۰ درصد افزایش یافته است. قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ برای اولین بار مخاطب دریافت کمک بارداری را بیمه‌شده زن و همسر بیمه‌شده مرد قرار داد.

میزان کمک بارداری دوسوم و به مدت دوازده هفته پرداخت می‌شود. با تصویب قانون ترویج تغذیه با شیر مادر در سال ۱۳۷۴، مدت زمان مرخصی زایمان برای مادران از دوازده هفته به چهار ماه افزایش یافت. ذکر این نکته لازم است که در این قانون برای اولین بار بحث حفاظت از شغل مادران پس از بازگشت به کار مطرح شد.

در سال ۱۳۸۶، این قانون دوباره اصلاح شد و مدت زمان مرخصی زایمان به شش ماه افزایش یافت. در سال ۱۳۹۲ برای آخرین بار مدت زمان مرخصی زایمان برای مادران تغییر کرد و طبق ماده واحده قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده، میزان آن به نه ماه افزایش یافت.

●● اقدامات پیشنهادی در جهت بهبود وضعیت

اجرای قانون تأمین اجتماعی

در ادامه پیشنهادهای به منظور رفع ابهام مواد ۶۷، ۶۸ و ۶۹ قانون تأمین اجتماعی تشریح شده است.

تفسیرپذیری ماده ۶۷ قانون تأمین اجتماعی یکی از مضامین مستخرج از مصاحبه با صاحب‌نظران به منظور شناسایی چالش‌های تدوین و اجرای این ماده است. سازمان تأمین اجتماعی بنیان پرداخت مزایای مرخصی زایمان را تنها بر «بیمه‌شده زن» بنا نهاده است؛ در صورتی که در این ماده به «همسر بیمه‌شده مرد» نیز اشاره شده است. مباحث زیادی حول ماده ۶۷ شکل گرفته است. اما سازمان تاکنون اقدام مؤثری برای حل این مسئله انجام نداده است.

ضرورت پیگیری برای اصلاح رویه موجود و ابهام‌زدایی از ماده ۶۷ می‌تواند وضعیت اجرایی این ماده را برای ذینفعان شفاف سازد و به ابهامات آن پایان بخشد.

همچنین بیش از ۴۵ سال از تصویب قانون تأمین اجتماعی می‌گذرد. در این مدت بخشی از ماده ۶۸ تحت عنوان «کمک‌ها» به ذینفعان تعلق نگرفته است. ماده ۶۹ قانون تأمین اجتماعی کاملاً اجرا نشده است. به منظور عدم کاهش مشروعیت سازمان نزد بیمه‌شده‌ها، باید وضعیت اجرایی این مواد تعیین تکلیف شود.

جمع‌بندی

تأمین اجتماعی در تلاش است میان اشتغال زنان و فرزندآوری سازگاری ایجاد کند تا بدین طریق نابرابری اجتماعی و اقتصادی بین زنان و مردان را کاهش دهد و بنیان خانواده مستحکم بماند. اما متأسفانه در این مسیر، چالشی دوگانه وجود دارد که در یک سو، محدودیت منابع صندوق و در سوی دیگر، کفایت زمان و میزان اجتماعی حق مادری قرار دارد.

تأمین اجتماعی، بنیان پرداخت مزایای مرخصی زایمان را بر «بیمه‌شده زن» بنا نهاده است. در صورتی که در ماده ۶۷ این قانون به «همسر بیمه‌شده مرد» نیز اشاره شده است.

اصلاح رویه اجرایی ماده ۶۷، می‌تواند وضعیت این ماده را شفاف سازد. از آنجایی که بیش از ۴۵ سال از تصویب قانون اجتماعی می‌گذرد و در این مدت بخشی از ماده ۶۸ به عنوان «کمک‌ها» به ذینفعان تعلق نگرفته و ماده ۶۹ کاملاً اجرا نشده است؛ بهتر است وضعیت این مواد مشخص و تعیین تکلیف شود.

درباره پژوهش

این مطالعه در مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی توسط سعیده گراوند در سال ۱۳۹۸ انجام شده است

رویکرد اخلاق مراقبتی حکومت با مردم در دوران کرونا



سعیده بابایی



مرکز پژوهشی آرا

دینداری و سبک زندگی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

این پژوهش ایده خوبی دارد

نظر شورای علمی

و متن آن با محوریت تحلیل نگارنده و مبتنی بر یک نظریه در اخلاق اجتماعی، بسط مختصری یافته است. برای معتبر ساختن این ایده و پیشنهادات برآمده از آن برای سیاستگذاری باید کار بیشتری صورت بگیرد.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

اخلاق مراقبت در راستای اصلاح نقایص نظریات سنتی اخلاقی مطرح شده و ظرفیت‌های آن در حوزه‌های مختلفی مانند سیاست، فرهنگ، محیط زیست، علم و تکنولوژی، پزشکی و سلامت و... قابل استفاده است. رابطه همدلانه، الگو قرار دادن رابطه مادرانه، تمرکز بر فرهنگ و آموزش و اعتماد متقابل از جمله ویژگی‌هایی است که هر حاکمیتی طبق نظریه اخلاق مراقبت باید داشته باشد و با شهروندان خود اخلاق مدارانه رفتار کند.

بنابراین ضروری است به دنبال مسیرهایی بود که این ویژگی‌ها را تقویت کند. تقویت این ویژگی‌ها به خصوص در دوران کرونا، می‌تواند رابطه میان مردم و حاکمیت را بهبود بخشد.

●● تقویت رابطه همدلانه

یکی از لوازم اصلی و اجتناب‌ناپذیر برای شکل‌گیری یک رابطه مراقبتی میان حاکمیت و مردم، فهم همدلانه این دو نسبت به یکدیگر و خصوصاً حاکمیت با مردم است. از سوی دیگر، هوشیاری ارتباطی ویژگی مهم دیگر یک رابطه مراقبتی است که هر فرد در برابر روابط و رفتارهای خود مسئول است.

کم‌توجهی شهروندان و حاکمیت به روابطی بینابین منجر می‌شود و عدم ساختارهای مناسب برای تقویت و تکریم این روابط باعث می‌شود آسیب‌هایی نظیر رفتار غیرمسئولانه با محیط زیست، خلأ گفتگوی همدلانه و نتیجه‌بخش میان اقشار مختلف اجتماعی و میان مردم و حاکمیت، دو یا چند قطبی شدن جامعه در عرصه‌های فرهنگی و مذهبی و... به وجود آید. رویکرد مراقبتی از این جهت فراتر از رویکرد لیبرالی و فردمحور است که رابطه‌ای دوسویه است که در آن طرفین نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نیستند.

در بحران کرونا، این وجه از رویکرد مراقبتی به نحوی آشکار خود را نمایان کرده است. ویروس کرونا به دلیل سرعت و سهولت عجیبی که در انتقال به دیگران دارد، این مرزهای حوزه عمومی و خصوصی را به چالش کشیده است. بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی برخی از افراد نسبت به دیگران، شیوع تصاعدی بیماری را موجب شده است.

●● الگو قرار دادن رابطه مادرانه

یکی از ویژگی‌های اصلی نگاه مادرانه این است که شخص یا حاکمیت



حاکمیت و نهادهای وابسته به آن، باید برای جامعه هر دو نقش مادری و پدیری را ایفا کنند. در

برخورد حاکمیت با شهروندان، دو رویکرد اخلاقی سنتی و مراقبت‌محور وجود دارد. در رویکرد سنتی یا پدران، حکومت به روش‌های قهری توسل می‌جوید. در حالی که در رویکرد مراقبتی یا مادرانه، یک رابطه دوطرفه وجود دارد و طرفین در مسیر شکوفایی و پیشرفت متقابل، به یکدیگر بازخورد می‌دهند.

این دو نگاه در سیاست باید مکمل یکدیگر باشند و برتری هر یک از آنها بر دیگری، می‌تواند به عدم توازن در اداره کشور منجر شود. حکومت با استفاده از این دو رویکرد و تقویت آن می‌تواند رابطه میان حاکمیت و مردم را علی‌الخصوص در دوران کرونا تقویت کند.

واجد این نگاه، فضیلت‌مند است و نوعی نگاه رحیمانه و کریمانه به انسان‌ها دارد. حاکمیتی که از مردم خود مراقبت می‌کند، باید حقیقتاً دغدغه و نگرانی برای رفع نیازهای مردم خود داشته باشد و از همه قوا و دستگاه‌های خود برای شکل‌گیری این رابطه مراقبتی و مادرانه بهره بگیرد. در مورد بحران کرونا، این مراقبت نمود بیشتری پیدا کرده است. زیرا یکی از بارزترین مواضعی که رابطه مراقبتی خود را نمایان می‌سازد، مراقبت از سلامت بیماران است.

در بحران کرونا، وضعیت روانی مردم جامعه بشدت آسیب‌پذیر شده است و این نیاز مردم را به مراقبت دوچندان می‌کند. بنابراین، هر شخص یا گروهی در هر جایگاهی و با هر تخصص و مهارتی که دارد، باید خود را مسئول مراقبت و همدلی و کاهش تنش‌های هموعان خود بداند و وظیفه اخلاقی خود نسبت به دیگران را انجام دهد.

●● زمینه‌سازی برای گفتگوی انتقادی

در چند سال گذشته، با توجه به شوک‌ها و فشارهای اقتصادی وارد شده بر مردم، متأسفانه واکنش مسئولین نسبت به این فشارها اغلب شعاری، ناهمدلانه و غیردلسوزانه بوده است، به طوری که بخشی از مردم، مسئولین را همراه و نگران خود نمی‌دانند. به همین دلیل، مردم به تدریج از حاکمیت فاصله می‌گیرند و روابط مراقبتی کم‌رنگ‌تر می‌شوند و این خلأ، خود را در بحران‌ها به شدیدترین شکل ممکن نشان می‌دهد.

یکی از لوازم حفظ و تقویت رابطه مراقبتی میان مردم و حاکمیت این است که ساختارهایی طراحی شود که بتواند انتقادات مردمی را به لایه‌های بالاتر حاکمیتی انتقال دهد و این انتقادات، بازخورد و پاسخ مقتضی را دریافت کنند و در صورت لزوم، موجب تغییراتی شوند. بحران کرونا یکی از مهمترین فرصت‌هایی است که می‌تواند به کم شدن شکاف کمک کند و رابطه همدلانه میان حاکمیت و مردم را تقویت کند. حاکمیت می‌تواند با تدابیر مراقبتی، نقش مادرانه خود را به خوبی ایفا کند.

جمع‌بندی

بحران کرونا و مسائل اقتصادی باعث ایجاد شکاف میان حکومت و مردم شده است. بنابراین نیاز است که به دنبال راه‌هایی برای کاهش این شکاف که امر نامبارکی است و تأثیرات منفی بر جامعه دارد بود. همان‌طور که در یک خانواده، توازن میان نقش‌های مادری و پدری باید برقرار بماند، حاکمیت نیز می‌تواند با استفاده از راهبردهایی توازن میان ارتباطش با مردم را حفظ کند.

این راهبردها به طور همزمان با دو رویکرد مراقبتی و سنتی در اداره کشور عمل می‌کند. برای شکل‌گیری یک رابطه مراقبتی میان حاکمیت و مردم، رابطه همدلانه، رابطه مادرانه، به اعتماد متقابل و زمینه گفتگوی انتقادی نیاز است. حاکمیت می‌تواند با تدابیر مراقبتی و تقویت این ویژگی‌ها، رابطه مراقبتی آسیب‌دیده خود با مردم را ترمیم کند.

دریای پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهشی آرا توسط سعیده بابایی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

●● تمرکز بر فرهنگ و آموزش

برخلاف رویکرد سنتی که در آن اولویت، توسل به روش‌های سخت و قهری و نیروهای نظامی است، رویکرد مراقبتی برای اصلاح خطاها، روی آموزش و یادگیری تأکید می‌کند. اگر دو رویکرد تربیتی و نرم و رویکرد قهری مکمل یکدیگر نباشند و یکی بر دیگری غلبه داشته باشد یا جایگزین آن شود، تعادل و توازن در جامعه بر هم می‌خورد.

عدم آگاهی بخشی و آموزش کافی درباره شرایط بحرانی شهرهای مقصد و نحوه انتقال بیماری در روزهای ابتدایی شیوع بیماری کرونا، باعث شد که عده‌ای از مردم با قرنطینه خانگی و به تعویق انداختن مسافرت‌ها همراه نشوند. همچنین، نبود روحیه مراقبت و مسئولیت‌پذیری در برخی از مردم نسبت به دیگران دلیل دیگری بود تا برخی با وجود شرایط بحرانی، به سفر خود ادامه دهند.

در این مورد، رویکرد مراقبتی صرف کفایت نمی‌کند و حاکمیت باید به نحوی جدی‌تر عمل کند و در صورت لزوم، از نیروهای نظامی خود برای جلوگیری از بحرانی بزرگتر کمک بگیرد.

●● ترمیم اعتماد متقابل

اعتماد متقابل، یکی از مهمترین ویژگی‌های یک رابطه مراقبتی است که متأسفانه در سال‌های اخیر، در کشور ما اعتماد میان مردم و حاکمیت سیری نزولی داشته است. در سال‌های اخیر، فشارهای اقتصادی، عدم شفافیت در ساختار حکومتی باعث کاهش اعتماد مردم به حاکمیت شده است. بنابراین، طبیعی است که توصیه‌های از بالا به پایین به قدر کافی جدی گرفته نمی‌شود و جایگاه حاکمیت به مثابه پدر یا مادری دلسوز و مقتدر تضعیف شده است.

متأسفانه، در روزهایی که بهترین فرصت برای پیشگیری از شیوع این بیماری در کشور بود، صداوسیما می‌توانست براساس رسالت فرهنگی خود، مردم را برای جلوگیری از این بحران آماده کند، اما از ظرفیت خود در جهت مخالف استفاده کرد و با تخفیف و تمسخر این بیماری، بی‌تفاوتی نسبت به این بیماری را تشویق کرد. بنابراین، زمانی که نهادهای فرهنگی فعالیت‌های پیش‌گیرانه و آگاهی‌بخشی را به نحو اعتمادپذیر و درست انجام ندهند، توازن نقش پدران و مادران حاکمیت بر هم می‌خورد.

در رابطه مراقبتی، فرد ارزش اخلاقی و کرامتی دارد و نباید با او ابزاری برخورد کرد. بر این اساس باید همزمان با تأکید بر حفظ اقتدار حاکمیت، بر

بررسی نهاد دین در مواجهه با چالش‌های کرونا



محمدحسین بادامچی



اندیشکده راهبردی مهجر

دینداری و سبک زندگی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

نظر شورای علمی

متن پژوهش می‌توانست یکپارچگی بهتری داشته باشد. پیشنهادی که مطرح شده نیازمند ایجاد یک تغییر اساسی در نگرش نهادهای مرتبط با تبلیغ دین است و برای عملی شدن آن باید تلاش بسیاری صورت پذیرد.

ضرورت و اهداف پژوهش

کرونا عامل تعطیلی حرم‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، مناسک دینی و اجتماعات مذهبی شده است و مشخص نیست شرایط شبه‌قرنطینه و فوق‌العاده کرونایی تا چه زمانی و به چه صورتی ادامه خواهد داشت. مواجهه کرونا با نهاد دین یکی از مسائل خاصی است که در حال رخ دادن است. بنا بر دیدگاه اسلامی ما، چالش‌ها را نباید تهدید تلقی کرد. با این دیدگاه، نظام‌های حکمرانی زمانی در چالش کرونا موفق خواهند بود که موضعی مناسب در مواجهه با این اتفاق بگیرند و از بحران‌های پیش آمده - که مانند تب، وجود و گسترش بیماری را زودتر هشدار می‌دهد - برای آسیب‌شناسی، اصلاح و بازسازی نظام‌های خود بهره ببرند. کرونا را باید تکانه بزرگی دانست که در مدت زمانی به نسبت طولانی، به حاکمیت و جامعه ایرانی اعمال شده است و آثار ماندگاری در شکل‌دهی آینده دین در ایران باقی خواهد گذاشت. بنابراین ضروری است ابعاد این تأثیرات بر نهاد رسمی دین در ایران و عکس‌العمل متناسب با آن بررسی شود.

روندهای موجود در سازمان اجتماعی دین در دو دهه اخیر

فرم نهاد دین به لحاظ جامعه‌شناختی و موقعیت آن در نظام جمهوری اسلامی و به‌ویژه در دوران پس از جنگ، تحت تأثیر روندهای خاصی به‌تدریج به وضع کنونی درآمده است. یکی از این روندها را می‌توان «افول نقش معرفتی - فرهنگی و افزایش نقش اجتماعی دین» دانست. همان‌طور که دیده شده است گروهی از روحانیون درگیر در مسائل معرفتی و فرهنگی، از فضای عمومی و اجتماعی کشور به درون سازمان‌های اداری و آموزشی رفته‌اند و به مسائل تخصصی و آکادمیک مشغول هستند. فرم نظام سیاسی و دینی در جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که «افول مرجعیت دینی» را ایجاد کرده است. در مسائل مختلف مثل فتوای حرمت تماس تصویری، یا ربوی بودن عقود بانکی، نظر مراجع در سیاست‌های رسمی نافذ نیست. در سال‌های اخیر، تنها در مواردی مشخص مثل تعطیلی مناسبات مذهبی در شرایط کرونایی و یا حمایت از پزشکان در مقابل حملات هواداران طب اسلامی و همین‌طور ورود زنان به ورزشگاه بوده که به نظر مراجع توجه شده است و در هر سه موارد، دیدگاه مراجع با دیدگاه دولت مرکزی همسو بوده است. روندهای دیگری نظیر «وابستگی اقتصادی بیشتر روحانیت به منابع



نهاد دین در دو دهه اخیر تحت تأثیر روندهایی که از آن می‌توان به پارادایم دین مناسکی نام برد، فرم خاصی پیدا کرده است. پارادایم فعلی به ایجاد فضایی تک‌گومحور در دین منجر شده و با فضای جدید جامعه که گفتگومحور است، قرابتی ندارد. محدودیت‌های کرونایی برگزاری مراسمات و مناسک دینی را به صورت مجازی و آنلاین محدود کرده که در این زمینه مورد اقبال واقع نشده است. بنابراین کرونا را می‌توان به عنوان فرصتی برای تغییر پارادایم تبلیغ و شبکه‌سازی کنشگران دینی در جمهوری اسلامی با توجه به شرایط جدید جامعه پنداشت.

می‌شود، «فضای مجازی» به عنوان تنها امکان ادامه روابط اجتماعی در شرایط کرونایی، موقعیتی بسیار اساسی پیدا کرده است. پارادایم دین مناسکی تصور کرده است که با مجازی کردن مناسک دینی توانسته جایگزینی قابل قبول برای خود بیابد.

در این پژوهش، ۲۰ استدلال آورده شده است که پارادایم دین مناسکی در محیط کرونایی-مجازی تداوم نخواهد داشت. برخلاف تصور پارادایم دین مناسکی، فضای مجازی نه تنها ابزاری نو برای تداوم و توسعه این پارادایم نیست، بلکه قلمرویی کاملاً جدید است که محل ظهور و انباشت همه نیروهای واگرا و انشعاب و فاصله‌گیری، انتقاد، مخالفت با پارادایم دین مناسکی است.

● اقدامات پیشنهادی برای بازسازی در نهاد دین

پارادایم دین مناسکی امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند ایده‌های اصلاحی و تحولی است. نحوه عملکرد و تعیین مسیر پارادایم دین مناسکی موقعیت سه شبکه اصلی کنشگران صحنه؛ یعنی «روحانیون و مداحان»، «فضای مجازی» و «دولت» را در سال‌های آتی تعیین می‌کند. پیشنهاد راهبردی، تأکید بر محور گسل مجازی- رثال و گذار از پارادایم دین مناسکی به پارادایم «دین در فضای مجازی» است که به طور کلی از طریق فاصله‌گرفتن نهاد دین از محور متمرکز تلویزیونی و نزدیک شدن به محور دیالوگ‌گونه و نامتمرکز فضای مجازی حاصل می‌شود. پارادایم «دین در فضای مجازی» مستلزم ظهور شبکه‌ای از کنشگران دینی ترمیم‌گر است که تپیی متفاوت از مبلغین، روحانیون، مداحان و شبکه مذهبی کنونی به وجود آورند.

جمع‌بندی

کرونا چالشی جدی در مقابل فضای جدید شکل گرفته از دین با نام پارادایم دین مناسکی است. کرونا برای این فضای جدید دینی فرصتی ایجاد کرده است که نقاط ضعف خود را شناسایی کند. بنابراین ضروری است با شناخت عوامل ایجاد چنین فضایی، از دین به تطبیق نهاد دین با شرایط جدید پرداخت.

در این پژوهش تصویری کلان از نحوه ظهور «پارادایم دین مناسکی» در دو دهه اخیر و روندهای پیشین تضعیف این و گسل‌های موجود ارائه شده است. برخلاف تصور که فضای مجازی ابزاری برای تداوم و توسعه این پارادایم در شرایط جدید است، این فضا محلی برای ظهور و انباشت همه نیروهای واگرا و مخالفت با پارادایم دین مناسکی است. پیشنهاد این است که از پارادایم «دین مناسکی» گذار کرد و به پارادایم «دین در فضای مجازی» رسید. این گذار از طریق فاصله‌گرفتن از محور متمرکز تلویزیونی و نزدیک شدن به محور دیالوگ‌گونه و نامتمرکز فضای مجازی حاصل می‌شود.

درباره پژوهش

این مطالعه در اندیشکده راهبردی مهاجر توسط محمدحسین بادامچی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

دولتی»، «آمیخته شدن نهاد دین با شبکه‌های سیاسی خاص»، «نگاه منفی به فضای مجازی»، «رشد مداحان و افزایش اهمیت مداحی پاپ»، «تلویزیونی شدن تبلیغ دینی» و... فرم نهاد دین را تغییر داده است که می‌توان از آن به «پارادایم دین مناسکی» تعبیر کرد. این پارادایم، نهاد دین را به شکلی اجتماعی، متمرکز، بوروکراتیک، مناسکی، ناسیونالیستی، توده‌ای، مداح‌محور، فرقه‌ای و متداخل با شبکه سیاسی، نظامی و رسانه‌ای درآورده است.

● روندهای پیشین تضعیف پارادایم دین مناسکی و گسل‌های موجود

در رابطه با چالش‌های ذکر شده، گسل‌های بزرگی از قبل در جامعه ایران وجود داشته و از منظر جامعه‌شناختی کلان، تکانه کرونایی این گسل‌ها را تشدید کرده است. برخی از این گسل‌های اصلی که در واگرایی از پارادایم دین مناسکی در دو دهه اخیر شکل گرفته است، عبارت‌اند از:

● گسل مجازی - رثال

از اواسط دهه هشتاد و با ورود اینترنت و گوشی‌های هوشمند به ایران، تلویزیون با حضور قدرتمند عصر اطلاعات و ارتباطات به چالش کشیده شد. تلویزیون قبلاً در چالش با برخی تحول رسانه‌ای یعنی نوار موسیقی، ویدیو و ماهواره با تأکید بر سیاست فیلترینگ موقعیت مسلط خود را حفظ کرده بود، اما این سیاست‌ها تاکنون بخاطر ماهیت متفاوت ارتباطی در فضای مجازی موفقیت چندانی نداشته است.

● گسل نخبگانی - حوزوی

شبهات دینداری نخبگان تا پیش از دهه نود بیشتر به مباحث کلام سیاسی و موارد خاصی مثل حجاب مربوط می‌شد و به همین دلیل آرایش تبلیغ دینی برای نخبگان نیز در کلاس‌های درس به همین مسائل محدود می‌شد. اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عملکرد تبلیغی روحانیون در میان نخبگان موفق نبوده و موجی از سکولاریسم عقیدتی و سیاسی و حتی الحاد علمی در میان نخبگان در حال شیوع است.

● گسل جنسیتی

یکی از جلوه‌های عمده پارادایم دین مناسکی در حوزه زنان است. همان‌طور که در ماجرای «قتل ناموسی رومینا» دیده شد، مناقشه بر سر عناصری از پارادایم دین مناسکی که در رابطه با زنان است (مثل حجاب اجباری، رابطه با جنس مخالف، غیرت و ناموس، پدرسالاری، کنترل خانوادگی، آبرومداری سنتی و...)، از قبل وجود داشته است.

● گسل نسلی

بیشترین فاصله نسلی در ایران میان نسل حاکمان (متولدین دهه ۲۰ و ۳۰) نسل نوجوانان (متولدین دهه ۸۰) است که اختلاف بسیاری در عقاید، باورها، سبک زندگی، شرایط بین‌المللی و... دارند. به نظر می‌رسد امروزه جوانان دهه هشتادی برای تطبیق دینداری با شرایط خودشان (مثلاً از طریق موسیقی، آرایش، روابط دختر و پسر و...) مسیری متفاوت از پارادایم دین مناسکی و مقاصد آن را طی می‌کنند.

● نادرستی راهبرد مناسک مجازی

در شرایطی که کرونا چالشی جدی برای پارادایم دین مناسکی محسوب

اکران فیلم‌های سینمایی خارجی در سینماهای ایران



سید باقر نبوی



مرکز پژوهش‌های مجلس

رسانه و فضای مجازی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

پژوهش طرح مسئله مطلوبی دارد.

نظر شورای علمی

ملاحظه مهم این که حل مسئله اولاً نیاز به استفاده از روش‌های تحقیق داده‌بنیاد یا مصاحبه میدانی دارد. ثانیاً در چنین پروژه‌هایی توجه و مطالعه پیشینه پژوهش نقش بسیار جدی در روشن شدن ابعاد و سپس حل مسئله دارد که این مهم نیازمند توجه بیشتری است.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۹۶ نظام‌نامه اکران را به سینماهای کشور ابلاغ کرد. در این نظام‌نامه به برخی از سینماها اجازه داده شده است تا در چارچوب یک برنامه مشخص، فیلم خارجی اکران کنند. عموم اظهارنظرها درباره این طرح، حاکی از فواید آن در راستای رونق سالن‌های سینما، رشد کیفی و تنوع سینمایی در داخل کشور است. همچنین برخی اظهارنظرکنندگان به تأثیر مثبت اجرای این طرح در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سینمای ایران اشاره داشته‌اند، اما منتقدان معتقدند اجرای آن، تأثیر منفی بر اقتصاد فیلم‌های ایرانی خواهد داشت. زیرا با توجه به ظرفیت پایین اکران برای فیلم‌های ایرانی، اجرای چنین طرحی فرصت اکران آثار ایرانی را کم‌تر خواهد کرد. بنابراین ضروری است که ابعاد سیاستی اکران فیلم‌های خارجی در سینماهای کشور بررسی شود تا مسیر پیش رو در زمینه سیاست‌گذاری سینمایی ایران شفاف‌تر شود.

●● طرح اکران فیلم خارجی

در نظام‌نامه طرح اکران فیلم خارجی به پردیس‌های سینمایی اجازه داده شد از میان آثاری که توسط مؤسسه رسانه‌های تصویری مجوز اکران اخذ کرده‌اند، فیلم خارجی نمایش دهند. بدین ترتیب، پردیس‌هایی که سه تا هفت سالن، دو سانس و پردیس‌هایی که بیش از هفت سالن داشتند، یک سالن را با ظرفیت کم‌تر از ۱۵۰ صندلی می‌توانستند به این کار اختصاص دهند. در این نظام‌نامه مقرر شد ۴۰ درصد از درآمد فروش فیلم خارجی به سینماهای اکران‌کننده تعلق گیرد و ۶۰ درصد باقی‌مانده به حسابی متعلق به خانه سینما واریز گردد. از تیرماه ۱۳۹۷ فیلم‌هایی نظیر «همه ثروت جهان»، «انتقام جویان»، «وینچستر» و ... در برخی از سینماهای کشور اکران شدند.

●● بررسی ملاحظات اساسی در اجرای طرح اکران فیلم خارجی با کیفیت کنونی

در ادامه، ملاحظات اساسی در اجرای طرح اکران فیلم خارجی با کیفیت کنونی بررسی شده‌اند.

●● ناکارآمدی در جذب سرمایه‌گذاری داخلی

طرح اکران فیلم خارجی، اولاً آنقدر محدود اجرا می‌شود که سرمایه‌گذاران



سازمان سینمایی در سال ۱۳۹۶، به برخی از سینماهای کشور اجازه اکران فیلم خارجی را داد. طبق اظهارنظرها، این طرح سبب رونق سالن‌های سینما و تنوع سینمایی در کشور می‌شود. اما منتقدان معتقدند که اجرای این طرح تأثیر منفی بر اقتصاد فیلم‌های ایرانی می‌گذارد.

یکی از اهداف اکران فیلم خارجی، پاسخ به نیاز مخاطبانی است که تنوع را در فیلم‌های روی پرده طلب می‌کنند. بنابراین برای آنکه بیشتر از این فرصت در راستای بهبود وضعیت سینماهای کشور بهره برد، باید سیاست‌گذارهای دقیقی در این حوزه انجام گیرد.

در حقیقت، دولت با جهت دادن بودجه‌های خود به سمت پرداخت یارانه برای بلیط سینما، راه ارزان‌سازی «سینما رفتن» را برای مخاطب هموار می‌کند. از این طریق دولت زمینه‌ای را فراهم می‌سازد که فیلم‌ساز، توزیع‌کننده و سینمادار بیشتر به فکر جلب مخاطب و ورود به رقابت واقعی شوند.

• اقتصاد سینما و مخاطب محوری

اکران فیلم‌های خارجی در سینماهای ایران اگر همزمان با اکران جهانی و با جهت‌دهی درست انجام گیرد، می‌تواند مثل یک فرصت برای مخاطب ایرانی و تولیدات سینمای ایران عمل کند. در حال حاضر، دولت فیلم‌های اکران‌شده در این طرح را از میان فیلم‌های سینمای آمریکا بدون طی کردن مراحل قانونی خرید کپی‌رایت از کمپانی‌های سازنده، اکران می‌کند. حال اگر فیلم‌های خارجی برای اکران در سینماهای ایران از میان فیلم‌های غیرآمریکایی و توسط توزیع‌کنندگان داخلی فیلم انتخاب شوند، امکانات اقتصادی و سیاسی آن برای سینمای ایران بیشتر آشکار خواهد شد. در حال حاضر، فیلم‌های ایرانی فرصتی برای عرضه در اکران کشورهای خارجی ندارند. دولت نیز نظارتی در این زمینه ندارد و بازاریابی فیلم‌های ایرانی در خارج از کشور بدون هیچ‌گونه نگاه راهبردی ملی صورت می‌گیرد. در حالی که برخی از آثار سینمای ایران در سال‌های اخیر، به رغم عدم سخت‌ظاهری با سینمای اروپایی، در برخی کشورهای اکران‌های موفقی داشته‌اند.

سیاست اکران فیلم خارجی در ایران باید در تعامل با کشورهای منطقه و با هدف تقویت همکاری‌های بلندمدت سینمایی در سطح دولتی و خصوصی به نقشه‌ای راهبردی عمل کند. «ایجاد بازار بین‌المللی برای سینمای ایران»، «ارتقای کیفیت تولیدات مشترک»، «به‌کارگیری شهرت و اعتبار بین‌المللی سینمای ایران در جذب سرمایه» و «شکل‌گیری مخاطبی تازه در سینمای ایران همراه با رونق اکران فیلم خارجی» از جمله عواید این طرح برای سینمای ایران است.

جمع‌بندی

موافقان طرح اکران فیلم خارجی معتقدند که این طرح موجب رونق سالن‌های سینما می‌شود. اما مخالفان این طرح معتقدند که اجرای چنین طرحی فرصت اکران آثار ایرانی را کم‌تر خواهد کرد. در این پژوهش ابعاد سیاستی اکران فیلم‌های خارجی در سینماهای کشور بررسی شده است تا مسیر پیش رو در زمینه سیاستگذاری سینمایی در ایران شفاف‌تر شود. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته پیشنهاد می‌شود که دولت دخالت خود در مراحل مختلف چرخه سینما را به حداقل رساند و راه سینما رفتن را برای مخاطب آسان کند. از جمله عواید طرح اکران فیلم خارجی برای سینمای ایران «ایجاد بازار بین‌المللی برای سینمای ایران»، «ارتقای کیفیت تولیدات مشترک»، «به‌کارگیری شهرت و اعتبار بین‌المللی سینمای ایران در جذب سرمایه» و «شکل‌گیری مخاطبی تازه در سینمای ایران همراه با رونق اکران فیلم خارجی» است.

درباره پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری سیدباقر نبوی و اسماعیل نوده فراهانی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

داخلی را برای ساخت سالن ترغیب نمی‌کند. ثانیاً در اجرای آن خبری از پخش‌کننده داخلی نیست و واردکردن و پخش فیلم به مؤسسه رسانه‌های تصویری سپرده شده است.

• کم‌انگیزی بخش دولتی

بخش دولتی به دلیل کم‌انگیزی، تمایلی به کشف آثار خوب و قابل پخش در ایران ندارد و این امر باعث می‌شود به طور کل مقوله خرید و پخش فیلم خارجی در سینماهای ایران فاقد کیفیت لازم باشد.

• بی‌اعتنایی به سالن‌های کم‌مخاطب

در طراحی اعلام‌شده از سوی سازمان سینمایی، مشخص نیست براساس چه ارزیابی معینی از ظرفیت سینماهای کشور، این مقدار سانس تخمین زده شده است. در این شیوه‌نامه، سینماهای فرسوده که در مناطق کم‌مخاطب شهری و اغلب کم‌تر از سه سالن دارند، فرصت چندان برای استفاده از اکران فیلم خارجی ندارند.

• سرگردانی در سیاستگذاری محتوایی و اقتصادی

یکی از اهداف اکران فیلم خارجی، پاسخ به نیاز مخاطبانی است که تنوع و کیفیت بیشتری در فیلم‌های روی پرده طلب می‌کنند. اکران فیلم خارجی در سینماهای ایران مبتنی بر قواعد رقابت میان آثار داخلی و خارجی است. شیوه‌نامه پیشنهادی برای اجرای طرح اکران فیلم خارجی، نوید دخالت مستقیم دولت را در سینما می‌دهد. در این طرح، هیچ سهمی برای توزیع‌کننده و واردکننده فیلم در نظر گرفته نشده است و در نتیجه هیچ رغبتی در آن برای ورود نیروهای بخش خصوصی وجود ندارد. در حال حاضر، اجرای طرح اکران فیلم خارجی، نه به معنای بازگذاشتن دست سرمایه‌گذار و ورود نیروهای خلاق و رونق صنعت سینما در ایران است، نه به معنای حمایت دولت از سینما و شکل‌دهی تولید داخلی فیلم و سینمای ملی.

• اقدامات پیشنهادی در جهت بهبود وضعیت

اجرای قانون تأمین اجتماعی

در ادامه، در جهت بهبود وضعیت سینماهای کشور و رونق این صنعت پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌شود.

• اقتصاد سینما و مخاطب محوری

هرگونه سیاستگذاری در سینمای ایران باید طرحی بلندمدت از اقتصاد سینمای ایران داشته باشد. مخاطب ایرانی به سینما می‌رود و در قبال سرگرم‌شدن، پولی پرداخت می‌کند. این مسئله‌ای است که اقتصاد سینما را شکل می‌دهد.

در حال حاضر، رابطه سینماگران و دولت با مخاطب دچار بحران شده است. بخشی از سینماگران که بودجه تولید فیلم را از بخش غیردولتی تأمین می‌کنند به دیدگاه مخاطب توجهی ندارند و تمرکز بخش خصوصی بیشتر به سینما است تا شکل‌دهی رابطه طبیعی با مخاطب. فیلم‌هایی که با بودجه‌های حاکمیتی تولید می‌شوند نیز از آنجا که وابستگی مستقیم به فروش بلیط و استقبال تماشاگر ندارند، رابطه‌ای طبیعی با مخاطب پیدا نمی‌کنند.

عدم موفقیت غالب فیلم‌های دولتی در سینمای ایران، نشانی از این واقعیت دارد. دولت در سینما، باید از دخالت حداکثری در مراحل مختلف چرخه سینما اعم از تولید، توزیع و اکران دوری کند و برای حمایت از تولید ملی و جذب مخاطب به سینما در این عرصه حضور داشته باشد.

بررسی مبانی سیاستی اداره وزارت فرهنگ و ارشاد



اسماعیل نوده فراهانی



مرکز پژوهش‌های مجلس

رسانه و فضای مجازی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

این پژوهش از حیث نگارش و

نظر شورای علمی

تحلیل در سطح خوبی است و ریزه‌کاری‌های تحسین‌برانگیزی از وضعیت موجود، فرآیندها و نقاط ضعف و قوت وزارت ارشاد ارائه می‌دهد. تحلیل‌ها در این پژوهش در قد و قواره یک پژوهش سیاست‌گذارانه در سطح کلان است.

ضرورت و اهداف پژوهش

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از دستگاه‌های دولتی است که طی دهه‌های گذشته همواره مورد انتقاد قرار گرفته است. از یک سو عده‌ای این دستگاه را عامل سختگیری و ممانعت بر سر جریان آزاد فرهنگ و هنر و از سویی دیگر عده‌ای آن را به سهل‌انگاری و حتی ایجاد بستر برای گسترش فرهنگ مهاجم متهم می‌کنند. جالب آنکه به رغم تحولات سیاسی کشور و به قدرت رسیدن دولت‌هایی با دیدگاه‌های مختلف و گاهی متضاد، هرگز این معادله تغییر جدی نکرده است.

بنابراین نیاز است تا با شناخت رویکرد حاکم بر وزارت فرهنگ به دنبال رفع چالش‌های رویکردی این وزارتخانه بود. در گزارش پیش‌رو سعی شده است ضمن بررسی سیاست‌های فرهنگی در کشورهای مختلف، سیاست فرهنگی کنونی کشور نیز ارزیابی شود و برای رفع موانع موجود راهکار ارائه شود.

سیاست فرهنگی

برای بررسی الگوهای کلاسیک سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگ، می‌توان گفت که اگر اساساً بر این باور باشیم که دنیای غرب به عنوان زادگاه سیاست فرهنگی واجد سه خانواده در این زمینه است، باید نسبت به شناخت سه الگوی سیاست‌گذاری عمومی مبادرت کنیم که این الگوها به گونه‌ی معناداری در مورد ریشه‌های تاریخی، ترتیبات نهادی و شیوه‌ها و گستره‌ی حمایت متفاوت هستند. بر این اساس، سیاست فرهنگی کشورهای فرانسه، سوئد و ایالات متحده که هر یک از این نمونه‌ها واجد مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی هستند در ادامه بررسی می‌شوند.

«سیاست فرهنگی فرانسه» یک نظام به هم پیوسته و هماهنگ است. عملکرد این سیاست در حوزه‌های مختلف متفاوت است. عملکرد شکلی آن را «سطوح بالای پرداخت یارانه‌های عمومی برای فرهنگ و هنر»، عملکرد محتوایی آن را «نقش مسلط دولت در ایجاد فرهنگ والا»، نظام اداری آن را «یک بوروکراسی فرهنگی قدرتمند»، هدف نظام اداری آن را «برنامه‌ریزی و اجرای سیاست فرهنگی» و منطق اقتصادی آن را «نگرش‌های ضدبازاری و ضدتجاری و حضور ناچیز بخش خصوصی» تشکیل می‌دهد که در ارتباط مستقیم با «آموزه‌های سوسیال دمکراسی به عنوان یک ایدئولوژی مدرن و جامعه‌گرا» قرار دارد.

یکی دیگر از مدل‌های سیاست‌گذاری فرهنگی، مدل سوئدی است که در آن دولت مسئول انحصاری تأمین اعتبارات مالی فرهنگ و هنر است و از



«سیاست‌گذاری فرهنگی» عنصری در یک کلیت تاریخی-اجتماعی-اقتصادی است که از دل تاریخ تحولات اجتماعی کشورهای خاستگاه خود ایجاد می‌شود. سیاست فرهنگی در دوران پهلوی به تبع شکل‌گیری دولت مدرنی اصیل و درون‌زا پدید نیامد بلکه یک «سیاست فرهنگی مداخله‌گر» با رویکرد «شاهنشاهی-سکولار» بود. با پیروزی انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی، نه غربی» سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با هویت ملی - اسلامی بنا نهاده شد. اما در حال حاضر بر پایه‌ی شواهد موجود «سیاست فرهنگی ایرانی» با اتخاذ رویکرد انفعالی-سلبی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک مجموعه گسسته و نامنسجم را تشکیل می‌دهد.

شغلی لازم، کوچک بودن ساختار کنونی نسبت به اهداف کلان تعیین شده، بروز توجیه سیاست فرهنگی منفعل و سلبی و عدم امکان نقد و بررسی نظام صنفی.

- شیوه هزینه‌کردها: اختصاص بودجه در قالب سیاست‌های حمایتی و کمک بلاعوض و در نتیجه عدم قابلیت ردیابی هزینه‌کردها.
- مؤسسات و انجمن‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: قرارگیری مؤسسات و انجمن‌ها در هماهنگی کامل با شکل‌گیری سیاست فرهنگی کنونی سلبی‌انفعالی، ساختار تشکیلاتی پیچیده و گند.
- غایت فعالیت‌ها: ارائه شاخص‌های کمی و فعالیت نمایشگاهی- جشنواره‌ای.

راهکارهای اصلاح سیاست فرهنگی

به منظور اداره مؤثر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بایستی نوعی سیاست فرهنگی فعال، ایجابی و برون‌گرا در دستور کار قرار بگیرد. برخی از ارکان اتخاذ یک سیاست فرهنگی جدید عبارتند از:

- اتخاذ نوعی سیاست فرهنگی عملگرایانه: معیار قرار گرفتن «توانایی در تخفیف مسائل، تولید محصولات قابل دفاع و ایجاد چشم‌انداز مثبت» در سنجش ایده‌ها و اقدامات سیاستگذارانه، ایجاد نظام رتبه‌بندی مجوز نمایش در سینما، شبکه خانگی و...

• بازسازی ساختاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: بازسازی کمی و ارتقای کیفی نیروی انسانی و سازمان اداری فرهنگ و هنر.

- فراهم کردن زمینه نظارت‌پذیری حمایت‌های غیرمستقیم: تدوین آیین‌نامه جامع مشتمل بر معیارهای تعیین صلاحیت دریافت‌کنندگان کمک و...

سایر راهکارهای پیشنهادی شامل «تمرکز آثار فاخر مورد حمایت بر مسائل ایران امروز و زندگی روزمره»، «حمایت دولت از هنرمندان هم‌جهت با سیاست‌های کلی نظام»، «توجه به بسط و توسعه هنرهای درون‌زا و دارای پیشینه تاریخی» و «بازنگری در مسائل مرتبط با آموزش هنر در جامعه» است.

جمع‌بندی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از دستگاه‌های دولتی و متولی پیگیری سیاست فرهنگی نظام در معنای برنامه‌ریزی شده، آگاهانه و رو به رشد از سوی اهالی سیاست، رسانه و مردم است.

بررسی سیاست فرهنگی کنونی حاکی از آن است که اهداف و رویکردهای کلان به واسطه عوامل مختلف دچار تعلیق شده و مهجور مانده است. «شیوه فعالیت»، «ساختار تشکیلاتی» و «شیوه هزینه‌کردها» حاکی از سازوکار معیوب حاکم بر این دستگاه است. در این میان انتقال حوزه مبارزه از عرصه نظامی به فرهنگی، ناکارآمدی فرآیند نظارت و... سیاست فرهنگی کنونی را ناکارآمد جلوه می‌دهد.

به منظور بهبود شرایط کنونی پیشنهاداتی ارائه شد که اتخاذ سیاست فرهنگی عملگرایانه، بازسازی ساختاری، فراهم کردن زمینه نظارت‌پذیری حمایت‌های غیرمستقیم از این جمله است.

دریای پژوهش

این مطالعه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی توسط اسماعیل نوده فراهانی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

نهادهای فرهنگی حمایت مالی خوبی می‌کند. دولت در سطح مرکزی با هدف حفظ رویکردی فراگیر و برابری خواهانه از طریق نظام تشویقی خود عمل می‌کند؛ این نظام تشویقی از یک سو به شدت تمرکززدایی شده است و از سوی دیگر درجه بالایی از کنترل را بر نهادهای محلی و منطقه‌ای اعمال می‌کند. سیاست فرهنگی سوئدی باید از یک سو زمینه پرداختن افراد به فعالیت خلاق مورد علاقه‌شان را فراهم آورد و از سوی دیگر، آثار منفی تجاری شدن بخش فرهنگ را خنثی سازد. زیرا در درون یک «دمکراسی فرهنگی» دسترسی یکسان به فرهنگ، هم‌تراز با برابری اقتصادی- اجتماعی قلمداد می‌شود.

مدل آمریکایی نیز یکی دیگر از الگوهای کلاسیک سیاست فرهنگی است که در آن بخش خصوصی هم در زمینه عرضه و هم در زمینه اعطای اعتبارات مالی برای هنرها و فرهنگ سلطه دارد و در نتیجه، دولت فقط نقش پشتیبانی را ایفا می‌کند. در این مدل، شبکه غیرمتمرکز و پراکنده سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی به گونه‌ای است که دولت فدرال تنها وظیفه مشوق را بازی می‌کند. همچنین یک برنامه روشن و صریح عمومی برای فرآیند سیاست فرهنگی وجود ندارد.

چالش‌های پیش‌روی سیاست فرهنگی ایران

در ادامه، ملاحظات اساسی در اجرای طرح اکران فیلم خارجی با کیفیت کنونی بررسی شده‌اند.

ناکارآمدی در جذب سرمایه‌گذاری داخلی

نفوذ ایده‌های ناهمخوان مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی سیاستگذاری فرهنگی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. از سویی مباحثات پیرامون مسئله «تعهد» و «تأمین مالی» سوآلی پیچیده و به قدمت «تاریخ سیاست فرهنگی» است. مهم‌ترین ایده‌های مذکور عبارتند از:

- تغییر رویکرد هنرمندان باقی‌مانده در ایران به رویکرد «سکولار» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در نتیجه میراث سیاست فرهنگی پهلوی.
- شعار هنر برای هنر از سوی گروه‌هایی از هنرمندان در پی غلبه سیاست فرهنگی لیبرالیستی.

• انتظار رهبران انقلاب اسلامی در تحقق شعار «هنر متعهد» و در غیر این صورت بلاموضوع بودن مطالبه «تبعیض مثبت» از «صنعت فرهنگ».

- اتخاذ رویکرد «انفعالی-سلبی» از سوی سیاستگذاران و تبدیل شدن نهاد متولی هنر به ارائه دهنده «سوبسید» و «مجوز».

آسیب‌شناسی سیاست فرهنگی کنونی ایران

به منظور آسیب‌شناسی سیاست فرهنگی در ایران، بایستی مؤلفه‌های الگوی سیاست فرهنگی را مورد توجه قرار داد.

- اهداف و رویکردهای کلان: تغییرات وظایف قانونی علیرغم ثبات اهداف قانونی، انحراف در شیوه ارزیابی عملکرد، انحراف در شیوه نگرش به فعالیت‌های فرهنگی و محدود شدن قلمرو موضوع فعالیت‌های فرهنگی

• شیوه فعالیت: «عدم تولید محصول و بسنده نمودن به حمایت از تولیدکنندگان بیرونی» و «اعطای مجوز» از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ساختار تشکیلاتی: عدم برخورداری از نیروی انسانی متخصص و شرایط

شناسایی الگوی مشارکت جمعی پیاده‌روی اربعین در راستای حل مسائل اجتماعی



پژوهشکده مطالعات فناوری صدیقه رضانی تمیجانی



تعاون و مشارکت‌های مردمی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

پژوهش دارای حجم بالایی

نظر شورای علمی

است و کار زیادی برای انجام آن شده است. پیشنهادات خوبی ارائه شده است اما از آن همه حجم و مطالب تحلیلی، به نقاط راهبردی در سطوح مختلف سیاستگذاری نرسیده است.

●● ضرورت و اهداف پژوهش

از آنجا که مدیران و برنامه‌ریزان اجتماعی همواره به دنبال کشف راه‌هایی برای بهره‌گیری از مشارکت جمعی در راستای حل مشکلات و مسائل اجتماعی هستند؛ مطالعه آیین پیاده‌روی اربعین به عنوان نمونه‌ای موفق با الگویی بدیع و تنوع در موضوعات مشارکت، از حیث مؤلفه‌ها و سازوکارهای نقش‌آفرین در برگزاری موفق این آیین حائز اهمیت زیادی است. به نظر می‌رسد الگوگیری از آن برای حل مسائل کشور می‌تواند راهگشای برون‌رفت از پاره‌ای بن‌بست‌های سیاستگذاری فرهنگی و سرگردانی‌ها و ابهامات موجود در فهم چرایی ناکارآمدی برنامه‌های اجرا شده و در دست اجرا باشد.

●● روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش کیفی و تکنیک مصاحبه استفاده شده و نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌ها به صورت هدفمند از میان موکب‌داران و خادمین ایرانی صورت گرفته است. برای تحلیل مصاحبه‌ها از ترکیبی از روش «تحلیل مضمون» و «نمونه‌سازی آرمانی» استفاده شد. در کدگذاری مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از نرم افزار MAXQDA^{۱۰} ابتدا واحدهای معنایی مرتبط از متن مصاحبه جداسازی شده و سپس طی سه مرحله کدگذاری و پیش‌روی در سطح انتزاع، مضامین مختلفی حاصل آمد که در قالب پنج مقوله ساحت مشارکت، گونه مشارکت، جریان مشارکت، زمین مشارکت و جهان ذهنی مشارکت‌کننده دسته‌بندی شد.

●● لایه‌های الگوی مشارکت جمعی راه‌پیمایی اربعین

تحلیل نتایج مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن است که الگوی پیاده‌روی اربعین دارای سه لایه پنهان، نیمه‌پنهان و آشکار درون خود است که در ادامه به تشریح هر لایه پرداخته می‌شود.

●● لایه پنهان

در لایه پنهان و یا همان جهان ذهنی مشارکت‌کننده، با انگاره‌ها، باورها، و تفسیرهایی حکیمانه مواجه هستیم که برآمده از هستی‌شناسی و نگرشی مبتنی بر وحی به جهان هستی، فارغ از واقعیت جاری بر زندگی روزمره است. آموزه‌های توسل، برکت، امداد غیب و توفیق مستخرج از متن مصاحبه‌های این پژوهش، ریشه در آیاتی از کلام... مجید و روایات رسیده از ائمه اطهار(ع) دارد. طرز فکریایی چون مثبت‌نگری و کل‌نگری، همچنین نگرش جهانی و



پیاده‌روی اربعین به ظاهر، رویدادی برای یادآوری و تکریم حماسه‌ای در گذشته است؛

اما به شدت متعلق به اکنون ماست و رو به سوی آینده دارد. این آیین نقش قابل توجهی در تقویت قدرت نرم جهان تشیع با بازسازی هویت دینی شیعیان و افزایش سرمایه نمادین و اجتماعی ملل شیعه ایفا می‌کند. طی سالیان اخیر، تغییرات زیادی در نوع توزیع و سطح درگیری شرکت‌کنندگان در این آیین اعم از موکب‌داران، کاروان‌داران، زوار پیاده و غیرپیاده و... پدید آمده است که حائز دلالت‌ها و آثار و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی مختلفی بر جوامع از جمله جامعه ایرانی در مقولاتی چون انسجام اجتماعی درون فرهنگی و میان فرهنگی بوده است.

تعاون و مشارکت‌های مردمی

- التزام به پیشینه فرهنگی مشارکت‌کنندگان در برنامه‌ریزی مشارکت؛
- پرهیز از نگاه ابزارگرایانه به مشارکت‌کننده و تمرکز صرف بر عملکرد افراد در جهت دستیابی به اهداف؛
- ایجاد تنوع در عرصه‌های مشارکت عامل افزایش رضایت، جلب مشارکت و ارتقاء بهره‌وری؛
- مورد توجه قرار دادن طردشدگی مظاهر مدرنیته به عنوان عامل بهینه‌سازی مشارکت؛
- اجتناب از ارزیابی خروجی محور و ایجاد هرگونه زمینه خودنمایی؛
- طرد سیاست‌زدگی و یا فعالیت با برچسب‌های جناحی و نه بی‌تفاوتی سیاسی؛
- توجه به شناسایی کارکردها و نتایج پنهان قصد نشده اما نافع قابل بهره‌برداری در برنامه‌ها؛
- پرهیز از به کارگیری الگوی واحد در تأمین و توزیع منابع و...؛
- استقبال از ساختار شکنی همسو با اهداف برای بهبود فرآیندهای مشارکت؛
- طرد تخصص‌گرایی افراطی به عنوان مانع درک کلیت فرآیند مشارکت؛
- چرخشی کردن داوطلبانه نقش‌ها و مسئولیت‌ها عامل رضایت و مقابله با احساس نابرابری؛
- تقویت سازوکارهای معنامحور برای کاهش سطح انتظار مشارکت‌کنندگان از یکدیگر و از مسئولین؛
- انتخاب مشارکت‌کننده براساس تجربه مشابه پیشینی به عنوان عامل بهبود عملکرد؛
- اتخاذ معیار گزینش متفاوت برای لایه‌های مختلف نیروها مانع انحصارگرایی.

جمع‌بندی

از آنجا که هر الگوی مشارکتی جدای از ابعاد ذهنی و معنایی و خصایص ذاتی، پیوندها و وابستگی‌هایی نیز با کنشگران و عرصه‌های کنش برقرار می‌کند، بررسی ویژگی‌های جمعیت مشارکت‌کننده در اربعین ضرورت می‌یابد. از خلال این بررسی می‌توان به معرفی دقیق‌تر ظرفیت‌های پنهان و پیشنهادها عملی و قابل اجرا برای بهره‌گیری از الگوی مشارکت جمعی اربعین در سایر رویدادها و اقدامات سیاستگذارانه کمک کرد.

طبق یافته‌های این پژوهش، الگوی مشارکت جمعی پیاده‌روی اربعین در لایه پنهان حکمت بنیان، در لایه نیمه‌پنهان مبتنی بر عقل سلیم و اجتماع محور و در لایه آشکار، معنویت‌محور است. هر لایه بر مبنای لایه زیرین خود بنا شده و شکل می‌گیرد و از آنجا که حکمت جاری و ساری در لایه پنهان در کنار عقل و حس از وحی بهره جسته، همه الگو رنگ و بوی و خصلت دینی به خود می‌گیرد. در این پژوهش پس از بررسی الگوی مشارکت جمعی در اربعین، پیشنهادهای برای سیاستگذاران حوزه‌های فعالیت‌های فرهنگی مشارکتی ارائه شده است.

دریاره پژوهش

این مطالعه در پژوهشکده مطالعات فناوری توسط صدیقه رضوانی تمیجانی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

تاریخی به امور و نظام ارزشی متفاوت کنشگران اربعین ریشه در درک کل‌نگرانه و وحدت وجودی نسبت به جهان پیرامون و نوعی فلسفه تاریخ و نظم اخلاقی ویژه دارد.

● لایه نیمه پنهان

لایه نیمه‌پنهان و یا زمین مشارکت مبتنی بر عقل سلیم است. منظور از عقل سلیم، مجموعه‌ای از مهارت‌ها و دانش‌های ضمنی است که به مرور زمان و به تدریج در نسبت با حکمت دینی شکل گرفته و مردم در زندگی روزمره خود و به طور ویژه در امور و مناسک دینی به کار می‌بندند؛ بدون اینکه روند آموزشی رسمی و مشخصی را برای آن گذرانده باشند. این لایه با قواعد، هنجارها و ویژگی‌های نهادی، فرانهادی و مدیریتی مختلفی مواجه است که همگی در امتداد نگاه حکیمانه موجود در لایه پنهان در طول زمان شکل گرفته و بازتولید کننده و یا حامل آن هستند. از این رو هر فرد یا نهادی که از همگرایی بیشتری با نگاه حکیمانه فوق‌الذکر برخوردار باشد، از قابلیت و ظرفیت نقش‌آفرینی و همچنین کارآمدی و اثربخشی بیشتری برخوردار خواهد بود.

زمین مشارکت در پدیده پیاده‌روی اربعین، خصلت بارز دیگری هم دارد و آن اجتماع محوری است. منظور از اجتماع در اینجا، گروهی از اقشار مختلف مردم است که دیدگاه‌ها و عقاید مشترکی دارند. منظور از اجتماع محوری، فراهم آوردن شرایط و امکان دسترسی و ایفای نقش مردم در حل مسائل و بهینه کردن الگوهاست.

● لایه آشکار

لایه آشکار هم معنویت‌محور است. منظور از معنویت، نوعی احساس و گرایش ذاتی انسان نسبت به امور غیرمادی است. معنویت در محیط کار و عمل معمولاً به سه سطح فردی (کار معنادار)، گروهی (احساس یگانگی و یکپارچگی با دیگران) و سازمانی (همسانی و همسویی با ارزش‌های سازمان) تفکیک می‌شود.

پیاده‌روی اربعین با یک فضای کار اداری و سازمانی مواجه نیست تا بتوان از محیط کار و ویژگی‌های آن سخن گفت. اگر تعریف سازمان اینگونه باشد که سازمان از هماهنگی معقول عده‌ای از افراد برای تحقق هدف مشترکی از طریق تقسیم وظایف و برقراری روابط منظم و منطقی به طور پیوسته فعالیت می‌کنند تشکیل می‌شود؛ می‌توان نوعی محیط کار را در این پدیده شناسایی کرد که در آن فضای ارتباط بین کنشگران مبتنی بر پیوند معنوی است و فضای حمایتگری بر مبنای سرمایه معنوی و رابطه با وجود قدسی است.

●● پیشنهادات سیاستی برای بهره‌گیری از الگوی

پیاده‌روی اربعین

مطالعه الگوی مشارکت جمعی، معرفی‌کننده چشم‌اندازها و دربرگیرنده درس‌آموزی‌هایی ارزشمند برای پدیده‌های مشابه و یا با وجوه همگراست که سیاستگذاران و تصمیم‌گیران چنین پدیده‌هایی می‌توانند از آن استفاده کنند. در ادامه به خلاصه‌ای از آنها اشاره شده است.

- پرهیز از تصدی‌گری حاکمیتی در برنامه‌ها و اقدامات مردم‌محور؛
- تناسب ساختار و محتوای برنامه‌های مشارکت با سابقه تاریخی منطقه هدف و خلق پیوند با عناصر تاریخی؛
- توجه به پیوست معنوی و دینی برنامه مشارکت؛
- فراروی از هویت‌های قومی، ملی، قبیله‌ای و مانند آن در برنامه‌ریزی مشارکت؛

بررسی حضور روحانیون در مناطق سیل زده سال ۹۸



مهدی مولایی



پژوهشکده تبلیغ و مطالعات
اسلامی باقرالعلوم (ع)

●● ضرورت و اهداف پژوهش

پس از وقوع بحران سیل در فروردین ۱۳۹۸، مبلغان دینی حضور و نقش آفرینی چندوجهی در مناطق سیل زده داشتند؛ پاکسازی معابر و منازل، لایه‌روبی رودخانه‌ها، ترمیم سیل‌بندها، مشاوره‌دهی، اقامه نماز جماعت و آموزش معارف اسلام و ... از این موارد است.

این حضور نیازمند بررسی همه جانبه است تا با شناخت ایرادات و نقاط ضعف، جهت استفاده بهتر و هدفمند از ظرفیت طلاب و روحانیون در این چنین حوادث، راهکارها و برنامه‌های مشخص تری ارائه و آماده شود. بر این اساس پژوهش حاضر در سه بخش «دانش، باور و تجربه دینی»، «دانش، باور و تجربه فرهنگی» و «مدیریت و ساختارهای حوزه و حاکمیت» تنظیم و نگاشته شده است تا حضور ایشان را ارزیابی کند. در این سه بخش، ۱۵ مؤلفه از مهمترین مسائل و طرح‌های راهبردی و راهکارها برای حل مسائل شناسایی شده، معرفی شده است.

●● روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش نتیجه گفتگو با ۲۶ نفر از طلاب فعال در میدان، مدیران حوزوی استانی، مردم مناطق سیل زده و همچنین مشاهدات عینی نگارنده است. برای اعتبارسنجی گزارش نیز، بعد از تدوین، این گزارش برای ۱۵ نفر از استادان این حوزه و صاحب‌شوندگان، ارسال و براساس نظرات دریافتی اصلاح و تکمیل شده است.

●● حضور طلاب و روحانیون در حادثه سیل ۹۸

مبلغان دینی حضور و نقش آفرینی چندوجهی در مناطق سیل زده داشتند. در ادامه، به امداد فرهنگی طلاب و روحانیون در سیل ۹۸ در سه بخش پرداخته خواهد شد و در هر بخش، برخی از مهمترین مسائل و طرح‌های راهبردی و همچنین برخی از راهکارها برای حل این مسائل بیان می‌شود.

● دانش، باور و تجربه دینی

طلاب و روحانیت از نگاه مردم نوعی پناهگاه و تکیه‌گاه معرفتی و دینی شناخته می‌شوند. «چگونگی به کارگیری آموزه‌های مذهبی» و «وجود ابهام دربارهٔ مأموریت سازمان تبلیغات روحانیون و طلاب» از جمله مسائل این بخش است که برای رفع آن برگزاری کارگاه‌های آموزشی «کابردی‌سازی معارف دینی ناظر به موقعیت‌های بحرانی» و «مشخص‌سازی مأموریت و وظایف سازمان تبلیغات در امداد رسانی در حوادثی مانند سیل و زلزله» پیشنهاد می‌شود.

تعاون و مشارکت‌های مردمی

موضوع تخصصی



امتیاز شورای علمی

در مجموع پژوهش

نظر شورای علمی

بی‌ادعا و خوبی در سطح خودش بود. این پژوهش به مستندسازی حضور طلاب به خوبی پرداخته و جمع‌آوری تجربه‌های این اتفاق همراه با ارزیابی آن، اقدام ارزنده‌ای است.



مبلغان دینی با حضور و نقش آفرینی چندوجهی در مناطق سیل زده، منظره‌های زیبایی از

خدمت‌رسانی، همدلی و فداکاری آفریدند. شاید بتوان گفت مهمترین تأثیر حضور روحانیت در میان مردم سیل زده، «امیدآفرینی» برای این مردم و «تقویت جایگاه روحانیت در ذهن و باور مردم» بوده است.

طلاب و روحانیت از نگاه مردم نوعی پناهگاه و تکیه‌گاه معرفتی و دینی شناخته می‌شوند که در این گونه حوادث علاوه بر تلاش برای رفع نیازهای عامه مردم باید در نقش متخصص حوزه دین، از خطراتی که اعتقادات و باورهای دینی مردم را تهدید می‌کند، جلوگیری، و حتی در مرحله بالاتر، اعتقادات مردم را تقویت کنند.

بنابراین برای «ایجاد ساختار دوگانه دولتی-مردمی»، راهکارهایی مانند «تاکید بر اصلاح برخی باورها در دوره‌های آموزشی بصیرت‌افزایی سیاسی و ...» و «اصلاح نگاه و باور مدیران و نخبگانی مانند سرگروه‌های تبلیغی، فعالان جهادی طلاب و ترویج برخی رفتارهای صحیح مدیران عالی حوزه» توصیه می‌شود.

از مشکلات و ضعف‌های روحانیت در عرصه امداد رسانی ناآگاهی از منابع اجتماعی است و این ضعف، در عرصه نهادی حوزه نیز وجود دارد. «حضور رسمی نداشتن حوزه علمیه در شورای عالی مدیریت بحران کشور» و «وجود برخی مشکلات و موانع حقوقی و قانونی برای حضور طلاب در امداد رسانی میدانی» از مسائلی است که می‌توان با «تلاش برای عضویت حوزه علمیه در شورای عالی مدیریت بحران کشور» و «افزایش تعاملات و همکاری حوزه علمیه با نهادهای امدادی و استفاده از ظرفیت‌هایی مانند سازمان داوطلبان جوانان هلال احمر» رفع کرد. از عوامل حضور مؤثر و اثربخش هر گروه و تشکل در میدان، توجه به مؤلفه‌ها و الزامات فعالیت تشکیلاتی است. «ضعف هماهنگی و همکاری میان نهادهای رسمی و غیررسمی در سطوح میانی و پایینی» و «ضعف مهارت و نبود ساختار لازم برای کار تشکیلاتی» از مسائل مطرح در این بخش است.

پیشنهاد می‌شود با «شکل‌دهی و تقویت شورای هماهنگی نهادهای حوزوی در هر استان و منطقه با حضور مهمترین نهادهای رسمی و نمایندگانی از مؤسسات و نهادهای مردمی در درون حوزه» و «تغییر نگاه حوزه از مدیریت و کنترل حرکت‌های جهادی طلاب جوان به بسترسازی و تقویت و پشتیبانی هوشمندانه این حرکت‌ها» برای حل این مسائل قدم نهاد.

جمع‌بندی

پس از وقوع بحران سیل در فروردین ۱۳۹۸، طلاب و روحانیون برای امداد رسانی به استان‌های سیل‌زده شتافتند و حضور و نقش‌آفرینی چندوجهی داشتند. در این پژوهش از طریق مصاحبه‌ها و مشاهدات در سه بخش «دانش، باور و تجربه دینی»، «دانش، باور و تجربه فرهنگی» و «مدیریت و ساختارهای حوزه و حاکمیت» مشکلات و نقاط ضعف حضور روحانیون تنظیم و نگاشته شده است.

در هر بخش پس از جمع‌آوری مشاهدات و تحلیل اقدامات صورت گرفته، راهکارهایی جهت استفاده بهتر از ظرفیت طلاب ارائه شده است. برخی از مهمترین مؤلفه‌های این بخش‌ها شامل «برنامه بلندمدت برای حضور مبلغان در مناطق حادثه‌دیده»، «مردم‌گرایی» و «جایگاه حقوقی و رسمی حوزه علمیه در امداد رسانی» است.

درباره پژوهش

این مطالعه در پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (ع) توسط مهدی مولایی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

در مناطق آسیب‌دیده حداقل نیمی از اعضای منطقه‌های آسیب‌دیده کودکان و بانوان هستند. «به رسمیت شناخته نشدن ظرفیت بانوان طلبه و حتی ناآگاهی بسیاری از نهادها و حتی حوزویان از این ظرفیت» و «توانمند نبودن بانوان طلبه برای حضور مؤثر در این موقعیت‌ها» از مسائل این بخش است. برای حل این مسائل پیشنهادهای مانند «معرفی ظرفیت‌های حوزه علمیه خواهران و بانوان طلبه به سایر نهادها به‌ویژه سازمان تبلیغات اسلامی»، «آموزش مهارت‌های کار با کودکان و خانواده‌ها در قالب آموزش‌های ضمن خدمت و به صورت کارگاهی» ارائه شده است. با گذشت زمان و کم‌شدن اخبار مناطق حادثه‌دیده و ... حضور مردم در این مناطق به تدریج کاهش می‌یابد.

«غفلت از نگاه راهبردی و حداقل میان‌مدت برای ارتباط با مردم این مناطق» و «کاهش انگیزه برای حضور در این مناطق» از مسائل این بخش است که راهکارهایی مانند «بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای مجازی (در کنار حضور میدانی) برای تداوم ارتباط با مردم مناطق» و «گزارش‌دهی مستمر اداره تبلیغات اسلامی مناطق سیل‌زده از وضعیت دینی و فرهنگی منطقه به نهادهای رسمی برای اطلاع‌رسانی و اعلام ضرورت حضور بلندمدت طلاب در این مناطق» پیشنهاد می‌شود.

دانش، باور و تجربه فرهنگی

از ویژگی‌های روحانیت در طول تاریخ این است که همواره در کنار مردم بوده‌اند و مردم نیز روحانیت را پناهگاه خود می‌دانسته‌اند. «وجود فاصله میان روحانیت و مردم» و «درون‌گرایی افراطی برخی نهادهای حوزوی و تمرکز بر خود به جای توجه به مأموریت و رسالت» از مسائل مطرح در این بخش است که پیشنهاد می‌شود با «بهره‌گیری از مسیر خدمات اجتماعی-فرهنگی برای ایجاد ارتباط و کاهش فاصله واقعی با مردم» و «داشتن نقش واسط میام مردم و حاکمیت برای بیان صحیح مشکلات مناطق محروم و سیل‌زده با تقویت روحانیون مستقر در مناطق» این مسائل حل شوند.

تجربه وقوع سیل نشان داد، گروهی در میدان موفق‌تر هستند که شناخت دقیق‌تر و جامع‌تری از فرهنگ و مردم منطقه داشته باشند. «کم اهمیت بودن شناخت اقتضانات فرهنگی و بومی»، «ناآشنایی و بی‌توجهی به شناخت زبان‌های محلی و بومی» و «انتخاب مدیران غیربومی» از مسائل مطرح در این بخش است.

«اعزام گروه‌های تبلیغی و جهادی طلاب با راهبری طلبه بومی از اهالی منطقه» و «طبقه‌بندی مناطق کشور براساس مشترکات فرهنگی و تعیین حوزه‌های معین برای موقعیت‌های امدادی و ...» راهکار مناسبی برای این چنین مسائل به شمار می‌آیند.

در کنار شناخت ویژگی‌ها و اقتضانات خاص هر منطقه باید به یک سری اصول و مهارت‌های مدیریت فرهنگی نیز توجه کرد. بنابراین برای رفع «ضعف مهارت‌های مدیریت فرهنگی برای فعالیت در گروه‌ها» پیشنهاد می‌شود بسته‌های آموزشی ناظر به مدیریت فرهنگی در شرایط بحران تدوین شود. همچنین با برگزاری دوره‌های کارگاهی برای مدیران سازمان تبلیغات اسلامی در مناطق حادثه‌خیز می‌توان ضعف مهارت‌های مدیریت فرهنگی در حوزه فعالیت گروه‌ها را رفع کرد.

مدیریت و ساختارهای حوزه و حاکمیت

در نظام اسلامی رابطه میان مردم و حاکمیت، رابطه دو طرفه است و هر دو درباره یکدیگر تکالیف و حقوقی دارند. در این میان روحانیت در جایگاه واسط میان مردم و حاکمیت می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

اخبار اجتماعی و فرهنگی زیست بوم اندیشه ورزی

مروری بر اخبار سه ماه اخیر اندیشکده‌ها دربارهٔ اجرای روندهای فرهنگی و انتشار کتب و مقالات متمرکز بر مسائل اجتماعی

دیالکتیک فناوری و آموزش

خانۀ نوآوری تعلیم و تربیت وابسته به مؤسسهٔ مطالعات راهبردی تعلیم و تربیت برهان، با رونمایی از کتاب «گذار در بحران؛ تعلیم و تربیت در گذار به سمت نظام برتر» به سلسله مباحثی در فضای تعلیم و تربیت دامن زده است. این بحث‌ها و نشست‌ها پیرامون نقش متقابل فناوری و آموزش مطرح می‌شوند و از اثرات فناوری محور شدن آموزش بر محتوای آموزشی می‌گویند. نقطهٔ تلاقی این مباحث را می‌توان غفلت سیاستگذار آموزشی از تعارض ذاتی میان فناوری (که ساختی بیرونی دارد) با محتوای آموزشی مورد نظر سیاستگذار دانست؛ این تعارض بر فرهنگ خاص فناوری تکیه دارد که به طور خودکار بر محتوا نیز اثر می‌گذارد.



چرخش زنانه در چرخ‌دنده‌های دولت پدرسالار

اندیشکدهٔ راهبردی مهاجر در سومین همایش دولت‌پژوهی با مقالهٔ «یک قرن دولت پدرسالار؛ ریشه‌های گفتمانی و ضرورت چرخش زنانه در چرخش قرن» شرکت کرده است. این همایش توسط دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شده و به بررسی ابعاد متعدد دولت‌داری در ایران پرداخته است. بحث اندیشکدهٔ مهاجر در این همایش یک بحث فرهنگی-گفتمانی-ساختاری است. این مقاله قائل به ائتلاف تمامی گفتمان‌های سیاسی معاصر در ذیل ساختار دولت پدرسالار است و چرخش زنانه را به عنوان تنها طرح جایگزین سازمان نوین دولت در قرن آینده معرفی می‌کند.

پیامدهای ممنوعیت غربالگری بر سلامت جامعه

هستهٔ سلامت مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) بعد از پر سروصدا شدن «طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» و حذف غربالگری در این طرح، در سلسله نشست‌هایی با عنوان «غربالگری؛ از مسئله‌ای پزشکی تا دغدغه‌ای اجتماعی» به این مسئله می‌پردازد. موضع مباحث مطرح شده در نشست نخست این جلسات، مخالفت با غربالگری همگانی و تأکید بر هزینه‌های بالای آن بود. این در حالی است که طبق اعلام وزارت بهداشت، تاکنون حدود ۷۰ هزار نوع ناهنجاری در نوزادان از طریق غربالگری مهار می‌شده است.

درآمدی بر انتخابات ۱۴۰۰

طی سه ماه اخیر اندیشکدهٔ راهبردی سعادت با انتشار دو کتاب، دغدغهٔ خود را نسبت به انتخابات ریاست جمهوری پیش رو نشان داده است. کتاب «انتخابات ۱۴۰۰؛ تکرار یا تغییر»، به بررسی چالش‌های ذهنی در باب انتخابات اختصاص دارد و کتاب «سنگ محک»، ۴۷ شاخصهٔ نامزد اصلح برای ریاست جمهوری را مرور کرده است.

چند رویکرد به دیپلماسی ورزشی

مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران با انتشار کتاب «ایران و دیپلماسی ورزشی»، تعریف حداقلی از دیپلماسی ورزشی مبنی بر «استفادهٔ ابزاری از ورزش بین‌المللی در سیاست خارجی» را رد کرده است و بر بهره‌وری حداکثری از این مفهوم تأکید دارد. این کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که ابعاد و جنبه‌های متعدد دیپلماسی ورزشی را از ابزاری سیاسی تا کسب منزلت داخلی و خارجی برای کشورها بررسی می‌کند.

گام به گام احراز هویت قانونی فرزندان بامادر ایرانی

انجمن دیاران، اندیشکدهٔ تخصصی مباحث مهاجرت و مسائل مهاجرین، در گزارشی سلسله وار به تشریح فرآیند صدور شناسنامه برای فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و اتباع خارجی می‌پردازد. دیاران ضمن مرور این سیر در شهرهای متعدد ایران، اطلاعاتی پیرامون مدارک لازم و معرفی دستگاه‌های ذی‌ربط را نیز ضمیمهٔ این گزارشات می‌کند. این کار، جهت سهولت اقدام به دریافت شناسنامه برای مهاجرین صورت می‌گیرد.



IranThinktanks.com